

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد



حقوق بشر، تروریسم و مقابله با تروریسم

گزاره برگ شماره ۳۲

یادداشت

تعاریف به کار گرفته شده در این اثر و مطالب ارائه شده در آن به هیچ وجه بیانگر نظرات دبیرخانه سازمان ملل متحد پیرامون وضعیت حقوقی هیچ کشور، سرزمین، شهر یا ناحیه یا در رابطه با تعیین حدود مرزها یا سرحدات آنها نیست.

مطالب مندرج در این اثر را می توان آزادانه بازگویی یا تجدیدچاپ نمود مشروط به ذکر منبع و ارسال رونوشتی از اثر محتوی به دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به آدرس مندرج در پشت جلد.

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| مقدمه | ۱ |
| فصل اول: حقوق بشر و تروریسم | ۳ |
| بخش نخست - تعریف حقوق بشر | ۳ |
| بخش دوم - تعریف تروریسم | ۶ |
| بخش سوم - تاثیر تروریسم بر حقوق بشر | ۸ |
| بخش چهارم - پاسخگویی و حقوق بشر قربانیان | ۱۰ |
| بخش پنجم - تروریسم و سایر جنبه‌های حقوق بین الملل | ۱۳ |
| فصل دوم - حقوق بشر و مقابله با تروریسم | ۲۲ |
| بخش نخست - ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم | ۲۲ |
| بخش دوم - انعطاف پذیری قوانین حقوق بشر | ۲۶ |
| فصل ۳ - چالش‌های خاص حقوق بشر در حین وقوع تروریسم و مقابله با تروریسم | ۳۵ |
| بخش نخست - حق بر حیات | ۳۵ |
| بخش دو - چالش‌های پیش روی ممنوعیت مطلق شکنجه | ۳۸ |
| بخش سوم - انتقال افراد مظنون به عملیات تروریستی | ۴۰ |
| بخش چهارم - آزادی و امنیت فردی | ۴۳ |
| بخش پنجم - نمانگاری و اصل منع تبعیض | ۴۴ |
| بخش ششم - رویه قضایی عادلانه و حق بر دادرسی عادلانه | ۴۶ |
| بخش هفتم - اصل قانونی بودن و تعریف تروریسم | ۴۸ |
| بخش هشتم - آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به تروریسم | ۵۰ |
| بخش نهم - آزادی انجمن‌ها | ۵۲ |
| بخش دهم - نظارت، حفاظت از داده‌ها و حق بر حریم خصوصی | ۵۴ |
| بخش یازدهم - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی | ۵۶ |
| پیوست | ۵۹ |

" با اذعان به اینکه اقدامات کارآمد در راستای مقابله با تروریسم و ترویج حقوق بشر نه تنها اهداف مغایر نیستند بلکه مکمل و تقویت کننده یکدیگر هستند، ترویج و حمایت از حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون در تمامی مولفه های استراتژی جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم ضروری می نماید "

استراتژی جهانی سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم

(قطعنامه ۲۸۸/۶۰ مجمع عمومی، ضمیمه)

مقدمه

هزینه‌های انسانی ناشی از تروریسم کمابیش در تمامی گوشه و کنار جهان محسوس است. خانواده سازمان ملل متحد خود نیز متحمل تلفات انسانی فاجعه آمیز ناشی از این گونه اعمال خشونت آمیز بوده است. حمله به دفاتر این سازمان در بغداد در ۱۹ آگوست ۲۰۰۳ موجب از دست رفتن جان نماینده ویژه دبیرکل، سرجیو ویرا دملو^۱ و ۲۱ زن و مرد دیگر و همچنین آسیب دیدن بیش از ۱۵۰ نفر دیگر شد که جراحات وارده به برخی بسیار شدید بود.

به وضوح تروریسم تاثیرات بسیار زیاد و مستقیمی بر حقوق بشر دارد و پیامدهای زیانباری را در بهره‌مندی از حق بر حیات، آزادی و تمامیت جسمانی قربانیان آن به جا می‌گذارد. علاوه بر هزینه‌های انسانی، تروریسم می‌تواند منجر به بی‌ثباتی حکومت‌ها و تضعیف جامعه مدنی گردد و صلح و امنیت را به خطر اندازد و تهدیدی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی به حساب آید. تمامی این مسائل تاثیر عمیقی در بهره‌مندی از حقوق بشر به همراه دارند.

امنیت فردی یکی از حقوق بنیادین بشر است و حمایت از فرد تعهدی اساسی برای دولت‌ها به حساب می‌آید. براین اساس حکومت‌ها متعهد هستند تا با اتخاذ اقدامات قاطعانه حقوق بشر اتباع خود و سایرین را تضمین نمایند و از آنها در برابر تهدید عملیات تروریستی حمایت به عمل آورند و مرتکبین این اعمال را محاکمه نمایند.

با این وجود در سال‌های اخیر اقدامات اتخاذی از جانب دولت‌ها برای مقابله با تروریسم خود چالش‌های جدیدی را پیش روی حقوق بشر و حاکمیت قانون قرار داده است. برخی از دولت‌ها با توسل به شکنجه یا انواع دیگر بدرفتاری به مقابله با تروریسم پرداخته‌اند. این در حالی است که ضمانت‌های قانونی و عملی موجود به منظور پیشگیری از شکنجه همچون نظارت منظم و مستقل از مراکز بازداشت اغلب نادیده گرفته می‌شوند. سایر دولت‌ها با برگرداندن افراد مظنون به عملیات تروریستی به کشوری که فرد با خطر واقعی شکنجه یا دیگر اشکال نقض حقوق بشر مواجه می‌شود، تعهد قانونی بین‌المللی منع اعاده را نقض می‌نمایند. در برخی دیگر از کشورها ایجاد دادگاه‌های استثنایی^۲ برای محاکمه غیرنظامیان با تاثیر بر کارآمدی نظام‌های دادگاهی عادی موجب تضعیف استقلال نظام قضایی شده است. دولت‌ها به اقدامات سرکوب کننده متوسل شده‌اند تا صدای مدافعان حقوق بشر و روزنامه نگاران، اقلیت‌ها، گروه‌های بومی و جامعه مدنی را خاموش نمایند. بیشتر منابع لازم برای برنامه‌های اجتماعی و کمک‌های مربوط به توسعه در حوزه‌های امنیتی مصرف می‌شوند و بدین طریق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

¹ Sergio Vieira de Mello

² exceptional courts

توسل به رویه‌های مذکور، به ویژه به صورت همزمان، پیامدهایی منفی بر حکومت قانون، حکمرانی بایسته و حقوق بشر به همراه خواهند داشت. همچنین این رویه‌ها، نتایج و تاثیرات زیان آوری بر تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با تروریسم برجا خواهند گذاشت.

احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون باید سنگ بنای مبارزه جامعه جهانی علیه تروریسم قرار گیرند. این مهم مستلزم توسعه راهبردهای ملی مقابله با تروریسم با هدف پیشگیری از اعمال تروریستی، پیگرد مسئولین این اعمال جنایتکارانه و پاسداری از حقوق بشر و حاکمیت قانون است. این امر مستلزم اقداماتی است در راستای بررسی شرایط منجر شونده به شیوع تروریسم از جمله عدم حاکمیت قانون و نقض حقوق بشر، تبعیض مبتنی بر نژاد، ملیت و مذهب، محرومیت سیاسی و انزوای اجتماعی اقتصادی. از دیگر اقدامات اساسی در این راستا می‌توان به ترویج مشارکت موثر و رهبری جامعه مدنی، محکوم کردن نقض حقوق بشر و ممنوع ساختن آن در قوانین ملی، تحقیق و پیگیری سریع نسبت به این موارد، پیشگیری از نقض حقوق بشر؛ و توجه کافی به حقوق قربانیان نقض حقوق بشر، به عنوان مثال، از طریق پرداخت غرامت و جبران خسارات اشاره کرد.

گزاره برگ پیش رو با هدف تقویت آشنایی مخاطب با رابطه پیچیده و چند وجهی حقوق بشر و تروریسم تدوین شده است. در این گزاره برگ برخی از موضوعات بنیادین حقوق بشر در زمینه تروریسم شناسایی و تعیین می‌شوند و اصول و استانداردهای حقوق بشری مربوطه که می‌بایست در تمامی زمان‌ها و به ویژه در مقابله با تروریسم مورد احترام قرار گیرند بررسی می‌شوند.

مخاطب این گزاره برگ مقامات دولتی، سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی، نهادهای ملی حقوق بشر، شاغلان در عرصه‌های حقوقی، و سایر افرادی هستند که در تضمین حمایت و ترویج حقوق بشر در هنگام وقوع عملیات تروریستی و مقابله با آن نقش دارند.

گزاره برگ پیش رو به ویژه با اهداف ذیل تدوین شده است:

- بالا بردن آگاهی نسبت به تاثیر تروریسم و مقابله با تروریسم در بهره‌مندی از حقوق بشر؛
- ارائه ابزاری عملی برای افرادی که با مسئله تروریسم، اقدامات مقابله با آن و حقوق بشر سروکار دارند.
- ارائه راهنما به منظور تضمین ملاحظات حقوق بشری در زمان مقابله با تروریسم.
- تعیین چالش‌های خاص پیش روی حقوق بشر در مقابله با تروریسم.

فصل اول: حقوق بشر و تروریسم

در این فصل پیش از بررسی تاثیر تروریسم بر حقوق بشر، ابتدا چارچوب این حقوق تعیین و در ادامه رابطه میان تروریسم، حقوق بشر و سایر قوانین بین المللی مرتبط بررسی می شود.

بخش نخست - تعریف حقوق بشر

بند نخست - ماهیت حقوق بشر

حقوق بشر عبارتند از مجموعه ای از ارزش های جهانی و ضمانت های قانونی که به طور عمده از افراد و گروه ها در برابر اعمال و قصور عوامل دولتی، که منجر به نقض آزادی های اساسی، حقوق و کرامت انسانی می شوند، حمایت می کنند. گستره حقوق بشر شامل احترام به حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به علاوه حق بر توسعه و همچنین اجرای این حقوق و حمایت از آنها می شود. این حقوق نه تنها جهانی، بدین معنی که به صورت ذاتی به تمامی ابنای بشر تعلق دارند بلکه به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک نیز هستند.^۳

بند دوم - قوانین بین المللی حقوق بشر

قوانین بین المللی حقوق بشر در بسیاری از مهمترین معاهدات بین المللی حقوق بشر و همچنین حقوق بین الملل عرفی منعکس شده اند.

این معاهدات به ویژه عبارتند از میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل اختیاری آن. سایر معاهدات جهانی حقوق بشری مهم عبارتند از کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی؛ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن؛ کنوانسیون منع شکنجه وسایر رفتارها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز و پروتکل اختیاری آن؛ کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل اختیاری؛ کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان. از جمله معاهدات اخیر می توان به کنوانسیون بین المللی حمایت از تمامی افراد در برابر ناپدید شدن اجباری و کنوانسیون افراد دارای معلولیت و پروتکل اختیاری آن اشاره کرد که هر دو در دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسیدند.

^۳ به عنوان مثال نگاه کنید به ماده ۵۵ (۳) منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و برنامه اقدام اعلامیه وین.

علاوه بر اسناد مذکور، مجموعه ای روبه تزايد از معاهدات و پروتکل‌های موضوعی و همچنین معاهدات منطقه‌ای گوناگون برای پاسداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز تصویب شده‌اند.

قوانین بین‌المللی حقوق بشر تنها به حقوق مندرج در معاهدات محدود نمی‌شوند، بلکه حقوق و آزادی‌هایی را نیز شامل می‌شوند که بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل داده‌اند، بدین معنی که همه دولت‌ها حتی اگر عضو معاهده خاص نباشند ملزم به رعایت آن حقوق هستند. بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای این ویژگی هستند. کمیته حقوق بشر نیز در نظر تفسیری شماره ۲۴ (۱۹۹۴) و نظر تفسیری ۲۹ (۲۰۰۱) اظهار کرد برخی از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیانگر هنجارهای حقوق بین‌الملل عرفی هستند. به علاوه برخی از حقوق از اعتبار ویژه هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار هستند بدین معنی که در هیچ شرایطی عدول از آنها امکان‌پذیر نیست. همانطور که در طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل پیرامون مسئولیت دولت‌ها منعکس شده است، ممنوعیت شکنجه، برده‌داری، نسل‌کشی، تبعیض نژادی و جنایات علیه بشریت و حق بر تعیین سرنوشت بیشتر به عنوان هنجارهای بنیادین شناخته می‌شوند. کمیسیون حقوق بین‌الملل همچنین فهرستی از مقررات اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه را به عنوان نمونه‌هایی از هنجارهای بنیادین ذکر می‌کند.^۴ به همین ترتیب، کمیته حقوق بشر محروم کردن خودسرانه از زندگی، شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز، گروگانگیری، مجازات جمعی، محروم کردن خودسرانه از آزادی و نقض برخی از حقوق مربوط به فرآیندهای قانونی منصفانه را غیرقابل عدول تلقی می‌کند. در همین حال، کمیته مبارزه با تبعیض نژادی در بیانیه خود در مورد تبعیض نژادی و مقابله با تروریسم، اصل عدم تبعیض را به عنوان هنجاری بنیادین تصدیق می‌کند.

بند سوم - ماهیت تعهدات دولتها در قوانین بین‌المللی حقوق بشر

قوانین حقوق بشر در وهله اول، دولت‌ها را ملزم به انجام اقدامات خاص و پیشگیری از انجام اقدامات دیگر می‌کند. دولت‌ها وظیفه دارند به حقوق بشر احترام بگذارند از آن حمایت و آن را اجرا کنند. احترام به حقوق بشر در وهله اول مستلزم عدم مداخله در بهره‌مندی از این حقوق است. حمایت متمرکز است بر اتخاذ تدابیر مثبت در راستای تضمین عدم مداخله دیگران در بهره‌مندی از این حقوق. اجرای حقوق بشرمستلزم این است که دولت‌ها تدابیر مناسب از جمله تدابیر قانونگذاری، قضایی، اجرایی و آموزشی را به منظور اجرای تعهدات قانونی خود اتخاذ

^۴نگاه کنید به طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت دولت‌ها به همراه تفاسیر آن. تفسیر ماده ۲۶(۵) و تفسیر ماده ۴۰ بند های ۳ تا ۵- همچنین نگاه کنید به رای دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه (Prosecutor v. Furundžija) مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸ به شماره پرونده (IT-95-17/1)

نمایند. یک دولت عضو به دلیل مداخله اشخاص یا نهادهای خصوصی در بهره مندی حقوق بشر، مسئول شناخته می شود اگر که احتیاط لازم را در حمایت در برابر چنین اعمالی را به خرج نداده باشد. به عنوان مثال مطابق با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت های عضو مسئولیت اتخاذ تدابیر مثبت را در راستای تضمین اینکه افراد موجود در قلمرو آنها تحت شکنجه یا سایر رفتارها و مجازات های بیرحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی اشخاص یا نهادهای خصوصی قرار نمی گیرند. بنابر قوانین حقوق بشر، در صورت بروز چنین موارد نقض حقوق بشر مسئولیت تامین خسارت موثر برعهده دولت ها قرار می گیرد.^۵

تمامی دولت ها باید آن دسته از قوانین حقوق بشری را که در محدوده حقوق بین الملل عرفی قرار می گیرند رعایت نمایند.^۶ در رابطه با معاهدات حقوق بشری نیز دولت هایی که عضو معاهده خاصی هستند تعهداتی را به موجب آن معاهده برعهده دارد. سازوکارهای گوناگونی برای اجرایی ساختن این تعهدات وجود دارد. این سازوکارها عبارت اند از ارزیابی میزان پیروی دولت ها از معاهدات خاص توسط نهادهای ناظر بر آن معاهده و همچنین امکان اعلام شکایت برای افراد در نهادهای بین المللی به دلیل نقض حقوقشان. به علاوه و در بسیاری از چالش های حقوق بشر در مقابله با تروریسم تمامی دولت های عضو سازمان ملل متحد متعهد به اتخاذ اقدامات مشترک و جداگانه با همکاری سازمان ملل متحد به منظور دستیابی به اهداف مقرر در ماده ۵۵ منشور هستند. این اهداف عبارت اند از احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.

یکی از مسائل اساسی دامنه سرزمینی تعهدات دولت ها در قبال قوانین بین المللی حقوق بشر است. ماهیت تعهدات عمومی حقوقی دولت های عضو در این رابطه در ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بررسی شده است. همانگونه که کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۱ (۲۰۰۴) تصدیق می کند تعهد دولت ها در راستای تضمین اعمال حقوق مندرج در میثاق نسبت به تمامی افراد حاضر در مرزهای آنها و افراد تحت صلاحیتشان بدین معنا است که این دولت ها باید تضمین نمایند هر فرد داخل در حوزه اختیار یا کنترل موثر این دولت، از این حقوق بهره مند گردد حتی اگر در سرزمین آن دولت حضور نداشته باشد. به علاوه بهره مندی از قوانین بین المللی حقوق بشر تنها به شهروندان دولت عضو محدود نمی گردد بلکه تمامی افراد فارغ از ملیت یا وضعیت بی تابعیتی، همچون پناهنجویان یا پناهندگان از این حقوق بهره مند می شوند. به همین ترتیب، دیوان بین المللی دادگستری، در یکی از

^۵ نگاه کنید به نظر تفسیری شماره ۳۱ (۲۰۰۴) کمیته حقوق مدنی و سیاسی در رابطه با ماهیت تعهدات حقوقی عمومی دولت ها در قبال میثاق.
^۶ قضیه فعالیت های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن. (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا) رای مورخ ۲۷ جون ۱۹۸۶ دیوان بین المللی دادگستری، بندهای ۱۷۲-۲۰۱

نظریات مشورتی خود اظهار کرد مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نسبت به اقداماتی که یک دولت در راستای اعمال صلاحیتش در خارج از مرزهای خود انجام می‌دهد نیز تسری می‌یابند. دیوان در رابطه با قابلیت اجرای کنوانسیون حقوق کودک نیز بر همین عقیده است.^۷

بخش دوم - تعریف تروریسم

عموما تروریسم به اعمال خشونت باری اطلاق می‌گردد که غیرنظامیان را با مقاصد سیاسی یا ایدئولوژیک هدف قرار می‌دهند. اگرچه تاکنون جامعه بین المللی تعریف حقوقی جامع از تروریسم اتخاذ نکرده است، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و معاهدات جهانی مرتبط با جنبه‌های خاص از تروریسم، اعمال ویژه و عناصر اصلی آن را تعریف کرده‌اند. در سال ۱۹۹۴، اعلامیه مجمع عمومی درباره اقدامات در راستای حذف تروریسم بین المللی، مقرر در قطعنامه ۴۹/۶۰ اعلام کرد که تروریسم شامل اعمال جنایتکارانه‌ای است که با هدف و منظور ایجاد وحشت در عامه مردم، گروهی از افراد یا افراد خاص با مقاصد سیاسی صورت می‌پذیرد و این چنین اعمالی در هر شرایطی غیرموجه هستند و هیچ گونه ملاحظه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی، مذهبی یا دیگر ملاحظات آنها را توجیه نمی‌سازند.

ده سال بعد شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) به اعمال جنایتکارانه، از جمله علیه غیرنظامیان، اشاره کرد که به قصد کشتار یا ایراد آسیب شدید بدنی یا گروگانگیری و با هدف ایجاد وحشت در عامه مردم یا گروهی از افراد یا افراد خاص، تهدید جمعیتی یا اجبار حکومتی یا سازمان بین المللی به انجام عملی یا خودداری از انجام عملی دیگر صورت می‌پذیرد. سپس در همان سال هیئت عالی رتبه دبیرکل در رابطه با تهدیدها، چالش‌ها و تغییر^۸ تروریسم را هرگونه عملی تعریف کرد که «هدف از ارتکاب آن کشتار یا ایراد آسیب شدید بدنی به غیرنظامیان یا افراد غیرجنگجو باشد و هدف از انجام چنین اعمالی، درماهیت و یا با توجه به شرایط موجود، تهدید جمعیتی یا اجبار یک حکومت یا سازمان بین المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی باشد» این هیئت همچنین با اشاره بیشتر

^۷ پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های فلسطین اشغالی، نظریه مشورتی مورخ ۹ جولای ۲۰۰۴ دیوان بین المللی دادگستری، گزارش‌های سال ۲۰۰۴، بندهای ۱۱۱ و ۱۱۳. همچنین نگاه کنید به قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین‌کنگو (جمهوری دموکراتیک‌کنگو علیه اوگاندا) رای مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵ دیوان بین المللی دادگستری بندهای ۲۱۶-۲۱۷. همچنین برای پرونده‌های منطقه‌ای نگاه کنید به قضیه (Coard et al. States v. United) مطرح در کمیسیون امریکایی حقوق بشر، به شماره پرنده (۱۰/۹۵۱)، گزارش شماره ۱۰۹/۹۹ مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۹، بند

^۸ Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change

به تعاریف موجود در کنوانسیون بین المللی مقابله با تامین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت (۲۰۰۴) شماری از عناصر اصلی تروریسم را مشخص کرد.^۹

در حال حاضر مجمع عمومی درصدد تصویب کنوانسیون جامعی برای مقابله با تروریسم است. هدف از تصویب این کنوانسیون تکمیل کنوانسیون‌های موجود ضد تروریسم است که هرکدام به جنبه‌ی خاصی از تروریسم می‌پردازند. پیش‌نویس ماده ۲ دربردارنده تعریفی از تروریسم به شرح ذیل است: هرگونه عمل، تلاش یا تهدید "غیرقانونی و عامدانه" که منجر به یکی از موارد ذیل شود:

الف- مرگ یک انسان یا ایراد آسیب بدنی شدید به وی؛

ب- خسارت جدی به اموال خصوصی یا عمومی از جمله اماکن عمومی، ساختمان‌های دولتی یا حکومتی، سیستم‌های حمل و نقل عمومی، تسهیلات زیرساختی یا محیط زیست؛ یا

ج- خسارت به مال، اماکن، تسهیلات یا سیستم‌ها یا جاهای دیگری که منجر به آسیب بزرگ اقتصادی شود یا احتمال ایراد این آسیب را امکان‌پذیر سازد؛

زمانی که هدف از ارتکاب این اعمال، درماهیت یا با در نظر گرفتن شرایط، تهدید جمعیتی یا مجبور ساختن حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام عملی یا خودداری از انجام عملی باشد. در ادامه پیش‌نویس ماده معاونت، سازماندهی یا هدایت سایرین یا مشارکت در ارتکاب چنین اعمالی را از جانب گروهی از افراد با هدف مشترک جرم انگای کرده است. در حالی که بسیاری از دولت‌های عضو در رابطه با بسیاری از مفاد پیش‌نویس کنوانسیون جامع هم نظر بوده‌اند، اختلاف نظر پیرامون مشمول بودن جنبش‌های آزادبخش ملی در این تعریف موجب عدم حصول اتفاق آرا برای تصویب متن نهایی شده است. با این وجود مذاکرات کماکان در حال پیشروی است. بسیاری از دولت‌ها در قوانین ملی خود تروریسم را بر اساس مولفه‌های مذکور تعریف کرده‌اند. هر چند همواره میان تعاریف اتخاذی توسط دولت‌ها تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد.

چالش‌های ویژه در رابطه با تعریف تروریسم و اصول مربوط به جنبه قانونی آن به طور جزئی در بخش هفتم فصل سوم بررسی خواهد شد.

^۹نگاه کنید به جهانی امن تر: مسئولیت مشترک ما

بخش سوم-تأثیر تروریسم بر حقوق بشر

هدف تروریسم از بین بردن حقوق بشر، دموکراسی و حکومت قانون است. تروریسم ارزش‌هایی را هدف قرار می‌دهد که در قلب منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی جا دارند. این ارزش‌ها عبارتند از احترام به حقوق بشر؛ حاکمیت قانون؛ قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه و حمایت از غیرنظامیان؛ بردباری میان مردمان و ملت‌ها و حل و فصل مصالحه‌آمیز اختلافات.

تروریسم تأثیر مستقیمی بر بهره‌مندی از شمار بسیاری از حقوق بشر به ویژه حق حیات، آزادی و تمامیت جسمانی دارد. عملیات تروریستی می‌توانند حکومت‌ها را بی‌ثبات کنند، جامعه مدنی را تضعیف سازند، صلح و امنیت را به مخاطره اندازند، توسعه اجتماعی و اقتصادی را تهدید نمایند و تأثیر منفی بر زندگی گروه‌های خاصی از خود به جا بگذارند. تمامی این مسائل تأثیر مستقیم در بهره‌مندی از حقوق بنیادین بشر دارند.

تأثیر مخرب تروریسم بر حقوق بشر و امنیت در بالاترین سطوح سازمان ملل به ویژه از جانب شورای امنیت، مجمع عمومی، کمیسیون سابق حقوق بشر و شورای جدی حقوق بشر شناخته شده است.^{۱۰} دول عضو آشکارا مقرر کرده‌اند که تروریسم:

- کرامت و امنیت انسان‌ها را در همه جا تهدید می‌کند، جان بی‌گناهان را می‌گیرد یا آن را در معرض خطر قرار می‌دهد، محیطی را به وجود می‌آورد که آزادی مردم از ترس را پایمال می‌کند، آزادی‌های اساسی را در معرض خطر قرار می‌دهد و هدف آن از بین بردن حقوق بشر است؛
- تأثیر منفی در برقراری حاکمیت قانون دارد، جامعه مدنی تکثرگرا را تضعیف می‌کند، پایه‌های دموکراتیک جامعه را هدف قرار می‌دهد و حکومت‌های قانونی را بی‌ثبات می‌کنند.
- با جرایم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر، پول شویی، قاچاق اسلحه و همچنین انتقال غیرقانونی مواد اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی و هم‌چنین پیامدهای جرائم مهمی همچون قتل، اخاذی، آدم‌ربایی، تجاوز، گروگان‌گیری و سرقت در ارتباط است.
- پیامدهای نامطلوبی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها دارد، روابط دوستانه میان دولت‌ها را به خطر می‌اندازد و تأثیر زیانباری بر روابط میان دولت‌ها از جمله همکاری‌های مربوط به توسعه دارد.

^{۱۰}نگاه کنید به قطعنامه ۱۳۷۱ (۲۰۰۱) و ۱۳۷۷ (۲۰۰۱) شورای امنیت؛ قطعنامه ۴۸/۱۲۲، ۴۹/۱۸۵، ۵۰/۱۸۶، ۵۲/۱۳۳، ۵۶/۱۶۰ و ۵۸/۱۷۴ به علاوه اعلامیه مجمع عمومی با موضوع اقدامات برای حذف تروریسم بین‌المللی (قطعنامه ۴۹/۶۰)؛ قطعنامه ۲۰۰۱/۳۷ و ۲۰۰۴/۴۴ کمیسیون حقوق بشر، و قطعنامه‌های ۶/۲۸ شورای حقوق بشر و قطعنامه اخیر این مرجع در رابطه با حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در حین مقابله با تروریسم (۲۸ مارس ۲۰۰۸)

• تمامیت سرزمینی و امنیت دولت‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد، موجب نقض فاحش اهداف و اصول سازمان ملل متحد می‌گردد و تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد، از این رو مقابله با آن عنصری ضروری در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود.

بر اساس قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر دولت‌ها هم حق و هم وظیفه‌ی حمایت از اشخاص داخل در قلمرو خود را در برابر حملات تروریستی بر عهده دارند. این مهم نشأت گرفته از وظیفه عمومی دولت‌ها است مبنی بر حمایت از اشخاص داخل در قلمرو خود در برابر مداخله دیگران در بهره‌مندی از حقوق بشر. این وظیفه، بیشتر، به عنوان بخشی از تعهدات دولت‌ها در راستای تضمین حق بر حیات و حق بر امنیت شناخته می‌شود.

حق بر حیات که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد حمایت قرار گرفته است، به عنوان حقی متعالی^{۱۱} توصیف شده است که بدون تضمین موثر آن، سایر حقوق بشر خالی از معنی می‌گردند.^{۱۲} بر این اساس، دولت‌ها متعهد به حمایت از حق بر حیات تمامی افراد داخل در قلمروشان هستند^{۱۳} و تعلیق این حق به هیچ عنوان، حتی در زمان وضعیت‌های اضطراری عمومی جایز نیست. حمایت از حق بر حیات متضمن تعهد دولت‌ها در راستای اتخاذ گام‌های مناسب و ضروری به منظور پاسداری از زندگی تمامی افرادی است که در حیطه قلمرو آنها زندگی می‌کنند. دولت‌ها به منظور ایفای بخش مهمی از این تعهد، ملزم به اتخاذ سیستم‌های عدالت کیفری و اجرای قانون موثری همچون اقدامات بازدارنده از ارتکاب جرم و تعقیب و پیگیری این جرائم؛ تضمین تعقیب مظنونین به ارتکاب این اعمال مجرمانه، جبران خسارت موثر برای قربانیان و اتخاذ دیگر گام‌های ضروری به منظور پیشگیری از ارتکاب مجدد این جرائم هستند^{۱۴}. به علاوه براساس قوانین منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها در شرایط خاص متعهد به اتخاذ اقدامات پیشگیرانه هستند تا از زندگی فرد یا افرادی که در معرض خطر ناشی از

^{۱۱} نگاه کنید به نظر تفسیری شماره ۶ کمیته حقوق بشر

^{۱۲} See Manfred Nowak, U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary, 2nd rev. ed. (N.P. Engel, 2005), p. 121

^{۱۳} See Human Rights Committee, views on communication N° 859/1999, Luis Asdrúbal Jiménez Vaca v. Colombia, 25 March 2002 (A/57/40 (vol. II), annex IX, sect. W, para. 7.3)

^{۱۴} به عنوان مثال نگاه کنید به مجموعه اصول به روز شده برای حمایت و ترویج حقوق بشر به واسطه اقدام برای مقابله با مصونیت
“Updated Set of principles for the protection and promotion of human rights through action to combat impunity” (E/CN.4/2005/102/Add.1).

همچنین نگاه کنید به:

Human rights Committee, views on communication N° 195/1985, Delgado Páez v. Colombia, 12 July 1990 (A/45/40 (vol. II), annex IX, sect. D)

اعمال جنایتکارانه دیگران، از جمله تروریست‌ها، قرار می‌گیرد حمایت نمایند^{۱۵}. همچنین تعهد دولت‌ها در تضمین امنیت فردی اشخاص تحت صلاحیتشان در مواقع وقوع تهدید یا ظن به وقوع تهدید، از جمله تهدیدهای تروریستی، اهمیت دارد^{۱۶}.

دولت‌ها به منظور اجرای تعهدات نشئت گرفته از قوانین حقوق بشر در راستای حمایت از زندگی و امنیت افراد تحت صلاحیتشان حق و وظیفه اتخاذ اقدامات موثر مقابله با تروریست را دارند، تا بدین وسیله از حملات تروریستی آتی پیشگیری و بازداري به عمل آورند و آن دست از افرادی که مسئول ارتکاب این اعمال هستند را تحت تعقیب قرار دهند. همزمان، مقابله علیه تروریسم چالش‌های مهمی را پیش روی حمایت و ترویج حقوق بشر پدید می‌آورد. به عنوان بخشی از وظایف دولت‌ها در حمایت از افراد تحت صلاحیتشان تمامی اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم باید با تعهدات دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل به ویژه در حوزه‌های حقوق بشر، پناهندگان و حقوق بشردوستانه تطابق داشته باشد.

بخش چهارم - پاسخگویی و حقوق بشر قربانیان

در یک رویکرد حقوق بشری، حمایت از قربانیان تروریسم مقوله‌ای بسیار حائز اهمیت است. هرچند در تلاش‌های به عمل آمده پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به طور عمده به حقوق بشر قربانیان توجه کافی نشد، اما در حال حاضر جامعه بین‌المللی توجه بیشتری را معطوف به حقوق بشر قربانیان تروریسم کرده. به عنوان مثال، در این رابطه می‌توان به نتیجه اجلاس جهانی ۲۰۰۵^{۱۷} (مندرج در قطعنامه ۶۰/۱ مجمع عمومی) اشاره کرد که دولت‌های عضو "بر اهمیت کمک رسانی به قربانیان تروریسم و حمایت از این قربانیان و خانواده آنها به منظور جبران آسیب و رنج وارد بر آنها" تاکید کردند. همچنین، استراتژی جهانی مقابله با تروریسم سازمان ملل بیانگر تعهد دولت‌های عضو به منظور "ارتقا همبستگی بین‌المللی در حمایت از قربانیان و ترویج مشارکت جامعه مدنی در مبارزه جهانی علیه تروریسم و محکوم کردن آن" است.

^{۱۵} دیوان اروپایی حقوق بشر (Kiliç v. Turkey, N° 22492/93) رای مورخ ۲۸ مارس ۲۰۰۰، بند ۶۲. همچنین نگاه کنید به قضیه (Elásquez Rodríguez v. Honduras)، دیوان امریکایی حقوق بشر رای شماره ۲۹ جولای ۱۹۸۸ (بند ۱۷۴).

^{۱۶} نگاه کنید به قضیه (Delgado Páez v. Colombia): دولت‌های عضو ملزم به تضمین حقوق مندرج در میثاق هستند. از لحاظ حقوقی دولت‌ها مجاز نیستند تهدیدهای مشهود نسبت به جان افراد تحت صلاحیت خود، را نادیده بگیرند تنها از این بابت که این افراد دستگیر یا بازداشت نشده‌اند. دولت‌های عضو متعهد به اتخاذ تدابیر منطقی و مناسب به منظور حمایت از این افراد هستند. تفسیر ماده ۹ به نحوی که دولت‌های عضو را مجاز بدانند به نادیده انگاشتن تهدیدهای موجود علیه امنیت فردی اشخاص بازداشت نشده ی تحت صلاحیت خود موجب بلااثر شدن ضمانت‌های اجرای میثاق می‌شود. (بند ۵(۵))

^{۱۷} World Summit Outcome 2005

در بررسی نیازهای قربانیان تروریسم باید میان قربانیان جرم از طرفی و قربانیان نقض حقوق بشر از طرف دیگر قائل به تمایز شویم. در حالیکه این تمایز همواره روشن و صریح نیست، در بسیاری از موارد اقدامات تروریستی به عنوان جرایمی ارتكابی از جانب افراد مورد ملاحظه قرار می گیرند و اصولاً دولت به خودی خود مسئول این اقدامات غیرقانونی نیست. اقدامات ناقض حقوق بشر در وهله اول از جانب تشکیلات یا افراد به نام و یا از جانب دولت صورت می پذیرد. اگرچه، در برخی شرایط، این امکان وجود دارد که مسئولیت اقدامات فردی ناقض مقررات بین المللی حقوق بشر بر عهده دولت واقع شود.

هرچند تحلیل جامع نیازهای قربانیان جرم و موارد نقض حقوق بشر در عملیات تروریسمی و پاسخ گویی به این نیازها خارج از حوصله بحث است اما بر چند اصل بنیادین باید تاکید کرد. مخصوصاً، در بررسی نیازهای قربانیان تروریسم، معیارهای بین المللی و منطقه‌ای در رابطه با قربانیان جرم و قربانیان موارد نقض فاحش قوانین بین المللی حقوق بشر و همچنین موارد نقض جدی حقوق بین الملل بشردوستانه می توانند مفید واقع شوند^{۱۸}. مفاد خاص معاهدات جهانی مرتبط با جنبه‌های خاص تروریسم نیز در بررسی وضعیت‌های قربانیان تروریسم مرتبط هستند.

مطابق با اعلامیه اصول اولیه عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت^{۱۹}، مقرر در قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی تعریف قربانی عبارت است از "افرادی که، فردی یا جمعی، از آسیب فیزیکی یا روحی، رنج عاطفی، ضرر اقتصادی یا نقض اساسی حقوق بنیادیشان به واسطه فعل یا ترک فعل ناقض قوانین جزایی دول عضو، از جمله قوانین ممنوع کننده سوء استفاده از قدرت، رنج برده اند. ذکر این نکته بسیار مهم است که اعلامیه یادآور می‌شود "صرف نظر از اینکه مرتکبین جرم شناسایی، دستگیر، محاکمه شوند و یا تحت تعقیب قرار گرفته باشند و بدون در نظر گرفتن رابطه خانوادگی بین مجرم و قربانی" فرد را می توان قربانی به شمار آورد. همچنین "اعضای درجه یک خانواده یا وابستگان قربانی اصلی و همچنین افرادی که در مداخله برای کمک به قربانیان یا پیشگیری از قربانی شدن افراد، آسیب می بینند" را نیز می توان تحت شمول تعریف قربانی به حساب آورد.

این اعلامیه در ادامه حداقل استانداردها برای نحوه رفتار با این قربانیان را بر اساس چندین اصل اساسی عدالت مشخص می کند. بر این اساس این اصول:

- با قربانیان باید با شفقت رفتار کرد و به کرامت آنها احترام گذاشت؛

^{۱۸} به عنوان مثال نگاه کنید به کنوانسیون اروپایی جبران خسارت برای قربانیان جرایم خشونت آمیز؛ توصیه شماره (۸۵) ۱۱ کمیته وزیران درباره وضعیت قربانیان در چارچوب قوانین و آیین دادرسی کیفری.

European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes; Recommendation N° R (85) 11 of the Committee of Ministers on the Position of the Victim in the Framework of Criminal Law and Procedure.

^{۱۹} Declaration on Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power

- قربانیان باید آگاهی لازم را در مورد رویه های قانونی کسب نمایند و نظرات و نگرش های خود را راجع به آنها مطرح نمایند؛
- قربانیان باید در طول فرآیند قانونی از کمک های مناسب برخوردار باشند؛
- از قربانیان در برابر تهدید و انتقام جویی محافظت به عمل آید؛
- از حریم خصوصی قربانیان محافظت به عمل آید؛
- فرصت مشارکت در سازوکارهای غیر رسمی حل اختلافات، از جمله میانجیگری، برای قربانیان فراهم گردد؛
- از قربانیان به نحو شایسته جبران خسارت به عمل آید.
- کمک های مالی، پزشکی، روانی و اجتماعی ضروری در اختیار قربانیان قرار گیرد.

اصول و دستورالعمل های بنیادین پیرامون حق بر اعاده وضعیت و جبران خسارت برای قربانیان موارد نقض فاحش قواعد بین المللی حقوق بشر و نقض شدید حقوق بین الملل بشردوستانه²⁰، مصوب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ (قطعنامه ۶۰/۱۴۷)، بر ضرورت رفتار انسانی با قربانیان و احترام به کرامت و حقوق بشر آنها تاکید می ورزد و بر اهمیت اقدامات مناسب در راستای تضمین امنیت، رفاه جسمانی و روانی و حریم خصوصی این افراد و خانواده آنها صحه می گذارد. این اصول و دستورالعمل های بنیادین همچنین مقرر می کنند که امکان اعاده وضعیت برای قربانیان موارد نقض فاحش قوانین بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه باید فراهم گردد. این مهم شامل حق قربانیان به دسترسی برابر و موثر به عدالت، جبران خسارت موثر و سریع برای آسیب دیدگان، دسترسی به اطلاعات مربوط به سازوکارهای موارد نقض حقوق و جبران خسارت آنها می شود. این اصول و دستورالعمل ها، علی الخصوص، تعهدات دولت ها را در قبال جبران خسارات وارده به قربانیان ناشی از فعل و ترک فعل های قابل استناد به دولت بر می شمارند که منجر به نقض قوانین بین المللی حقوق بشر یا حقوق بین الملل بشردوستانه می شوند. از دیگر تعهدات دولت ها در این دستورالعمل ها مربوط به زمانبست که دولت هایی که مسئول آسیب های وارده هستند، توانایی و تمایل به ایفای تعهدات خود را نداشته باشند، در این شرایط، این دولت ها متعهد به ایجاد برنامه های ملی به منظور جبران خسارت از قربانیان و ارائه دیگر کمک ها به قربانیان هستند.

²⁰ The Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law

بخش پنجم - تروریسم و سایر جنبه‌های حقوق بین‌الملل

بند نخست - تروریسم و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، آنگونه که از معاهدات مربوط به آن برداشت می‌شود، به مجموعه قواعدی اطلاق می‌گردد که در صدد حمایت از افراد در مخاصمات مسلحانه و همچنین عملیات جنگی هستند. این قواعد در بسیاری از معاهدات از جمله چهار کنوانسیون ژنو و دو پروتکل الحاقی به آنها، به علاوه تعداد دیگری از اسناد بین‌المللی با هدف کاهش آلام انسانی در مخاصمات مسلحانه مقرر شده‌اند. بسیاری از قواعد این اسناد امروزه جز حقوق بین‌الملل عرفی به حساب می‌آیند.^{۲۱}

در مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تعریفی از تروریسم ارائه نشده است. با این وجود حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسیاری از اقداماتی را که در زمان صلح تروریستی تلقی می‌شوند را در مخاصمات مسلحانه ممنوع کرده است.^{۲۲}

به عنوان مثال، اقدامات خشونت آمیز عمدی علیه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در حقوق بین‌الملل منجر به جنایت جنگی می‌شوند و افراد مرتکب باید تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. این قاعده ریشه در اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به حمایت از افراد در مخاصمات مسلحانه به ویژه اصل تمایز^{۲۳} دارد. مطابق با این اصل تمامی طرفین مخاصمه همواره باید میان غیرنظامیان و رزمندگان تمایز قائل شوند. اساساً این مسئله بدان معناست که حملات نظامی تنها باید معطوف به اهداف نظامی یعنی اهدافی شوند که از لحاظ ماهیت، مکان، هدف و کاربرد کمک موثری به اقدامات نظامی داشته باشند و نابودی، تسخیر و خنثی سازی کامل یا جزئی آنها در شرایط جنگی منجر به برتری قاطع نظامی طرف دیگر مخاصمه شوند. لازم به ذکر است که در صورت مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه، دیگر نمی‌توان از آنها حمایت مذکور را به عمل آورد.

^{۲۱} نگاه کنید به:

Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, eds., Customary International Humanitarian Law (Cambridge, Cambridge University Press, 2005), as well as case law of the International Criminal Tribunals for Rwanda and the former Yugoslavia.

^{۲۲} نگاه کنید به:

International Committee of the Red Cross, "International humanitarian law and terrorism: questions and answers". 5 May 2004, available at www.icrc.org

^{۲۳} principle of distinction

به علاوه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه حملات کورکورانه^{۲۴} اکیدا منع شده‌اند. حملات کورکورانه عبارتند از عملاتی که به اهداف نظامی معین معطوف نمی‌شوند و روش‌ها و ابزارآلات جنگی به کار برده شده در آنها نمی‌توانند به سمت هدفی نظامی معین معطوف شوند، و یا اثرات ناشی از اسلوب یا روش‌های جنگی به کار برده شده در آنها آنگونه که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر شده محدود نمی‌شوند و در نتیجه اهداف نظامی و غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی را بدون هیچ تمایزی در هم می‌کوبند. لازم به ذکر است حملات نامتناسب^{۲۵} نیز در زمره حملات کورکورانه قرار می‌گیرند و در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع هستند.

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز "اقدامات تروریستی" یا "اعمال تروریستی" ممنوع هستند. هدف از این اعمال این ممنوعیت‌ها تاکید بر مسئولیت کیفری فردی و حمایت در برابر مجازات جمعی و "تمامی اقدامات تهدیدکننده و یا تروریستی" است^{۲۶}. به علاوه، "اعمال خشونت آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن شیوع ترس میان جمعیت غیر نظامی است" نیز مطلقا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع هستند^{۲۷}. مطابق با نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اگرچه حمله مشروع به هدفی نظامی می‌تواند منجر به شیوع ترس در میان غیرنظامیان شود، اما قوانین حاکم بر عملیات جنگی، به دنبال "ممنوع ساختن عملاتی هستند که با هدف شیوع ترس میان غیرنظامیان، به عنوان مثال از طریق گلوله باران یا تیراندازی به غیرنظامیان در مناطق شهری، صورت می‌پذیرند"^{۲۸}.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که علاوه بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قوانین بین‌المللی حقوق بشر نیز در مخاصمات مسلحانه همچنان به قوت خود باقی هستند و تنها براساس برخی شروط مقرر در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر می‌توان برخی محدودیت‌های مجاز معین را بر آنها اعمال کرد. لازم به ذکر است که تفاوت اصلی موجود میان این دو دسته از مقررات در آن است که قوانین مربوط به حقوق بشر در همه زمان‌ها از فرد حمایت می‌کند، در حالی که قوانین مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه موضوعیت پیدا می‌کنند. در این رابطه، کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۱ اعلام می‌کند:

[مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی] در شرایط وقوع جنگ نیز، که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه موضوعیت پیدا می‌کنند، همچنان به قوت خود باقی می‌مانند. در این شرایط شاید بتوان با توسل به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به تفسیر برخی از مقررات میثاق پرداخت و هر دو دسته از قواعد را مکمل یکدیگر در نظر گرفت.

²⁴ indiscriminate attacks

²⁵ disproportionate attacks

^{۲۶} کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۳۳.

^{۲۷} ماده ۵۱ (۲) پروتکل الحاقی شماره ۱ کنوانسیون‌های ژنو، و ماده ۱۳ (۲) پروتکل الحاقی شماره ۲ کنوانسیون‌های ژنو

^{۲۸} نگاه کنید به

دیوان بین‌المللی دادگستری قابلیت اجرای مقررات میثاق در مخاصمات مسلحانه را تأیید کرده و خاطر نشان می‌شود که "در عملیات جنگی نیز نمی‌توان به صورت خودسرانه فرد را از حق بر حیات محروم ساخت. معیار تعیین اینکه چه اقدامی به منزله محروم سازی خودسرانه فرد از حق بر حیات تلقی می‌شود باید توسط قانون خاص^{۲۹} یعنی قوانین قابل اعمال در مخاصمه مسلحانه تعیین گردد"^{۳۰}. دیوان در نظر مشورتی خود در رابطه با پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین فلسطین اشغالی، با مبنا قرار دادن قابلیت اعمال قوانین حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه اظهار کرد "حمایت‌های به عمل آمده بر اساس کنوانسیون‌های حقوق بشر، در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه نیز، البته با عنایت به مقررات مربوط به تعلیق برخی از حقوق مندرج در ماده ۴ [میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی]، همچنان به قوت خود باقی هستند"^{۳۱}. شایان ذکر است که اخیراً دیوان، در قضیه مربوط به مخاصمه مسلحانه میان جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا، هر دو دسته قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را قابل اعمال دانست^{۳۲}.

عملیات تروریستی که خارج از شرایط مخاصمات مسلحانه ارتکاب می‌یابند بیشتر بنابر قوانین داخلی و بسته به شرایط، قوانین بین‌المللی کیفری، جرم تلقی شده و از اینرو باید در قوانین کیفری داخلی یا بین‌المللی بدان‌ها پرداخته شود.

بند دوم - تروریسم و حقوق بین‌الملل کیفری

جامعه بین‌المللی در طول چهار دهه، با کمک و همکاری سازمان ملل متحد ۱۳ کنوانسیون در رابطه با پیشگیری و مقابله با تروریسم به تصویب رسانده است. این اسناد که هر کدام به مقوله‌ای خاص پیرامون تروریسم، از تصرف غیرقانونی هواپیما^{۳۳} و گروگانگیری تا مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی، می‌پردازند رژیم حقوقی را در راستای مقابله با تروریسم در سطح جهان ایجاد کرده‌اند و چارچوبی را برای همکاری بین‌المللی پدید آورده‌اند.

²⁹ lex specialis

^{۲۰} مشروعیت تهدید یا توسل به تسلیحات هسته‌ای، نظر مشورتی ۸ جولای ۱۹۹۵ دیوان بین‌المللی دادگستری، گزارش‌های ۱۹۹۶، بند ۲۵

^{۳۱} پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های فلسطین اشغالی، نظریه مشورتی مورخ ۹ جولای ۲۰۰۴ دیوان بین‌المللی دادگستری، گزارش‌های سال ۲۰۰۴، بند ۱۰۶

^{۳۲} نگاه کنید به نظر تفسیری شماره ۳۱ بند ۱۱؛ پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های فلسطین اشغالی بند ۱۶۳؛ قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، بندهای ۲۱۶-۲۲۰. همچنین نگاه کنید به

"Fundamental standards of humanity" (E/CN.4/2006/87, chap. III), and United Nations, Digest of jurisprudence of the United Nations and regional organizations on the protection of human rights while countering terrorism (New York and Geneva, 2003), chap. I, sect. (C).

³³ the unlawful seizure of aircraft

اسناد مذکور دولت‌ها را ملزم می‌سازند تا تدابیر ویژه‌ای را در راستای پیشگیری از ارتکاب اعمال تروریستی و ممنوع ساختن جرایم مرتبط با تروریسم اتخاذ نمایند. از جمله این تدابیر عبارتند از ملزم ساختن دولت‌های عضو به جرم‌انگاری اعمال خاص، وضع معیارهای قضایی ویژه از جمله اصل مشهور استرداد یا تعقیب قضایی^{۳۴} و همچنین ایجاد زیرساخت‌های حقوقی در راستای همکاری در زمینه استرداد و معاضدت حقوقی.

بسیاری از این معاهدات که مربوط به جنبه‌هایی خاص از تروریسم می‌شوند، اعمال خاصی را به عنوان جرم تعریف می‌نمایند و دولت‌ها را ملزم می‌سازند که این اعمال را جرم‌انگاری کنند. این معاهدات جرائم مربوط به تامین مالی تروریسم، جرائم مربوط به وضعیت قربانیان (همچون گروگانگیری و جرائم علیه افرادی که از لحاظ بین‌المللی تحت حمایت هستند)، جرائم مربوط به هوانوردی غیر نظامی، جرائم مربوط به کشتی‌ها و سکوها ثابت دریایی و جرائم مربوط به مواد خطرناک را تحت پوشش قرار می‌دهند.^{۳۵} به عنوان مثال، مطابق با کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم، تروریسم عبارت است از هرگونه "عملی که به قصد کشتن یا ایراد آسیب شدید بدنی به یک غیرنظامی یا هرفرد دیگری که در حین مخاصمات مسلحانه، مشارکت فعالی در درگیری ندارد، و هدف از انجام این اقدام، درماهیت یا با توجه به شرایط، تهدید یک جمعیت یا اجبار یک حکومت یا سازمان بین‌المللی به انجام کاری یا خودداری از انجام کاری باشد." این عمل مستلزم مجازات جرائم ویژه مربوط به تامین مالی تروریسم، بنابر تعریف ارائه شده از آن، است.

شورای امنیت برای تصویب و اجرای موثر اسناد جهانی مبارزه با تروریسم اولویت بالایی قائل شده است. این شورا، در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، بنابر فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) را به تصویب رساند و در آن به صراحت اعلام کرد هرگونه عمل تروریستی "تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی" محسوب می‌گردد و "اعمال، روش‌ها و رویه‌های تروریستی مغایر با اهداف و اصول سازمان ملل متحد هستند." در این قطعنامه همچنین دولت‌ها ملزم شده‌اند به: جرم‌انگاری اعمال تروریستی؛ مجازات اعمال حامی یا مقدمه ساز جرائم تروریستی؛ جرم‌انگاری تامین مالی تروریسم؛ مسدودسازی وجوه افراد که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا در رصد ارتکاب این اعمال هستند و نهایتاً تقویت همکاری بین‌المللی در زمینه این جرائم.

بسته به شرایطی که عملیات تروریستی در آن ارتکاب می‌یابند، می‌توان آنها را در حقوق بین‌الملل جرم محسوب کرد. در زمان تدوین اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری، برخی از هیئت‌های نمایندگی معتقد بودند که

³⁴ aut dedere aut judicare

³⁵ به عنوان مثال نگاه کنید به راهنمای قانونگذاری برای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضد تروریسم

Legislative Guide to the Universal Anti-Terrorism Conventions and Protocols (United Nations publications, Sales N° E.04.V.7)

تروریسم باید به عنوان جرمی مجزا در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد. با این وجود، اکثر دولت‌ها آشکارا به دلیل تعریف تروریسم با این مسئله مخالفت کردند. سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک سفرای تام الاختیار سازمان ملل^{۳۶} در رابطه با تاسیس دیوان بین‌المللی کیفری^{۳۷} مصوب ۱۷ جولای ۱۹۹۸ در رم، توصیه می‌کند که یک کنفرانس برای بازنگری اساسنامه رم ۷ سال پس از به اجرا در آمدن اساسنامه، یعنی در سال ۲۰۰۹، برگزار گردد و به بررسی چندین جرم از جمله تروریسم، با هدف اتخاذ تعریفی قابل قبول و قرارا دادن آنها در لیست جرائم داخل در صلاحیت دیوان، پردازد.

اگرچه در اساسنامه رم نامی از تروریسم به عنوان جرمی مجزا ذکر نشده است، اما این اساسنامه جرائم دیگری را در خود گنجانده که می‌توان عملیات تروریستی را نیز، بسته به واقعیت‌ها و شرایط در هر مورد، مشمول آنها دانست. یک عمل تروریستی می‌تواند منجر به جنایت علیه بشریت شود، بر اساس ماده ۷ اساسنامه رم جنایت علیه بشریت عبارت است از اعمال ویژه‌ای که به صورت یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد.^{۳۸} به علاوه مطابق با ماده ۸ اساسنامه رم اعمالی همچون حملات عمدی و کورکورانه علیه غیرنظامیان یا گروگانگیری در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند.

قوانین حقوق بین‌الملل کیفری علیه تروریسم در عمل مورد بررسی دادگاه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۳، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق برای اولین بار فردی را، براساس ماده ۳ اساسنامه، محکوم به ارتکاب جنایت جنگی ترور غیرنظامیان ساریوو کرد. از منظر دیوان جرم ترور علیه غیرنظامیان، علاوه بر عناصر موجود در کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم، دارای عناصر مشترک در سایر جرائم جنگی نیز است.^{۳۹}

³⁶ The Final Act of the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries

³⁷ United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of the International Criminal Court

³⁸ Christopher Greenwood, "International Law and the 'War against Terrorism'", International Affairs, vol. 78, N° 2 (April 2002), p. 301.

در سال ۲۰۰۱ کمیساریای وقت حقوق بشر سازمان ملل متحد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده را به عنوان جنایت علیه بشریت توصیف کرد.

^{۳۹} دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه (Prosecutor v. Gali c) به شماره پرونده (IT-98-29) در بند ۱۳۳ رای صادره در ۵ دسامبر ۲۰۰۳، عناصر ویژه ذیل را اضافه نمود:

۱- اعمال خشونت آمیز علیه جمعیت یا افراد غیرنظامی که مشارکت موثری در مخاصمات نداشته اند صورت پذیرد و باعث مرگ یا آسیب جدی به بدن و سلامت جمعیت‌های غیرنظامی شود.

۲- مهاجم آگاهانه جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی را که در مخاصمه شرکت ندارند، هدف این اعمال خشونت آمیز قرار دهد.

۳- جرم مذکور با هدف اولیه شیوع ترس میان جمعیت‌های غیرنظامی ارتکاب یابد.

بند سوم - تروریسم و حقوق بین الملل پناهندگی

به موازات تعهدات عمومی در قبال قوانین حقوق بشر، حقوق بین الملل پناهندگی مجموعه‌ای از قوانین است که با تعریف واژه پناهنده و مقرر ساختن تعهدات دولت‌ها در قبال این افراد و وضع استانداردهایی در رابطه با نحوه رفتار با آنها، چهارچوب حقوقی معینی را به منظور حمایت از پناهندگان ترسیم می‌نماید. جنبه‌هایی از حقوق بین الملل پناهندگی نیز مربوط می‌شود به افراد پناهجو. کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۶۷، دو سند جهانی در زمینه حقوق بین الملل پناهندگان به حساب می‌آیند.

تا آنجا که به تروریسم و اقدامات اتخاذی برای مقابله با آن مربوط می‌شود، هر دو یک سیستم مهار و توازن^{۴۰} را ممزوج می‌نمایند که در حین اینکه ملاحظات امنیتی دولت‌ها و جوامع میزبان را مدنظر قرار می‌دهند از حقوق افرادی حمایت می‌کنند که برخلاف سایر گروه‌های خارجی دیگر از حمایت کشور خود برخوردار نیستند.

همانگونه که پیش تر ذکر شد، قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد که اقداماتی را به منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی اتخاذ نمایند و اشکال گوناگون عملیات تروریستی را جرم‌انگاری کنند. به علاوه آنها را ملزم می‌نماید اقداماتی را اتخاذ نمایند که موجب حمایت و ترویج همکاری میان کشورها می‌شود از جمله امضای اسناد بین المللی مقابله با تروریسم. قطعنامه همچنین به مسائل مربوط به مهاجرت و وضعیت پناهندگان نیز اشاره می‌کند. به عنوان مثال دولت‌ها را ملزم به پیشگیری از جابجایی تروریست‌ها از طریق کنترل موثر مرزها و تضمین بی‌نقض بودن اوراق هویتی و اسناد مسافرتی می‌کند (پاراگراف ۲ (۷)). همچنین از دولت‌ها خواسته شده تضمین نمایند به پناهجویانی که عملیات تروریستی را برنامه‌ریزی یا تسهیل نموده‌اند یا در این گونه عملیات شرکت داشته‌اند وضعیت پناهندگی اعطا نگردد (پاراگراف ۳ (۶)) و وضعیت پناهندگی مورد سوءاستفاده مرتکبین، سازمان دهندگان یا تسهیل‌گران عملیات تروریستی واقع نگردد (پاراگراف ۳ (۷)).

شایان ذکر است که این قطعنامه، تعهدات جدیدی را در زمینه وضعیت حقوقی پناهنده یا پناهجو در زمینه حقوق بین الملل پناهندگی شناسایی نکرده است. کنوانسیون ۱۹۵۱ در بردارنده قواعدی است که تضمین می‌نمایند حمایت بین المللی از پناهندگان شامل ترغیب کنندگان، تسهیل کنندگان و مرتکبین عملیات تروریستی نمی‌شود.

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بر این باور است که نباید به مسئولین ارتکاب اعمال تروریستی این اجازه داده شود که سازوکارهای پناهندگی را به منظور یافتن پناه و رسیدن به مصونیت

⁴⁰ system of checks and balances

مخدوش نمایند^{۴۱}. چارچوب حقوق بین‌الملل پناهندگان در بردارنده مقرراتی است که هدفش جلوگیری از سوءاستفاده است تا از اینرو قادر به پاسخگویی به سوء استفاده‌های احتمالی از سازوکارهای پناهندگی توسط مسئولین اعمال تروریستی باشد.

نخست، وضعیت پناهندگی تنها به افرادی اعطا می‌شود که واجد معیارهای تعریف پناهندگی مقرر در ماده ۱ (الف) کنوانسیون ۱۹۵۱ باشد یعنی "فردی که ترس موجه دارد از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت آزار و اذیت قرار گیرد." در بسیاری از موارد مرتکبین عملیات تروریستی ترسی از آزار و اذیت به خاطر یکی از دلایل وضع شده در کنوانسیون ۱۹۵۱ ندارند، بلکه در حال فرار از تعقیب قانونی به خاطر ارتکاب اعمال تروریستی هستند.

دوم، مطابق با ماده ۱ (و) کنوانسیون ۱۹۵۱، افرادی که واجد شرایط مقرر در ماده ۱ (الف) هستند از شمول حمایت بین‌المللی از پناهندگان خارج می‌شوند اگر که دلایل محکمی وجود داشته باشد دال بر اینکه این افراد، خارج از کشور پناه‌دهنده و قبل از گرفتن وضعیت پناهندگی، مرتکب جنایتی جنگی، جنایت علیه بشریت، جرم غیرسیاسی مهم یا اعمال مغایر با اهداف و اصول سازمان ملل شده‌اند. در این زمینه ماده ۱ (۶) (ب) مربوط است با ارتکاب جرم غیرسیاسی مهم توسط پناهجویان پیش از پذیرش در کشور پناه‌دهنده. اعمالی که واجد ویژگی‌های تروریسم هستند اغلب به مثابه جرائم غیرسیاسی مهم تلقی می‌شوند. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان دستورالعمل‌هایی^{۴۲} را در رابطه با اجرای شروط منع‌کننده اعطای وضعیت پناهندگی در کنوانسیون ۱۹۵۱ صادر کرده است و ماهیت استثنایی آنها و ضرورت در اجرای دقیق و موشکافانه آنها را یادآور می‌شود.

^{۴۱}نگاه کنید به گزارش‌های کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان: "بررسی مسائل امنیتی بدون تضعیف در اعمال حمایت از پناهندگان- رویکرد کمیساریا" (نوامبر ۲۰۰۱)

"Addressing security concerns without undermining refugee protection – a UNHCR perspective"

و همچنین کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، ده مسئله در حمایت از پناهندگان پس از ۱۱ سپتامبر

UNHCR, Ten refugee protection concerns in the aftermath of September 11, press release, 23 October 2001

^{۴۲}کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، "دستورالعمل‌هایی برای حمایت بین‌المللی: اعمال شروط بازدارنده ماده ۱ (۶) کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان"

UNHCR, "Guidelines on international protection: application of the exclusion clauses: article 1F of the 1951 Convention relating to the Status of Refugees" (HCR/GIP/03/05);

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، "یادداشتی بر اعمال شروط بازدارنده ماده ۱ (۶) کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت

پناهندگان"

UNHCR, "Background note on the application of the exclusion clauses: article 1F of the 1951 Convention relating to the Status of Refugees" (2003).

وجود نشانه‌هایی مبنی بر دست داشتن یک پناهجو در عملیات تروریستی ضرورت بررسی قابلیت اعمال ماده ۱ (۶) کنوانسیون ۱۹۵۱ را با خود به همراه دارد، درعین حال براساس حقوق بین الملل پناهندگان، قبل از اتخاذ هر تصمیم باید شرایط و وضعیت هر مورد خاص جداگانه و براساس روش‌های عادلانه و کارا ارزیابی شود. هرگونه رد فوری تقاضای پناهجویان، چه در مرز چه در نقاط ورود، احتمال اعاده فرد را با خود به همراه دارد که براساس قوانین بین المللی مربوط به حقوق پناهندگان و حقوق بشر ممنوع است. بنابر اعلامیه جهانی حقوق بشر همه افراد حق دارند تقاضای پناهجویی کنند.

سوم، همانگونه که در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ تصریح شده است، افرادی که به عنوان پناهنده شناخته شده است، همچون پناهجویانی که منتظر تعیین وضعیت خود هستند، مقید به پیروی از قوانین و مقررات کشور میزبان هستند. در صورت عدم تبعیت از این قوانین می‌توان آنها را تحت پیگرد کامل قضایی قرار داد.

به علاوه، در ماده ۳۳ (۲) کنوانسیون ۱۹۵۱، استثناهای وارد بر اصل منع اعاده درج شده‌اند. در صورت وجود دلایل منطقی مبنی اینکه فرد پناهنده به مثابه خطری برای امنیت کشوری تلقی می‌گردد و یا، پس از محکومیت به علت ارتکاب جرمی سنگین، خطری برای جامعه به شمار می‌رود، خودداری از تبعیت از اصل منع اعاده و بازگرداندن فرد به کشور مبدا در کنوانسیون پیش بینی شده است. نهایتاً لازم به ذکر است که امکان اخراج به کشور ثالث به دلایل امنیت ملی در ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ مقرر شده است. اجرای هر یک از مواد مذکور تنها باید پس از اتخاذ تصمیم از جانب مقام صالح و مطابق با فرآیند عادلانه قضایی از جمله حق بر استماع شدن^{۴۳} و حق بر تجدید نظر خواهی صورت می‌پذیرد. تاکید بر این مسئله بسیار حائز اهمیت است که اعمال هرگونه محدودیت مندرج در ماده ۳۲ یا ۳۳ (۲) کنوانسیون ۱۹۵۱ منوط به سایر تعهدات حقوق بشری دولت‌ها به ویژه حقوق غیرقابل تعلیق مندرج در ماده ۳ کنوانسیون منع شکنجه و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

اگر پس از اعطای وضعیت پناهندگی به فردی برطبق کنوانسیون ۱۹۵۱، دلایلی به دست آید مبنی بر آنکه فرد از آغاز شرایط کسب چنین وضعیتی را نداشته، وضعیت پناهندگی وی باطل می‌شود. این مسئله زمانی پیش می‌آید که نشانه‌های به دست آید مبنی بر این که، در زمان تصمیم‌گیری اولیه، پناهجو حائز شرایط اعطای پناهندگی مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ نبوده یا به دلایلی از شمول اعطای پناهندگی خارج می‌گردد^{۴۴}. وجود شواهدی مبنی بر ارتکاب

⁴³ right to be heard

⁴⁴ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، یادداشتی بر ابطال وضعیت پناهندگی

UNHCR, "Note on the cancellation of refugee status" (22 November 2004).

عملیات تروریستی توسط فرد از جمله این دلایل است. ابطال وضعیت پناهندگی در صورت احراز این مسئله که فرد در زمان اعطای وضعیت پناهندگی حائز شرایط مندرج در تعریف نبوده است، مطابق با هدف و قصد کنوانسیون ۱۹۵۱ است.

اتخاذ اقدامات مربوطه توسط دولت‌ها در راستای مقابله با تروریسم و حفظ امنیت ملی در برخی موارد می‌تواند تاثیر منفی بر حمایت از پناهندگان داشته باشد. وضع قوانین بیش از حد محدود کننده و اتخاذ این چنین اقدامات اجرایی، عدم دسترسی به فرآیندهای اعطای پناهندگی و مجرم تلقی کردن پناهندگان و پناهجویان که می‌تواند تاثیرات منفی در نگرش عمومی بر پناهندگان و پناهجویان از خود به جا گذارد، از جمله این مصادیق هستند.

فصل دوم - حقوق بشر و مقابله با تروریسم

همانگونه که در فصل نخست مشاهده کردیم، تروریسم تاثیر مستقیمی در بهره‌مندی از حقوق بشر دارد. از اینرو دولت‌ها موظف به اتخاذ اقدامات موثر در راستای مقابله با تروریسم هستند. هرچند که پیچیدگی و اهمیت چالش‌های پیش روی دولت‌ها و سایرین در مقابله با تروریسم می‌تواند بسیار زیاد باشد، اما قوانین بین‌المللی حقوق بشر انعطاف کافی را دارا هستند تا بتوان با توسل به آنها به بررسی موثر این چالش‌ها پرداخت. تمرکز این فصل معطوف است به رابطه مقابله با تروریسم و حقوق بشر. در این راستا در بخش نخست، به صورت ویژه، تعهدات دولت‌ها در قبال تضمین سازگاری اقدامات اتخاذی ضد تروریسم با استانداردهای حقوق بشری بررسی می‌شود و در ادامه در بخش دوم انعطاف‌پذیری قوانین حقوق بشر در مواجهه با شرایط استثنایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بخش نخست - ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم

از آنجا که تروریسم بر بهره‌مندی از حقوق بشر و کارکرد جامعه تاثیر می‌گذارد، دولت‌ها باید اقداماتی را در راستای مقابله با آن اتخاذ نمایند. همانگونه که پیش‌تر ذکر شد، از آنجا که تروریسم تاثیرات سوئی در بهره‌مندی از طیف وسیعی از حقوق بنیادین بشر به جا می‌گذارد، دولت‌ها نه تنها محق بلکه موظف به اتخاذ اقداماتی موثر در راستای مقابله با آن هستند. مقابله موثر با تروریسم و حمایت از حقوق بشر اهدافی مکمل و در عین حال تقویت‌کننده‌ی یکدیگرند که دولت‌ها باید همواره به آنها به عنوان بخشی از وظایفشان در راستای حمایت از افراد تحت صلاحیتشان پایبند باشند.

همانگونه که در بخش پنجم فصل نخست اشاره شد، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت به سرعت در راستای تقویت چارچوبی حقوقی برای همکاری بین‌المللی و اتخاذ رویکردی مشترک در برابر تهدید ناشی از تروریسم در زمینه‌هایی همچون پیشگیری از تامین مالی تروریسم، کاهش خطر دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و بهبود وضعیت تبادل اطلاعات بین مرزی توسط مقامات اجرای قانون، همچنین تاسیس رکنی نظارتی یعنی کمیته مقابله با تروریسم به منظور نظارت بر اجرای این تدابیر، دست به اقدام زد. به علاوه در سطح منطقه‌ای، از جمله در اتحادیه‌ی آفریقا، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، اتحادیه کشورهای عرب، سازمان امنیت

و همکاری اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا و دیگر سازمان‌ها پیشرفت‌هایی در زمینه مقابله با تروریسم حاصل شده است.

از زمان تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت، روز به روز بر تعداد قوانین و سیاست‌های اتحادی در راستای مقابله با تروریسم در سطح جهان افزوده می‌شود که بسیاری از آن‌ها در بهره‌مندی از حقوق بشر تاثیر گذار هستند. بسیاری از کشورها در راستای اجرای تهداتشان در زمینه مقابله با تروریسم، با وضع سریع قوانین یا اتخاذ بدون تامل مجموعه‌ای از اقدامات منجر به بروز پیامدهای منفی برای آزادی‌های مدنی و حقوق بنیادین بشر می‌شوند. در فصل سوم مهم‌ترین مسائل حقوق بشری عنوان می‌گردند که دولت‌ها باید آنها را همواره در حین مقابله با تروریسم جدی تلقی کنند تا بدین وسیله تضمین نمایند که اقداماتشان در زمینه مقابله با تروریسم منطبق با تعهداتشان در قبال قوانین حقوق بشری صورت می‌گیرد.

نقش مهم حقوق بشر و تعهدات دولت‌ها در زمان مقابله با تروریسم

با تصویب استراتژی جهانی سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم در قالب قطعنامه ی ۶۰/۲۸۸ مجمع عمومی، جامعه‌ی بین‌المللی متعهد شد که اقداماتی را در راستای تضمین احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به عنوان پایه و اساس مقابله با تروریسم اتخاذ نماید. بر این اساس دولت‌های عضو بر آن شدند که به منظور بررسی شرایطی که منجر به گسترش تروریسم می‌شوند، از جمله عدم حاکمیت قانون و نقض حقوق بشر، اقداماتی را اتخاذ نمایند و تضمین کنند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آن‌ها در قالب حقوق بین‌الملل، از جمله قوانین حقوق بشر، قوانین پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مطابقت داشته باشد.

در سال ۲۰۰۴، هیئت عالی رتبه برای تهدیدها، چالش‌ها و تغییر^{۴۵} در گزارش خود اعلام کرد که نارضایتی‌های ناشی از فقر، اشغال خارجی، نقض حقوق بشر و نبود دموکراسی نقش به‌سزایی در پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی بین‌المللی دارند.^{۴۶}

نتیجه نشست جهانی سران، مورد تصویب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵، نیز مقوله احترام به حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم را مدنظر قرار داده و نهایتاً اعلام می‌کند همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم باید مطابق با حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد و کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مربوطه صورت پذیرد. مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر نیز تاکید کرده‌اند که دولت‌ها باید تضمین نمایند هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آن‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و

⁴⁵ High-level Panel on Threats, Challenges and Change

⁴⁶ در جهانی امن تر: مسئولیت مشترک ما، بند ۲۱

حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد. شورای امنیت نیز به همین منوال در اعلامیه مقرر در قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳)، مصوب جلسه شورای امنیت در سطح وزیران امور خارجه، اظهار داشت که "دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که هر گونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آن‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد". این مسئله بار دیگر در قطعنامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت مورد تایید واقع شد. دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان "اتحاد علیه تروریسم: توصیه‌هایی برای استراتژی جهانی مقابله با تروریسم"^{۴۷} احترام به حقوق بشر را به عنوان یکی از عناصر ضروری در اجرای تمامی جنبه‌های استراتژی مقابله با تروریسم توصیف نمود و تاکید کرد که اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم و حمایت از حقوق بشر نه تنها اهداف مغایر بلکه مکمل و تقویت‌کننده‌ی یکدیگر هستند. ارکان مبتنی بر معاهدات منطقه‌ای یا جهانی همواره خاطر نشان شده‌اند که مشروعیت اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم به میزان مطابقت آن‌ها از قوانین بین‌المللی حقوق بشر بستگی دارد.^{۴۸}

استراتژی جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم بار دیگر بر رابطه‌ی ناگشودنی حقوق بشر و امنیت تاکید می‌کند و اعلام می‌دارد، حاکمیت قانون و حقوق بشر باید در محوریت تلاش‌های ملی و بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم قرار گیرند. به موجب این استراتژی دولت‌های عضو متعهد به تضمین احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون به عنوان اساس مقابله با تروریسم هستند. بدین منظور، استراتژی‌های ملی مقابله با تروریسم باید به دنبال پیشگیری از اعمال تروریستی و بررسی عوامل منجر شونده به گسترش این اعمال باشند، افراد مسئول اعمال مجرمانه را تحت تعقیب قرار دهند یا آن‌ها را به صورت قانونی استرداد نمایند، مشارکت موثر و رهبری جامعه مدنی را ترویج دهند و توجه کافی به حقوق تمامی قربانیان نقض حقوق بشر داشته باشند.

ترویج و حمایت از حقوق بشر نه تنها مقوله‌ای ضروری در راستای مقابله با تروریسم به حساب می‌آید، بلکه دولت‌ها باید تضمین نمایند که هر گونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم مطابق با تعهدات آن‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر صورت می‌پذیرد.

از دسامبر ۱۹۷۲ تاکنون مجمع عمومی چندین قطعنامه در رابطه با تروریسم به تصویب رسانده و در آنها به بررسی اقدامات مقابله با تروریسم بین‌المللی و همچنین رابطه‌ی میان تروریسم و حقوق بشر پرداخته است. مجمع همچنین تاکید کرده است که دولت‌ها باید تضمین نمایند که تمامی اقدامات آنها برای مقابله با تروریسم با تعهدات

⁴⁷ "Uniting against terrorism: recommendations for a global counter-terrorism strategy" (A/60/825)

⁴⁸ به عنوان مثال نگاه کنید به

Annual Report of the Inter-American Commission on Human Rights 1990-1991, chap. V, sect. II, and Digest of jurisprudence

ناشی از حقوق بین‌الملل و به ویژه قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشر دوستانه مطابقت داشته باشد^{۴۹}.

بر اساس منشور ملل متحد مسئولیت اولیه‌ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده‌ی شورای امنیت گذارده شده است. این مسئولیت شامل اقدامات لازم در راستای بررسی تروریسم به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیز می‌شود. شورای امنیت تا کنون اقداماتی را در راستای مقابله با تروریسم اتخاذ کرده است. این اقدامات (مقدمتا در دهه ۱۹۹۰) عموماً در قالب تحریم دولت‌هایی که با برخی عملیات تروریستی در ارتباط بوده‌اند و سپس در قالب تحریم طالبان و القاعده صورت پذیرفته است. تاسیس کمیته‌هایی برای نظارت بر اجرای این تحریم‌ها از دیگر اقدامات در این راستا است. در سال ۲۰۰۱، شورا قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) را به تصویب رساند که در آن دولت‌های عضو ملزم به اتخاذ اقداماتی به منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی و جرم‌انگاری اشکال گوناگون عملیات تروریستی شده‌اند. همچنین در این قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است تا اقداماتی همچون تصویب اسناد مقابله با تروریسم را اتخاذ نمایند تا بدین طریق همکاری میان کشورها در این زمینه موجب تقویت و ترویج شود. همچنین دولت‌های عضو ملزم به ارائه گزارش‌های منظم راجع به پیشرفت‌های خود در این زمینه به کمیته‌ی مقابله با تروریسم شده‌اند. (به پیوست مراجعه کنید).

همانگونه که ذکر آن رفت، شورای امنیت در چندین قطعنامه از دولت‌ها درخواست کرده که تضمین نمایند اقدامات اتخاذی آنها برای مقابله با تروریسم با قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشر دوستانه مطابقت داشته باشند^{۵۰}. لازم به ذکر است که کمیته‌ی مقابله با تروریسم در گزارش خود به شورای امنیت (S/2005/800) بار دیگر بر این مسئله تاکید کرده است. کمیته‌ی مذکور همچنین تاکید کرد که هیئت اجرایی کمیته‌ی مقابله با تروریسم (مراجعه کنید به پیوست) همواره باید در فعالیت‌های خود این مهم را مدنظر قرار دهد.

لازم به ذکر است علاوه بر تعهد عمومی دولت‌ها مبنی بر اتخاذ هر گونه اقدام در چارچوب موازین حقوق بشری، معاهدات جهانی مربوط به مقابله با تروریسم آشکارا دولت‌ها را ملزم به پیروی از جنبه‌های گوناگون قوانین حقوق بشر می‌کند. به عنوان مثال در کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم این موضوع به وضوح در چندین ماده بیان شده است. به عنوان مثال بر اساس ماده‌ی ۱۵ این کنوانسیون دولت‌ها به صراحت مجاز شمرده شده‌اند که در صورت وجود دلایل محکمی مبنی بر اینکه دولت درخواست کننده اعاده فرد، قصد تعقیب قضایی یا مجازات او را بر اساس زمینه‌های ممنوعه تبعیض دارد، از استرداد او یا معاضدت حقوقی سرباز زنند. و یا ماده ۱۷

^{۴۹} به عنوان مثال نگاه کنید به قطعنامه ۶۰/۱۵۸ مجمع عمومی، بند ۱

^{۵۰} نگاه کنید به بند ۶ پیوست قطعنامه ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) و بند ۴ قطعنامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت

دولت‌ها را ملزم می‌کند که با افراد بازداشتی رفتار منصفانه داشته باشند و اجازه دهند آنها از تمامی حقوق و ضمانت‌های موجود در قوانین بین‌المللی حقوق بشر بهره‌مند گردند. همچنین در ماده‌ی ۲۱ این کنوانسیون تصریح شده است که مفاد این کنوانسیون بر سایر حقوق، تعهدات و مسئولیت دولت‌ها تأثیر نمی‌گذارد.

بخش دوم - انعطاف پذیری قوانین حقوق بشر

ترویج و حمایت از حقوق بشر در زمان مقابله با تروریسم یکی از تعهدات دولت‌ها و مولفه‌ای جدایی‌ناپذیر در مبارزه با تروریسم است. استراتژی‌های ملی مقابله با تروریسم پیش از هر چیز باید به دنبال پیشگیری از عملیات تروریستی، تعقیب مسئولین این اعمال و ترویج و حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون باشند.

پیش از هر چیز، تأکید بر این مسئله بسیار حائز اهمیت است که شمار زیادی از اقدامات مقابله با تروریسم براساس قوانین معمولی اتخاذ می‌گردند. شاید در برخی از وضعیت‌های استثنایی محدود در سطح ملی، اعمال بعضی از محدودیت‌ها بر بهره‌مندی از برخی حقوق بشر جایز تلقی شوند.

دولت‌ها در تضمین ترویج و حمایت از حقوق بشر و اقدامات موثر با تروریسم با چالش‌های عملی جدی مواجه می‌شوند. یکی از این چالش‌ها در زمینه حفاظت از منابع اطلاعاتی در حین رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با تروریسم به وجود می‌آید، چراکه از سویی حفاظت از منابع اطلاعاتی مستلزم محدودسازی افشای شواهد در جلسات رسیدگی است در حالیکه از سوی دیگر حق بر دادرسی منصفانه و جلسه رسیدگی منصفانه از حقوقی است که همواره باید مورد احترام واقع شوند.

با این وجود می‌توان بر چالش‌های مذکور فایق آمد. دولت‌ها می‌توانند با اعمال انعطاف‌های موجود در چارچوب قوانین بین‌المللی حقوق بشر به گونه‌ای موثر از عهده‌ی تعهدات مقرر در حقوق بین‌الملل برآیند. قوانین حقوق بشر اعمال بعضی از محدودیت‌ها را بر شماری از حقوق معین امکان‌پذیر و در برخی از شرایط استثنایی، تعلیق برخی از این قوانین را مجاز تلقی می‌کند. دولت‌ها می‌توانند با به کارگیری این دو دسته محدودسازی - یعنی اعمال محدودیت بر برخی از حقوق و تعلیق برخی از آنها - با انعطاف لازم به موارد استثنایی رسیدگی کنند و در همین حال، البته با رعایت چندین شرط، به تعهدات خود مطابق با قوانین بین‌المللی حقوق بشر پایبند بمانند.

بند نخست - محدودیت‌ها

همانگونه که در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است، دولت‌ها می‌توانند به صورت قانونی بهره‌مندی از برخی از حقوق از جمله حق آزادی بیان، حق آزادی انجمن‌ها و اجتماعات، حق آزادی عبور و مرور، حق به محترم شمرده شدن زندگی خصوصی و خانوادگی را محدود نمایند. دولت‌ها ملزم هستند که در حین اعمال این محدودیت‌ها و به منظور رعایت کامل تعهدات حقوق بشری خود برخی ملاحظات را مدنظر قرار دهند.^{۵۱} لازم به ذکر است علاوه بر اینکه محدودیت‌های مذکور باید در قانون تجویز شده باشند، در حین اعمال آنها باید به اصول برابری و منع تبعیض احترام گذاشته شود. همچنین اعمال این محدودیت‌ها نه تنها باید به دنبال دست‌یابی به یک یا چند هدف مشروع صورت پذیرد بلکه اعمال آنها نیز باید در یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد.

الف - تجویز قانونی

در تمامی اسناد و دستورالعمل‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی پیرامون حقوق بشر اعلام شده است که اعمال هرگونه محدودیت در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها، باید در قانون تجویز شده باشد یا قانون اجازه آن را داده باشد.^{۵۲} تجویز قانونی بدین معناست که (۱) قانون باید به اندازه لازم در دسترس باشد تا افراد آگاهی لازم را نسبت به چگونگی محدود شدن حقوقشان توسط قانون داشته باشند و (۲) قانون به گونه‌ای تدوین شده باشد که افراد بتوانند رفتار خود را مطابق با آن تنظیم نمایند.^{۵۳}

به علاوه هرگونه ممنوعیت مقرر در قوانین کیفری باید مطابق با اصل عدم عطف به ماسبق باشد. در این رابطه ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تاکید می‌کند که هیچ عملی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین جرم نبوده مستوجب کیفر نمی‌باشد. به همین نحو، هر مجازات مقرر در قانون تنها نسبت به جرایمی قابل اعمال است که

^{۵۱} نگاه کنید به نظر تفسیری کمیته حقوق بشر، بند ۶ و اصول سیراکوزا (Siracusa Principles) راجع به اعمال محدودیت و تعلیق قواعد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

^{۵۲} به عنوان مثال، نگاه کنید به نظر تفسیری ۲۹ کمیته حقوق بشر؛ بندهای ۱۵ و ۱۷ اصول سیراکوزا؛ گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و دنباله کنفرانس جهانی حقوق بشر-حقوق بشر: چارچوبی به هم پیوسته (E/CN.4/2002/18, annex, paras. 3 (a) and 4 (a))؛ شورای اروپا، دستورالعمل‌های برای حقوق بشر و مبارزه با تروریسم با تروریسم (۲۰۰۲)، دستورالعمل ۳؛ کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، "گزارش بر تروریسم و حقوق بشر" (OEA/Ser.L/V/II.116, Doc. 5 rev. 1 corr., para. 53)

^{۵۳} به عنوان مثال بند ۴۹ رای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه (United Kingdom, N° 6538/74 Sunday Times v.) به تاریخ ۲۶ آپریل ۱۹۷۹.

در زمان اجرایی بودن آن قانون ارتکاب یافته باشند و اگر پس از ارتکاب جرم، قانون مجازات خفیف تری برای آن جرم مقرر دارد مرتکب می تواند مشمول آن مجازات سبک تر شود.^{۵۴}

ب- هدف مشروع

اهداف مشروع موجه برای اعمال محدودیت، با توجه به حقوق مشمول محدودیت احتمالی و همچنین معاهده حقوق بشری مربوطه، متفاوت هستند. این اهداف عبارتند از: امنیت ملی، امنیت عمومی، نظم عمومی، بهداشت، اصول اخلاقی، حقوق بشر و آزادی دیگران.^{۵۵}

اهمیت مقابله با تروریسم اغلب به عنوان بهانه‌ای برای دولت‌ها در راستای بسط اختیاراتشان در دیگر حوزه‌ها واقع می شود.^{۵۶} جرائمی که خارج از شمول اعمال تروریستی قرار می گیرند هرچه قدر هم جدی باشند نباید در شمول قوانین مقابله با تروریسم قرار گیرند. بر همین اساس اعمالی که ویژگی عملیات تروریستی را دارا نیستند نیز نباید مشمول اقدامات مقابله با تروریسم قرار گیرند، حتی اگر از سوی فردی ارتکاب یابند که مظنون به ارتکاب جرائم تروریستی است. مجدداً لازم به ذکر است که این شرط در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی با موضوع ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم بیان شده است.^{۵۷}

ج) ضرورت و تناسب

آنچه که اغلب از آن به عنوان "ضرورت در یک جامعه دموکراتیک" یاد می شود تضمینی اضافه است که دولت‌ها را ملزم می سازد تا اثبات نمایند محدودیت‌های اعمال شده اختلالی در کارکرد دموکراتیک جامعه به وجود نمی آورد. در عمل، این مسئله بدین معناست که دولت‌ها برای اعمال محدودیت نیازمند وجود معیار ضرورت و

^{۵۴} در چارچوب جرائم تروریستی، گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در حین مقابله با تروریسم بر این شروط تاکید کرده است (E/CN.4/2006/98, para. 49).

^{۵۵} با این وجود استثناهایی وجود دارد. به عنوان مثال نگاه کنید به ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. این ماده که از حق بر آزادی اندیشه، وجدان، مذهب و باور حمایت می کند، حفاظت از امنیت ملی را به عنوان دلیل مجاز برای اعمال این محدودیت‌ها تلقی نمی کند.

^{۵۶} گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در حین مقابله با تروریسم تاکید می کند که اعمالی که به موجب قوانین ضد تروریستی جرم انگاری می شوند بعلاوه سایر اختیارات مربوطه برای تحقیق و تعقیب قضایی این جرائم تنها باید محدود به مقابله با تروریسم شوند. (E/CN.4/2006/98, para. 47). همچنین نگاه کنید به طرح مقدماتی چارچوب اصول و دستورالعمل راجع به حقوق بشر و تروریسم

"A preliminary framework draft of principles and guidelines concerning human rights and terrorism" (E/CN.4/Sub.2/2005/39, para. 33)

^{۵۷} به عنوان مثال نگاه کنید به:

Siracusa Principles (E/CN.4/1985/4, annex, para. 17); Council of Europe, Guidelines..., Guideline III (para. 2); and Inter-American Commission on Human Rights, "Report on terrorism and human rights" (paras. 51 and 55).

شرط تناسب هستند. از اینرو اعمال هرگونه محدودیت بر بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها باید برای رسیدن به هدفی مهم و فوری ضرورت داشته باشد و تاثیر آن بر حقوق و آزادی‌ها دقیقا با ماهیت هدف در تناسب باشد.

به عنوان مسئله‌ای کلی، با توجه به تاثیر تروریسم بر حقوق بشر، امنیت و کارکرد جنبه‌های متعدد جوامع بین‌المللی و محلی، جای هیچ‌شکی نیست که مقابله با تروریسم بین‌المللی، هدف مهمی است که اساساً می‌تواند اعمال محدودیت بر برخی از حقوق معین را جایز شمارد. در هر صورت، به منظور توجیه پذیر بود این محدودیت‌ها اعمال آنها باید با رعایت برخی از ملاحظات صورت پذیرد. با فرض امکان اعمال محدودیت بر یک حق و همچنین اعمال آن محدودیت در چارچوب الزامات رویه‌ای ویژه، آن محدودیت باید برای رسیدن به هدفی خاص در راستای مقابله با تروریسم ضرورت داشته باشد. بدین منظور باید ارتباطی منطقی میان اقدامات محدودکننده و رسیدن به هدف ویژه وجود داشته باشد.^{۵۸} وجود رابطه‌ی منطقی عموماً زمانی پذیرفته می‌شود که آن اقدام منطقاً دستیابی به هدف را تحقق بخشد، هرچند در صورت عدم شفافیت این رابطه وجود شواهد بیشتری ضرورت می‌نماید.^{۵۹}

در راستای تعیین اهمیت اهداف آن اقدام ویژه، تعیین چند مسئله بسیار کارگشا خواهد بود. این مسائل عبارتند از اینکه: چگونه آن اقدام محدودکننده منجر به مقابله با تهدیدی تروریستی بالفعل یا بالقوه علیه دولت می‌شود؛ چگونه آن اقدام منجر به تحقق اهداف مقرر در چارچوب‌های مقابله با تروریسم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌شود و متعاقباً چگونه اتخاذ این اقدامات منجر به پیشبرد منافع دیگر دولت‌ها می‌شود.^{۶۰}

(د) مصداق محدودیت‌های مجاز

شروط مورد نیاز برای اعمال محدودیتی موجه بر حقوق بشر را می‌توان در قالب تحریک به تروریسم و آزادی بیان توضیح داد که در فصل سوم به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد. ممنوعیت تحریک به تروریسم مستلزم اعمال محدودیت بر افراد در بیان افکار و عقایدشان است. از این رو وضع هرگونه ممنوعیت علیه تحریک باید با شروط مورد نیاز برای یک محدودیت قانونی بر حقوق و آزادی‌ها مطابق باشد: این محدودیت باید در قانون تجویز شده باشد؛ در راستای دستیابی به هدفی مشروع وضع شده باشد و نهایتاً ضروری و متناسب باشد.

^{۵۸} به عنوان مثال، نگاه کنید به:

E/CN.4/2002/18, annex, para. 4 (d); Council of Europe, Guidelines..., Guideline III (para. 2); and Inter-American Commission on Human Rights, "Report on terrorism and human rights" (paras. 51 and 55).

^{۵۹} به عنوان مثال، نگاه کنید به:

The approach of the Supreme Court of Canada to this effect: Lavigne v. Ontario Public Service Employees Union [1991] 2 SCR 211 and Figueroa v. Canada (Attorney General) [2003] 1 SCR 912.

^{۶۰} برای بررسی بیشتر هر یک از این معیارها، مراجعه کنید به:

Alex Conte, "The ICT project on human rights compliance when countering terrorism: a guide to legislators, policy-makers and the judiciary", in ISC 2005: Security, Terrorism and Privacy in Information Society, K. von Knop and others, eds. (2006).

شرط اول یعنی تجویز قانونی هر محدودیت بدین معنی است که ممنوعیت علیه تحریک باید در مقررات قانونی تصریح شده باشد. در رابطه با شرط دوم یعنی هدف مشروع، لازم به ذکر است که ممنوعیت تحریک به تروریسم در راستای پاسداری از امنیت ملی یا نظم عمومی تلقی می‌گردد. در ماده ۱۹(۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از امنیت ملی و نظم عمومی، به عنوان زمینه‌هایی مشروع برای اعمال ممنوعیت بر آزادی بیان یاد شده است. ممنوعیت تحریک به تروریسم همچنین با ماده ۲۰(۲) میثاق در تطابق است. براساس این ماده، دولت‌ها ملزم هستند هرگونه طرفداری از نفرت‌پراکنی ملی، نژادی و مذهبی که منجر به تحریک به تبعیض، محاصمه یا خشونت می‌گردد را ممنوع کنند.

شرط آخر یعنی ضرورت و تناسب مربوط است به شیوه‌ی بیان ممنوعیت در قوانین و چگونگی اعمال آن ممنوعیت. قانونی که تحریک به تروریسم را ممنوع می‌کند باید به گونه‌ای تدوین گردد که نه تنها مطابق با اصل قانونی بودن^{۶۱} باشد بلکه تضمین نماید که به هدفی مشروع مقید است. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تنها اعمال محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان مجاز می‌شمارد که برای اهداف مندرج در پاراگراف سوم ضرورت داشته باشند. از اینرو ممنوعیت تحریک به تروریسم باید محدود باشد به آنچه که واقعا برای پاسداری از امنیت ملی و نظم عمومی ضرورت دارد. مقرر قانونی و شیوه اجرای آن باید متناسب باشد، بدین معنی که برای اعمال محدودیت در هر مورد خاص، باید تعیین نماییم که آیا، با توجه به اهمیت حق یا آزادی، تاثیر آن محدودیت بر بهره‌مندی از حق یا آزادی با اهمیت هدف مورد نظر و کارایی بالقوه آن اقدام در تحقق هدف مورد نظر متناسب است یا خیر.^{۶۲} ارزش هر اقدام بستگی خواهد داشت به اهمیت هدف مقابله با تروریسم به علاوه کارایی بالقوه آن اقدام در رسیدن به آن هدف. اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌ها در راستای مقابله با تروریسم به شیوه‌های غیر موثر توجه پذیر نخواهد بود. به منظور ارزیابی تاثیر اقدامی ضد تروریستی بر حقوق و آزادی‌ها، باید مورد به مورد، میزان محدودیت اعمال شده بر این حقوق یا آزادی‌ها و همچنین اهمیت و میزان حمایت از حق بشری مربوطه را مورد بررسی قرار داد.^{۶۳}

⁶¹ principle of legality

⁶² به عنوان مثال نگاه کنید به

“Australia: study on human rights compliance while countering terrorism” (A/HCR/4/26/Add.3); “Report of the independent expert on the protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, Robert K. Goldman” (E/CN.4/2005/103, paras. 8, 9 and 74); Human Rights Committee, general comment N° 29, paras. 4–5; E/CN.4/2002/18, annex, paras. 4 (b), (e)–(g); Council of Europe, Guidelines..., Guideline III (para. 2); and Inter-American Commission on Human Rights, “Report on terrorism and human rights” (para. 51).

⁶³ به عنوان مثال نگاه کنید به :

بند دوم - تعلیق

در برخی از شرایط بسیار نادر همچون وضعیت های اضطراری عمومی که حیات ملتی در معرض تهدید واقع می شود، دولت ها می توانند اقداماتی را در راستای تعلیق برخی از مقررات معین مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اتخاذ نمایند. ماده ۴ میثاق، شرایط شکلی و ماهوی را مقرر کرده که دولت ها برای تعلیق مشروع تعهدات معین باید از آنها تبعیت کنند.^{۶۴} منظور از وضعیت اضطراری، وضعیتی واقعا استثنایی است که تنها در صورت وجود خطری واقعی برای حیات یک ملت می توان به اقدامات موقتی متوسل شد. با عنایت به نادر بودن چنین وضعیت های غیرمتعارف، دولت ها موظف هستند مقررات ملی کارا و دیگر اقدامات مطابق با تعهدات بین المللی خود در رابطه با حقوق بشر را بسط و اجرا نمایند.

دولتی که دست به تعلیق حقوق مندرج در میثاق می زند موظف است که در اسرع وقت و از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد، دیگر دولت ها را نسبت به مقررات تعلیقی و دلایل این تعلیق آگاه کند. به علاوه برای اینکه دولت عضو مجاز به تعلیق حقوق مندرج در میثاق باشد، باید با تهدیدی مواجه شود که برای حیات ملت تهدید به حساب آید و توسل به این اقدامات در آن وضعیت های اضطراری ضروری نماید. این شرط بستگی دارد به میزان مداخله و همچنین حوزه سرزمینی و زمانی مورد نظر برای اقدام اتحادی. این مسئله متضمن آن است که ضرورت وضعیت اضطراری و اقدامات تعلیق کننده، مرتبا توسط نهادهای مستقل، به ویژه قوه های قانون گذاری و قضائیه، مورد بازنگری قرار گیرند. همچنین این اقدامات باید با تعهدات دولت ها براساس حقوق بین الملل به ویژه مقررات حقوق بشردوستانه و هنجارهای بنیادین حقوق بین الملل در تطابق باشند.

Canadian jurisprudence, in particular R. v. Oakes [1986] 1 SCR 103 and R. v. Lucas [1998] 1 SCR 439, para. 118.

^{۶۴} همچنین نگاه کنید به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر. در منشور آفریقایی قیدی برای اعمال تعلیق حقوق مندرج در آن در نظر نگرفته شده است. بنابر نظر کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردمان، اعمال محدودیت ها بر حقوق و آزادی های مقرر در منشور را نمی توان به خاطر وضعیت های اضطراری و شرایط خاص قابل توجیه دانست. در این رابطه ماده ۲۷(۲) تنها زمینه های مشروع برای محدود کردن حقوق و آزادی ها مقرر در منشور را ذکر می کند: براساس این ماده در اعمال حقوق مقرر در این منشور باید به حقوق دیگران، امنیت جمعی، اصول اخلاقی و منافع مشترک توجه کافی داشت. به علاوه برای آنکه این محدودیت ها توجیه پذیر باشند باید کاملا متناسب و مطلقا ضروری با منافع ناشی از اعمال آنها باشند. نکته بسیار مهم آن است که اعمال محدودیت نباید به گونه باشد که آن حق بی محتوی گردد.

(Constitutional Rights Project, Civil Liberties Organisation and Media Rights Agenda v. Nigeria, communications N° 140/94, N° 141/94, N° 145/95, paras. 41-42).

الف) حقوق بشر غیر قابل تعلیق

تعلیق برخی از حقوق مندرج در معاهدات بین المللی حقوق بشر حتی در وضعیت های اضطراری نیز ممنوع است. ماده ۴(۲) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق بر حیات، رهایی از شکنجه یا رفتار و مجازات بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، ممنوعیت برده داری و بندگی، رهایی از زندان به دلیل قصور در اجرای یک قرارداد، رهایی از مجازات به خاطر عملی که در موقع ارتکاب بر طبق قانون هنوز جرم تلقی نمی شده و حق بر شناسایی در پیشگاه قانون و آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را به عنوان حقوق غیر قابل تعلیق شناسایی کرده است. به علاوه، کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۹ خود تاکید کرده است که مقررات مندرج در میثاق پیرامون ضمانت های رویه ای^{۶۵} نیز از جمله حقوق غیر قابل تعلیق هستند. قوانینی منطقه ای حقوق بشر نیز بر اهمیت ضمانت های رویه ای تاکید کرده اند. به عنوان مثال دیوان امریکایی حقوق بشر^{۶۶} معتقد است که "قوانین راجع به صدور قرار احضار فرد بازداشت شده به دادگاه به منظور آزاد ساختن وی در صورت فقدان مدارک و دلایل کافی برای بازداشت^{۶۷} و همچنین جبران خسارت برای حمایت از حقوق بنیادین افراد^{۶۸} از جمله قرارهای قضایی غیر قابل تعلیق برای جبران خسارت در راستای حمایت از حقوق بشر هستند... که از اصل قانونی بودن در یک جامعه دموکراتیک نیز پاسداری می نمایند... قوانین اساسی و نظام های حقوقی دول عضو که به صراحت یا به طور ضمنی تعلیق دو قرار مذکور را در وضعیت های اضطراری مجاز می شمارند، با تعهدات بین المللی دولت ها براساس این کنوانسیون سازگار نیستند.^{۶۹}

علاوه بر حقوق غیر قابل تعلیق مذکور، ماده ۴(۱) میثاق تصریح می کند که هیچ اقدامی در راستای تعلیق نباید با تعهدات دولت ها در حقوق بین الملل از جمله، آنگونه که کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۹ خود اظهار کرده، تعهدات ناشی از قوانین بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل کیفری ناسازگار باشد. کمیته همچنین از حقوق و آزادی هایی نام می برد که مطابق با حقوق بین الملل عرفی، که تمامی دولت ها باید از آنها متابعت نمایند، تعلیق پذیر نیستند، حتی اگر ماده ۴(۲) نیز از آنها نامی به میان نیاورده باشد. این کمیته حقوق مقرر در قوانین عرفی را شناسایی کرده است که عبارتند از: حق تمامی افراد بازداشت شده به اینکه با رفتار انسانی با آنها برخورد شود و به کرامت ذاتیشان احترام گذارده شود، ممنوعیت گروگانگیری، آدم ربایی، بازداشت بدون اعلان^{۷۰}، حمایت بین المللی از حقوق افراد متعلق به گروه های در اقلیت، اخراج یا جابجایی اجباری جمعیت بدون دلیل موجه در حقوق بین

⁶⁵ procedural safeguards

⁶⁶ Inter- American Court of Human Rights

⁶⁷ writs of habeas corpus

⁶⁸ writs of amparo

⁶⁹ Inter-American Court of Human Rights, Advisory Opinion OC-8/87 on habeas corpus in emergency situations, 30 January 1987 (paras. 42-43).

⁷⁰ unacknowledged detention

الملل، ممنوعیت تبلیغات برای جنگ یا نفرت پراکنی براساس ملیت، نژاد و مذهب که منجر به تبعیض، خصومت یا خشونت می‌شود.

تبعیت از تعهدات مقرر در حقوق بین الملل مانع از آن می‌گردد که دولت‌ها با توسل به اقدامات تعلیق‌کننده اعمالی را مجاز شمارند که منجر به ارتکاب جرائم علیه بشریت گردد و مسئولیت کیفری فردی برای مرتکب آن به همراه داشته باشد. کمیته حقوق بشر معتقد است همانگونه که حق بر دادرسی عادلانه در حین مخاصمات مسلحانه به صراحت در حقوق بین الملل بشردوستانه تضمین شده، در وضعیت اضطراری نیز احکام دادرسی عادلانه باید مورد احترام قرار بگیرند. به منظور احترام به اصل قانونی بودن و حاکمیت قانون، پاسداری از حقوق غیر قابل تعلیق مستلزم ضمانت‌های رویه‌ای ویژه، از جمله ضمانت‌های قضایی هستند که در همه وضعیت‌ها به قوت خود باقی باشند. کمیته تاکید کرده است که تنها در دادگاهی است که می‌توان فرد را به دلیل ارتکاب جرمی محاکمه کرد و به اصل برائت احترام گذشته شود. به منظور پاسداری از حقوق غیر قابل تعلیق، حق برخورداری از دادرسی در دادگاه (برای اینکه دادگاه بتواند بدون تاخیر در مورد قانونی بودن بازداشت تصمیم بگیرد) نباید به وسیله تصمیم کشوری عضو به حالت تعلیق در آیند.

ب) وضعیت اضطراری عمومی تهدید کننده حیات یک ملت

مطابق با ماده ۴(۱) میثاق، امکان تعلیق تنها در زمان وضعیت اضطراری عمومی وجود دارد که حیات یک ملت در معرض تهدید واقع شود. کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۹ اظهار کرد که این وضعیت اضطراری دارای ماهیت استثنایی است و هرگونه ناآرامی^{۷۱} یا فاجعه^{۷۲} ویژگی وضعیت اضطراری را ندارند. بنا بر نظر کمیته حتی در حین یک مخاصمه مسلحانه، تعلیق حقوق مندرج در میثاق تنها در زمانی مجاز است که وضعیت موجود منجر به تهدیدی علیه حیات ملت شود. برای تعیین اضطراری بودن وضعیت در پی یک عملیات تروریستی شرایط باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.^{۷۳}

⁷¹ disturbance

⁷² catastrophe

⁷³ دیوان اروپایی حقوق بشر در مقام تفسیر مقررات قابل تعلیق در کنوانسیون حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از چهار معیار برای احراز وضعیت اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید می‌کند، سخن به میان می‌آورد. نخست اینکه وضعیت بحرانی یا اضطراری، اتفاق افتاده یا قریب الوقوع است. دوم، این وضعیت باید استثنایی باشد به نحوی که اتخاذ تدابیر معمولی برای مقابله با آن کفایت نکند. سوم آنکه وضعیت اضطراری باید تداوم زندگی سامان یافته یک جامعه را در معرض تهدید قرار دهد، و نهایتاً اینکه بر میزان جمعیت دولتی که دست به اتخاذ این تدابیر زده است، اثر بگذارد. هرچند دیوان در تصمیمات اولیه خود، احراز شرط چهارم را منوط به وضعیتی می‌دانست که بر تمامی جمعیت تاثیر بگذارد، اما به نظر می‌رسد که متعاقباً پذیرفت که وضعیت اضطراری را می‌توان وضعیتی قلمداد کرد که تنها بخشی از ملت را تحت تاثیر مهم قرار دهد.

ج) میزان مجاز تعلیق

هر گونه تعلیق براساس ماده ۴(۱) میثاق تنها به میزانی مجاز است که برای وضعیت اضطراری ضرورت داشته باشد. ویژگی مهم این شرط ماهیت موقتی هر گونه تعلیق است. کمیته حقوق بشر معتقد است هدف اصلی دولت تعلیق کننده باید بازگشت به وضعیت عادی و تضمین دوباره احترام کامل به حقوق مندرج در میثاق باشد. هر گونه اقدام در راستای تعلیق حقوق مندرج در میثاق باید ضروری و متناسب باشد.

ماده ۴(۱) تصریح می کند که اعمال هر گونه تعلیق بر بهره‌مندی از حقوق در وضعیت‌های اضطراری نباید با تبعیض مبتنی بر نژاد، جنسیت، زبان، مذهب یا منشا اجتماعی همراه باشد. میثاق همچنان اعلام می کند که اقدامات تعلیقی نباید با تعهدات دولت تعلیق کننده براساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، از جمله تعهدات مقرر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری در تضاد باشد. لازم به ذکر است ماده ۵(۱) میثاق نیز تصریح می کند که هیچ یک از مقررات این میثاق (از جمله امکان اعمال تعلیق مقرر ماده ۴) نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی به منظور تضييع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق باشد.

نهایتاً لازم به ذکر است همانگونه که در رابطه با اعمال محدودیت توضیح داده شد در اعمال هر گونه تعلیق نیز باید کاملاً به اصول ضرورت و تناسب پایبند بود.

See *Lawless v. Ireland (No 3)*, N° 332/57, Judgement of 1 July 1961, para. 28. See also *Brannigan and McBride v. United Kingdom*, N° 14553/89; N° 14554/89, Judgement of 25 May 1993, contrast with the dissenting opinion of Judge Walsh, para. 2.

فصل ۳- چالش‌های خاص حقوق بشر در حین وقوع تروریسم و مقابله با تروریسم

همانگونه که در دو فصل گذشته ذکر آن رفت، هم تروریسم و هم مقابله با آن بر بهره‌مندی از حقوق بشر تاثیر می‌گذارند. هر چند ارائه‌ی یک تحلیل دقیق از مسائل مربوط به حقوق بشر در حین وقوع تروریسم و اتخاذ اقدامات مقابله با آن امکان پذیر نیست، در این فصل به منتخبی از چالش‌های فعلی و در حال ظهور پیش روی حقوق بشر پرداخته می‌شود.

بخش نخست - حق بر حیات

قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، حق و وظیفه‌ی دولت‌ها را در حمایت از افراد تحت صلاحیت خود شناسایی کرده‌اند. با این وجود، در عمل برخی از اقدامات اتخاذی دولت‌ها در راستای حمایت از افراد در برابر اعمال تروریستی، خود چالش‌های بزرگی را پیش روی حق بر حیات به وجود می‌آورند. این اقدامات عبارتند از: کشتارهای عامدانه^{۷۴} یا کشتارهای هدفمند^{۷۵} افراد خاص در ازای دستگیری و محاکمه‌ی آنها. بنابر اظهارات کمیته‌ی حقوق بشر، کشتارهای هدفمند نباید به عنوان یک بازدارنده یا مجازات به کار گرفته شوند و اصل تناسب باید در نهایت توجه قرار گیرد. سیاست‌های دولت‌ها در این رابطه باید آشکارا و در قالب دستورالعمل‌هایی برای مقام‌های ارشد نظامی ارائه شود و نهادهای مستقل باید به سرعت به شکایت‌های مبنی بر موارد توسل به زور به صورت نامتناسب، رسیدگی کنند. قبل از هرگونه توسل به اقدامات کشنده، تمامی اقدامات در راستای دستگیری فرد مظنون به ارتکاب عملیات تروریستی باید بی‌ثمر باقی مانده باشند.^{۷۶}

در سایر موارد، دولت‌ها سیاست‌های "شلیک به قصد کشت"^{۷۷} را در پاسخ به تهدیدات تروریستی اتخاذ کرده‌اند.^{۷۸} کمیساریای عالی حقوق بشر تاکید کرده است که تمامی دستگاه‌های اجرای قانون از جمله افسران پلیس،

⁷⁴ deliberate killings

⁷⁵ targeted killings

⁷⁶ A/58/40 (vol. I), para. 85 (15).

⁷⁷ shoot-to-kill

⁷⁸ "Extrajudicial, summary or arbitrary executions: Report of the Special Rapporteur, Philip Alston" (E/CN.4/2006/53, paras. 44-54) and "Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection

مراجع پیگیری، مأموران بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها باید در چارچوب قانون عمل نمایند. وی هشدار داده است که در مبارزه با تروریسم، مقامات باید هوشیاری لازم را برای مقابله با تمامی اشکال سوء استفاده از قدرت داشته باشند و فرهنگ احترام به قانون را در افکار تمامی مجریان قانون القا نمایند.^{۷۹}

همانگونه که گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی، فوری یا خودسرانه خاطر نشان شده است سیاست "شلیک به قصد کشت" و اقدامات مشابه به آن تهدیدی بزرگ و همیشگی برای رویکردهای حقوق بشر محور در اجرای قانون به شمار می‌آید. کشتار هدفمند همچون "شلیک به قصد کشت" رویکرد جدیدی است با این استدلال که عملکرد در چهارچوب قانون در مواجهه با تروریسم بلااثر است. با این وجود، موازین حقوق بشر، اقدامات کشنده را زمانی مجاز می‌شمارند که توسل به آنها برای حفظ حیات انسان‌ها در واقع ضروری باشند. سیاست شلیک به قصد کشت تنها با جایگزین کردن تعاریف مبهم برای جواز قتل به جای استانداردهای صریح حقوقی، باعث ایجاد نابسامانی در عملکرد مجریان قانون می‌شود، جان افراد بی‌گناه را در معرض خطر قرار می‌دهد و اشتباهات را منطقی جلوه می‌دهد. این همه در حالی است که در این روش از مواجهه با چالش‌های دشوار و واقعی ناشی از تهدید مربوطه اجتناب می‌شود. همچنین گزارشگر ویژه در ادامه به دولت‌هایی که سیاست شلیک به قصد کشت را در مواجهه با مواردی همچون بمب‌گذاری انتحاری اتخاذ می‌کنند توصیه می‌کند که به بسط چهارچوب‌های حقوقی بپردازند تا بدین وسیله به نحو مناسب اطلاعات طبقه‌بندی شده را یکپارچه و آنها را برای برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و مراحل پاسخ‌گویی پس از حادثه ناشی از مسئولیت دولت تحلیل نمایند. در ادامه دولت‌ها باید تضمین نمایند که تنها با در نظر گرفتن اطلاعات معتبر و اتخاذ شیوه‌های حراستی مناسب، دست به اقدامات کشنده می‌زنند.^{۸۰}

مطابق با قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، حمایت از افراد در برابر محروم سازی خودسرانه از حیات^{۸۱} حتی در وضعیت‌های اضطراری^{۸۲} که زندگی یک ملت در معرض تهدید قرار می‌گیرد، غیر قابل تعلیق است.^{۸۳}

of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, Martin Scheinin" (A/HRC/4/26, paras. 74-78).

⁷⁹ address by High Commissioner for Human Rights, Louise Arbour, "A human rights framework for fighting terrorism", Moscow State University/University of International Relations, 11 February 2005.

⁸⁰ E/CN.4/2006/53, paras. 45 and 51

⁸¹ arbitrary deprivation of life

⁸² state of emergency

^{۸۳} هم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۶) و هم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۴) محروم کردن خودسرانه از حق بر حیات را ممنوع اعلام کرده‌اند. این در حالی است که ماده ۲ کنوانسیون اروپایی اعلام می‌کند: هیچ کس را نمی‌توان آگاهانه از حق بر حیات محروم کرد و تنها مواقعی می‌توان به زور متوسل شد (آن هم نه بیش از ضرورت) که در مقام دفاع از هر فرد در برابر خشونت غیرقانونی باشیم. همچنین نگاه کنید به:

Human Rights Committee, views on communication N° 146/1983, Baboeram v. Suriname, 4 April 1985

کمیته‌ی حقوق بشر بر این عقیده است که حمایت در برابر محروم سازی خودسرانه از حیات بسیار حائز اهمیت است. این کمیته معتقد است دولت‌های عضو باید اقداماتی را به منظور پیش‌گیری از قتل خودسرانه توسط نیروهای امنیتی خود اتخاذ نمایند. محروم کردن یک فرد از حق بر حیات توسط مقامات دولتی باید بسیار جدی گرفته شود. از اینرو قانون باید قاطعانه شرایطی را که در آن احتمال گرفته شدن جان فرد توسط مقامات وجود دارد را کنترل و محدود کند.^{۸۴} به منظور تبعیت از قوانین بین‌المللی حقوق بشر، هرگونه سیاست دولتی مبنی بر اتخاذ اقدامات باید آنقدر محدود باشد که نتوان آن را در زمره موارد محروم ساختن افراد از حیات خویش قلمداد کرد.

برای آنکه بتوان توسط به اقدامات کشنده را قانونی تلقی کرد این اقدامات باید با اصل ضرورت^{۸۵} همخوان باشد و در صورتی به کار برده شوند که برای دفاع از خود یا دفاع از جان دیگران ضرورت داشته باشد. همچنین توسط به اقدامات کشنده باید با اصل تناسب^{۸۶} همخوانی داشته باشد و در صورت امکان و در وهله اول برای دستگیری یا پیشگیری به روش‌های غیرکشنده متوسل شد. در بسیاری از شرایط ماموران اجرای قانون باید فرصت تسلیم را برای مظنونین فراهم آورند و در توسل به زور، گام به گام عمل نمایند.^{۸۷} قوانین دولتی باید قویا شرایطی را امکان توسط به اقدامات کشنده برای ماموران اجرای قانون وجود دارد را محدود یا کنترل نمایند.^{۸۸}

در سند فوق کمیته حقوق بشر اعلام می‌کند حق مقرر در این ماده حقی متعالی برای نوع بشر است. این کمیته در ادامه اظهار می‌کند محروم شدن فرد از زندگی توسط مقامات دولتی مسئله‌ای بسیار خطیر است. این مسئله خطیر به طور کل از این ماده نشئت می‌گیرد و به همین دلیل بند ۲ این ماده مقرر می‌کند که مجازات مرگ تنها در قبال سنگین‌ترین جرائم قابل اعمال است. این حق باید تحت حمایت قانون قرار گیرد و هیچ کس را نباید به صورت خودسرانه از زندگی محروم کرد. این مسئله مستلزم آن است که قانون قویا شرایطی که احتمال گرفته شدن جان افراد توسط مقامات دولتی وجود دارد را کنترل و محدود کند. (A/40/40, annex X, para. 14.3)

^{۸۴}نگاه کنید به:

Human Rights Committee, general comment N° 6 (1982). See also Inter-American Commission on Human Rights, "Report on terrorism and human rights" (paras. 87 and 89), citing Inter-American Court of Human Rights, *Neira Alegria et al. v. Peru*, Judgement of 19 January 1995 (paras. 74–75).

^{۸۵} principle of necessity

^{۸۶} principle of proportionality

^{۸۷} Human Rights Committee, views on communication N° 45/1979, *Suárez de Guerrero v. Colombia*, 31 March 1982 (A/37/40, annex XI, paras. 12.2, 13.1–13.3). See also the Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (A/CONF.144/28/Rev.1), the Code of Conduct for Law Enforcement Officials (General Assembly resolution 34/169) and the Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extrajudicial, Arbitrary and Summary Executions (Economic and Social Council resolution 1989/65).

^{۸۸} E/CN.4/2006/53, para. 48. On the strict requirements regarding the use of force under the European Convention on Human Rights, see, inter alia, European Court of Human Rights, *McCann v. United Kingdom*, N° 18984/91, Judgement of 27 September 1995.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز در بردارنده‌ی مقرراتی علیه کشتار هدفمند غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه است. (مراجعه کنید به فصل اول).

بخش دو - چالش‌های پیش روی ممنوعیت مطلق شکنجه

در حقوق بین‌الملل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده به طور مطلق ممنوع هستند. این ممنوعیت هنجاری بنیادین است^{۸۹} و مطابق با معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری، حتی در وضعیت‌های اضطراری که حیات ملتی در معرض تهدید واقع می‌شود، غیر قابل تعلیق به شمار می‌آید.^{۹۰}

ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده حتی در زمان بروز تهدیدات تروریستی و یا خطر ادعایی از سوی یک فرد برای امنیت دولت نیز همچنان به اعتبار خود باقی است.^{۹۱} با این وجود و در عمل دولت‌ها اغلب سیاست‌ها و روش‌هایی را در راستای مقابله با تروریسم اتخاذ می‌کنند که منجر به نادیده گرفته شدن و تضعیف این ممنوعیت مطلق می‌شود.^{۹۲}

^{۸۹} به عنوان مثال نگاه کنید به: Prosecutor v. Furundžija, para. 144

^{۹۰} نگاه کنید به مواد ۷ و ۴ (۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۳ و ۱۵ (۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مواد ۵ و ۲۷ (۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو. همچنین نگاه کنید به «گزارش وضعیت حقوق بشر پناهجویان در سیستم کانادایی تعیین پناهندگی»

(OEA/Ser.L/V/II.106, Doc. 40 rev., para. 118)

^{۹۱} نگاه کنید به:

Committee against Torture, views on communication N° 39/1996, Tapia Páez v. Sweden, 28 April 1997:

کمیته ضد شکنجه اعلام می‌کند معیار ماده ۳ کنوانسیون مطلق است. هرگاه دلایل محکم مبنی بر این باور بود که در صورت اخراج فرد به کشور دیگر وی با خطر شکنجه روبرو می‌شود دولت عضو متعهد می‌شود که فرد را به آن کشور اخراج نکند. ماهیت فعالیت‌هایی که فرد در آن مشارکت می‌کند در زمان تصمیم‌گیری براساس ماده ۳ کنوانسیون بسیار حائز اهمیت است (A/52/44, annex V). کمیته حقوق بشر نیز اعلام می‌کند: دولت عضو باید ماهیت مطلق ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی را به رسمیت بشناسد و هیچ‌گونه امکان تعلیقی بر آنها وجود ندارد. چنین رفتارهایی را نمی‌توان براساس ایجاد توازن میان منافع جامعه و حقوق فرد تحت ماده ۷ میثاق توجیه کرد. هیچ فردی، بدون استثنا، حتی اگر متهم به ایجاد خطر برای امنیت ملی یا امنیت یک فرد - حتی در زمان وضعیت اضطراری - باشد را نمی‌توان به کشوری که وی با خطر شکنجه یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مواجه می‌شود اخراج کرد.

^{۹۲} به عنوان مثال نگاه کنید به:

the Report of the Committee against Torture (A/59/44, paras. 67, 126 and 144) and "Torture and other cruel, inhuman or degrading treatment: Report of the Special Rapporteur on the question of torture, Manfred Nowak" (E/CN.4/2006/6).

به عنوان مثال توسل به شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیرانسانی و تحقیر کننده، به منظور کسب اطلاعات از مظنونین به تروریسم و همچنین استناد به اقرار ناشی از شکنجه - چه در داخل و چه در خارج از کشور - و ارائه شواهد پنهانی از جانب مقامات در طول فرآیندهای قضایی به طور کامل ممنوع و باعث نقض اصل غیر قابل استناد بودن شواهد به دست آمده به واسطه شکنجه، مقرر در ماده‌ی ۱۵ و سایر مواد کنوانسیون منع شکنجه است.^{۹۳}

برخی از دولت‌ها سیاست‌هایی را اتخاذ می‌نمایند با این هدف که افراد خارج از سرزمین خود را از شمول قوانین حقوق بشری خارج سازند، شایان ذکر است که این عمل می‌تواند منجر به تضعیف موثر ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز باشد. کمیته حقوق بشر معتقد است که حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نسبت به همه افراد - خواه در سرزمین دولت عضو به سر برند خواه خارج از سرزمین ولی تحت صلاحیت دولت عضو - اعمال می‌شود. این مسئله بدان معناست که دولت عضو باید تضمین نماید که همه افراد تحت قدرت و کنترل موثر آن، حتی اگر خارج از سرزمین دولت نیز به سر برند از حقوق مندرج در میثاق از جمله ممنوعیت مطلق شکنجه بهره‌مند می‌گردند. به صورت مشابه، دیوان بین‌المللی دادگستری اظهار کرد هر چند صلاحیت یک دولت در وهله‌ی اول سرزمینی است اما حقوق مندرج در میثاق به اقدامات آن دولت در اعمال صلاحیتش در خارج از مرزهای خود نیز تسری می‌یابد.^{۹۴}

در رابطه با شرایط بازداشت، رویه‌هایی همچون بازداشت پنهانی و بدون ارتباط با خارج^{۹۵}، به علاوه حبس انفرادی طولانی مدت و اقدامات مشابه^{۹۶} با هدف ایجاد استرس را نیز می‌توان به مثابه شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز به حساب آورد.^{۹۷}

دولت‌ها باید تضمین نمایند که طیف کاملی از ضمانت‌های حقوقی و عملی در راستای پیشگیری از شکنجه همچون ضمانت‌های مربوط به آزادی و امنیت فردی و همچنین حقوق مربوط به رویه‌ی قضایی عادلانه موجود باشند. به عنوان مثال، از جمله این حقوق می‌توان به حق فرد بازداشت شده به شروع سریع رسیدگی قضایی و محاکمه در یک بازه‌ی زمانی معقول یا رهایی از بازداشت اشاره کرد. این حقوق همچنین مشتمل بر به چالش

^{۹۳} نگاه کنید به گزارش گزارشگر منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (A/61/259, paras. 44-65)

^{۹۴} پیامدهای حقوقی بند ۱۱۱.

^{۹۵} *incommunicado detention*

^{۹۶} همچنین نگاه کنید به قطعنامه ۲۰۰۵/۳۹ کمیسیون حقوق بشر: «... بازداشت‌های طولانی مدت و بدون ارتباط با خارج از بازداشتگاه، یا بازداشت در مکان‌های پنهانی نه تنها احتمال اعمال شکنجه یا سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را تسهیل می‌کند بلکه به خودی خود به مثابه چنین رفتارهایی نیز هست و تمامی دولت‌ها ملزم به احترام به آزادی، امنیت و کرامت انسان‌ها هستند (بند ۹)».

^{۹۷} به عنوان مثال نگاه کنید به نظر تفسیری شماره ۲۰ (۱۹۹۲) کمیته حقوق بشر، بند ۶ و وضعیت بازداشت شدگان در خلیج گوانتانامو

(E/CN.4/2006/120, para. 53)

کشیدن مشروعیت بازداشت در جلسه دادگاه نیز می‌شود. کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۹ خود اظهار داشت که از این حق باید در همه زمان‌ها و حتی در وضعیت‌های اضطراری حمایت به عمل آورد و بدین وسیله بر نقش حساس ضمانت‌های رویه‌ای^{۹۸} در تضمین پیروی از ممنوعیت مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز تاکید کرده است. به علاوه فرد بازداشت شده باید دسترسی منظم به پزشک و مشاور حقوقی داشته باشد. نهایتاً دولت‌ها باید امکان نظارت منظم و مستقل از مراکز بازداشت خود را فراهم سازند (مراجعه کنید به بخش چهارم همین فصل)

با اجرایی شدن پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ گام بلندی در راستای تضمین حمایت عملی از بازداشت‌شدگان در برابر شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز برداشته شد. بر اساس این پروتکل یک کمیته فرعی بین‌المللی با مأموریت بازدید از بازداشتگاه‌های دولت‌های عضو تاسیس گردید و دولت‌های عضو ملزم به ایجاد سازوکارهای ملی پیشگیری با امکان دسترسی به بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها شدند. کمیسیاریای عالی حقوق بشر تمامی دولت‌ها را به امضای این سند تشویق کرده و از این کار به عنوان اقدامی عملی و اثبات تعهد دولت‌ها در قبال پیشگیری از شکنجه و رفتارهای خشونت‌آمیز و حمایت از حقوق بشر یاد می‌کند.

بخش سوم - انتقال افراد مظنون به عملیات تروریستی

دولت‌ها متعهد هستند که در انتقال افراد بازداشتی به شیوه‌ای شفاف و مطابق با حقوق بشر و حاکمیت قانون از جمله حق به محترم شمردن کرامت ذاتی فرد، حق فرد به شناسایی در پیشگاه قانون و حق بر رویه قضایی عادلانه عمل کنند. بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، هر گونه محرومیت از آزادی می‌بایست بنا بر زمینه‌ها و بر اساس رویه‌های مقرر در قانون صورت پذیرد. فرد بازداشت شده باید از دلایل بازداشت خود مطلع گردد و به سرعت از اتهامات علیه خود آگاه شود و به مشاوره‌ی حقوقی دسترسی داشته باشد. به علاوه نظارت سریع و موثر از بازداشتگاه از جانب یک افسر قضایی باید تضمین گردد تا از این طریق مشروعیت بازداشت بررسی شود و از سایر حقوق بنیادین فرد بازداشتی نیز حمایت به عمل آید. حتی در وضعیت‌های اضطراری، دسترسی حداقلی به مشاوره حقوقی و اعمال محدودیت‌های منطقی مقرر شده نسبت به مدت زمان بازداشت پیشگیرانه کماکان الزامی باقی می‌ماند. به علاوه مقامات ملی متعهد هستند به پیشگیری از نقص حقوق بشر و تحقیق و پیگیری فعالانه پیرامون ادعاهای مبنی بر انتقال یا بازداشت افراد به شیوه‌هایی ناسازگار با تعهدات مقرر در حقوق بین‌الملل.

⁹⁸ procedural guarantees

بر اساس گزارش‌های موجود، برخی از دولت‌ها به ویژه از زمان وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخلاف اصل منع اعاده، شروع به استرداد و اخراج اتباع خارجی مظنون به عملیات تروریستی، از جمله برخی از پناهنجویان، به کشور مبدا یا دیگر کشورهایی کرده‌اند که براساس ادعاهای موجود در آنجا تحت شکنجه یا رفتار خشونت آمیز قرار می‌گرفتند. اصل منع اعاده مقرر در ماده ۳۳ (۱) کنواسیون ۱۹۵۱ در رابطه با وضعیت پناهندگان، در سایر اسناد بین‌المللی به ویژه ماده ۳ کنوانسیون منع شکنجه^{۹۹} و ماده ۱۶ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از همه‌ی افراد در برابر ناپدید شدن اجباری نیز شناسایی شده است. اصل مذکور همچنین در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز منعکس شده است و بنابر تفسیر کمیته‌ی حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۰ (۱۹۹۲) بر اساس این ماده دولت‌ها نباید با استرداد، اخراج یا اعاده‌ی افراد به کشور دیگر، آنها را در معرض شکنجه یا رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار دهند.^{۱۰۰} مطابق با نظر تفسیری شماره ۳۱، ماده ۲ میثاق نیز متضمن تعهدی از جانب دولت‌های عضو مبنی بر عدم استرداد یا اخراج یا سایر طرق انتقال فرد از کشورشان به سرزمین دیگری هستند، در صورتی که دلایل قانع‌کننده مبنی بر وجود خطر ایراد آسیب‌های غیر قابل جبران، چه در کشوری که فرد مستقیماً بدان منتقل گردد و چه در کشوری که فرد در ادامه بدان منتقل می‌شود، وجود داشته باشد. در حقوق بین‌الملل ممنوعیت مطلق اعاده در صورت وجود خطر شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز برای فرد، اصلی پذیرفته شده است.^{۱۰۱} با این وجود، این تعهد نسبت به مواردی که خطر ناشی از آسیب قتل خودسرانه (از جمله از طریق اعمال بی‌مورد مجازات مرگ)، ناپدید شدن اجباری، شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز و دادرسی آشکارا غیر عادلانه وجود دارد نیز اعمال می‌شود.

انتقال افراد بدون در نظر گرفتن رویه‌های قضایی عادلانه و حاکمیت قانون می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر بویژه حق بر آزادی و امنیت فردی، ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرکننده، حق بر شناسایی در برابر قانون به عنوان یک فرد در هر کجا، حق بر دادرسی عادلانه، حق بر زندگی شخصی و خانوادگی و حق بر جبران مؤثر خسارت وارده گردد. این مسئله بسته به شرایط می‌تواند منجر به ناپدید شدن‌های اجباری نیز شود.^{۱۰۲}

^{۹۹} E/CN.4/2005/103, para. 52.

^{۱۰۰} همچنین نگاه کنید به:

European Court of Human Rights, *Soering v. United Kingdom*, N° 14038/88, Judgement of 7 July 1989

^{۱۰۱} برای مثال نگاه کنید به

European Court of Human Rights, *Chahal v. United Kingdom*, N° 22414/93, Judgement of 15 November 1996, and *Louise Arbour*, "In our name and on our behalf", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 55, N° 3 (July 2006), p. 511.

^{۱۰۲} به عنوان مثال نگاه کنید به:

برخی از دولت‌ها در راستای مقابله با تروریسم متوسل به تعهدات دیپلماتیک^{۱۰۳}، یادداشت‌های تفاهم^{۱۰۴} و سایر تفاهم نامه‌های دیپلماتیک می‌گردند تا از این طریق بازگشت یا انتقال غیرقانونی افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی به کشوری که در آنجا فرد با خطر واقعی شکنجه یا نقض فاحش حقوق بشر مواجه است را توجیه نمایند. این رویه باعث ایجاد نگرانی‌هایی جدی در رابطه با حقوق بشر می‌شود. کمیساریای عالی حقوق بشر تأکید کرده است که این موافقت نامه‌ها در عمل کارایی نداشته‌اند چرا که در عالم واقع حمایت کافی را از افراد در برابر شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها به عمل نمی‌آورند و از لحاظ حقوقی باعث تخطی از تعهد بر منع اعاده می‌شوند. در بسیاری از موارد، این ضمانت‌ها میان دولت‌هایی منعقد می‌شود که عضو معاهدات الزام‌آور بین‌المللی و منطقه‌ای منع‌کننده شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز هستند. از این رو اعاده‌ی افراد براساس این رویه‌ها این سؤال را پیش می‌آورد که به طور اساسی آیا انعقاد تفاهم نامه‌های دوطرفه ضرورت دارد؟ به علاوه اگرچه همه‌ی افراد محق هستند به طور برابر مورد حمایت معاهدات موجود قرار بگیرند، موافقت نامه‌های مذکور با حمایت ویژه از تعداد اندکی از افراد و نادیده انگاشتن وضعیت بد بسیاری دیگر منجر به پیدایش نظامی ۲ لایه می‌گردد. از اینرو تلاش‌ها باید معطوف گردد به اجرای کامل تعهدات بین‌المللی پیرامون حقوق بشر از طریق ساختارهای موجود، به ویژه بازدید منظم نهادهای مستقل بین‌المللی و ملی از مکان بازداشت افراد.

تمامی دولت‌ها متعهد هستند که تضمین نمایند سرزمین آنها برای انتقال افراد به مکان‌هایی که چه بسا با شکنجه روبرو می‌شوند، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. تحقق این مهم مستلزم این است که دولت‌ها تمامی گام‌های عملی را اتخاذ نمایند تا تضمین نمایند در رفت و آمدهای خارجی که از درون سرزمین آنها صورت می‌پذیرد افراد به کشورهای منتقل نمی‌شوند که در آنجا با خطر ایراد آسیب‌های غیرقابل جبران مواجه گردند. در تفسیری مضیق، این مسئله به معنی تضمین انتقال افراد از سرزمینی به سرزمین دیگر مطابق با قانون و چارچوب حقوق بین‌الملل است. به علاوه امکان نظارت و بازنگری قضایی باید برای فرد بازداشت شده پیش از هرگونه انتقال فراهم باشد و ادعاهای مبنی بر وجود خطر شکنجه در صورت انتقال باید مورد بررسی قرار گیرند. تمامی شرایط از جمله رویه‌ی پیشین دولت انتقال دهنده، مبدأ و مقصد هواپیما یا وسیله مورد استفاده برای انتقال و آمادگی دولت انتقال دهنده برای به اشتراک گذاردن اطلاعات و یا ارائه‌ی تضمینات لازم ارزیابی شوند. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان

European Commission for Democracy through Law (Venice Commission), "Opinion on the international legal obligations of Council of Europe members States in respect of secret detention facilities and inter-State transport of prisoners", 17-18 March 2006, Opinion N° 363/2005, CDL-AD (2006)009 .

¹⁰³ diplomatic assurances

¹⁰⁴ memorandums of understanding

ملل متحد و گزارشگر ویژه شکنجه بر اهمیت هشپاری در قبال رویه های ناقص ممنوعیت شکنجه در حین مقابله با تروریسم تأکید کرده‌اند.^{۱۰۵}

شاید دولت‌ها به خاطر ارتکاب عمل خلاف حقوق بین الملل یا یاری رسانی به سایر دولت‌ها در ارتکاب اعمال غیرقانونی، یا تن دادن به اعمال غیرقانونی یا عدم پیشگیری از ارتکاب این اعمال درون سرزمین خود و یا به دلیل اقدامات خارج از اختیارات قانونی عوامل خود از لحاظ بین المللی مسئول شناخته شوند. در صورت به وقوع پیوستن این موارد، دولت‌ها موظف به انجام تحقیقات سریع و مؤثری در راستای شناسایی و تعقیب افراد مسئول به علاوه تضمین جبران خسارت مناسب برای قربانیان هستند.^{۱۰۶}

بخش چهارم- آزادی و امنیت فردی

همه‌ی افراد در برابر مداخله‌ی غیرقانونی و خودسرانه دیگران در آزادی خود مصون هستند. این مصونیت در فرآیند دادرسی کیفری و سایر زمینه‌هایی که امکان دخالت دولت در آزادی افراد وجود داشته باشد، نیز پابرجاست.^{۱۰۷} در عمل، دولت‌ها در راستای تلاش‌های خود برای مقابله با تروریسم دست به اقداماتی می‌زنند که باعث می‌شود آزادی افراد خدشه ببیند. از جمله این اقدامات می‌توان به تدابیر پیش از محاکمه^{۱۰۸} جرائم تروریستی از جمله قواعد مربوط به وجه الضمان^{۱۰۹} و بازداشت مجدد^{۱۱۰} فرد تا رسیدن زمان محاکمه، بازداشت پیش از

^{۱۰۵} به عنوان مثال نگاه کنید به:

“Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism” (A/HRC/4/88) and the High Commissioner’s statement on Human Rights Day, December 2005; and E/CN.4/2006/6, chap. III. See also Committee against Torture, views on communication N° 233/2003, *Agiza v. Sweden*, 20 May 2005 (A/60/44, annex VIII, sect. A), and Human Rights Committee, views on communication N° 1416/2005, *Alzery v. Sweden*, 25 October 2006 (A/62/40 (vol. II), annex VII).

^{۱۰۶} به عنوان مثال نگاه کنید به:

“Alleged secret detentions in Council of Europe member States” (“Marty Report”), AS/Jur (2006) 03 rev, and the follow-up report “Secret detentions and illegal transfers of detainees involving Council of Europe member States: second report”, Doc. 11302 rev.; “Secretary General’s report under article 52 of the European Convention on Human Rights on the question of secret detention and transport of detainees suspected of terrorist acts, notably by or at the instigation of foreign agencies” (SG/Inf (2006) 5, 28 February 2006) and his supplementary report on the subject (SG/Inf (2006) 13, 14 June 2006); Venice Commission, op. cit.

^{۱۰۷} نظر تفسیری شماره ۸ کمیته حقوق بشر راجع به حق بر آزادی و امنیت فرد (ماده ۹ بندهای ۱ و ۴)

^{۱۰۸} pretrial procedures

^{۱۰۹} bail

^{۱۱۰} remand

محاكمه^{۱۱۱} (بازداشت پیش از تفهیم اتهام فرد به منظور انجام تحقیقات بیشتر برای روشن شدن اینکه آیا فرد مرتکب جرمی تروریستی شده و یا در ارتکاب آن دست داشته است یا خیر)؛ بازداشت اداری^{۱۱۲} (بازداشت به منظور پیشگیری از ارتکاب یا مشارکت در ارتکاب یک جرم تروریستی)؛ اعمال دستورات کنترل کننده (تحمیل شرایطی بر فرد، بازداشت کوتاه مدت به منظور پیشگیری از ارتکاب یا مشارکت در ارتکاب جرمی تروریستی، همچون بازداشت فردی که منتظر تعیین وضعیت مهاجرت یا پناهندگی است)؛ جلسات رسیدگی اجباری^{۱۱۳} (بازداشت و بازجویی اجباری از یک مظنون و یا غیرمظنون به یک حمله تروریستی به منظور جمع آوری اطلاعات پیرامون فعالیت های تروریستی)

شاید یک دولت در راستای تلاش هایش برای مقابله با تروریسم، افراد مظنون به فعالیت تروریستی را به صورت قانونی همچون سایر جرایم بازداشت کند. با این وجود، اگر اقدامی منجر به محروم شدن فرد از آزادی هایش شود، پیروی کامل از قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه با آزادی و امنیت فردی، حق بر شناخته شدن در پیشگاه قانون و حق بر رویه‌ی قضایی عادلانه ضرورت پیدا می‌کنند. هرگونه اقدامی از این دست حداقل باید امکان تفحص قضایی را فراهم آورد و فرد بازداشتی بتواند از یک مقام قضایی درخواست نماید که مشروعیت بازداشت او را بررسی کند.^{۱۱۴} پایبندی به رویه‌ی قضایی عادلانه و حق بر رسیدگی قضایی منصفانه^{۱۱۵} برای پاسداری شایسته از آزادی و امنیت فردی ضروری است.

بخش پنجم - نمانگاری^{۱۱۶} و اصل منع تبعیض

همانگونه که در بخش نخست فصل اول تأکید شد، اصول برابری و منع تبعیض جز مؤلفه‌های اساسی قوانین حقوق بشری هستند و به عنوان هنجارهای بنیادین شناخته می‌شوند.^{۱۱۷} دیوان آمریکایی حقوق بشر^{۱۱۸}، به عنوان

¹¹¹ pretrial detention

¹¹² administrative detention

¹¹³ compulsory hearings

¹¹⁴ International Covenant on Civil and Political Rights (art. 9 (3)-(4)). See also African Commission on Human and Peoples' Rights, International Pen, Constitutional Rights Project, Interights on behalf of Ken Saro-Wiwa Jr. and Civil Liberties Organisation v. Nigeria, communications N° 137/94, N° 139/94, N° 154/96 and N° 161/97, para. 83.

¹¹⁵ right to a fair hearing

¹¹⁶ profiling

^{۱۱۷} به عنوان مثال نگاه کنید به:

Universal Declaration of Human Rights (arts. 1 and 2) and International Covenant on Civil and Political Rights (art. 26). See further Digest of jurisprudence... (chap. III, sect. K).

¹¹⁸ Inter-American Court of Human Rights

مثال، خاطر نشان کرده است که " اصل برابری در پیشگاه قانون، حمایت یکسان در برابر قانون و منع تبعیض جز هنجارهای بنیادین حقوق بین الملل به حساب می آیند، چرا که کل ساختار حقوقی نظم عمومی ملی و بین المللی بر روی آنها بنا نهاده شده است و جز اصولی هستند که در همه ی قوانین نفوذ پیدا کرده اند.^{۱۱۹} کمیته ی منع تبعیض نژادی اعلام کرده است که حتی در شرایط خاص مقابله با تروریسم نیز نمی توان بر اصل منع تبعیض محدودیتی اعمال کرد چرا که این اصل تبدیل به هنجاری بنیادین شده است. این اصل در اسناد بین المللی و منطقه ای متعددی راجع به ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم منعکس شده است.^{۱۲۰}

اصولاً می توان توسل به معیار گروه های شاخص^{۱۲۱} به منظور تعیین ویژگی های احتمالی (نمانگاری) مظنونین بالقوه را روشی مجاز برای تحقیقات جنایی تلقی کرد و آن را ابزاری مهم در اجرای قانون به حساب آورد. به طور کلی، نمانگاری، فرآیندی فیلترکننده است که دربردارنده ی شاخصی واحد یا مجموعه ای از شاخص هاست که با درکنار همدیگر قرار دادن آنها، ویژگی های یک فرد، مسافر یا محموله ی بار خطرناک تعیین می شود. زمانیکه مأموران اجرای قانون، از جمله در راستای مقابله با تروریسم، به ویژگی های احتمالی عام مظنونین بالقوه که نتیجه آن یک تعمیم کلی آزموده نشده است، متوسل می شوند، موجبات نقض حقوق بشر را فراهم می آورند. در صورتی یکی از شاخص های نمانگاری، نژاد یا منشأ ملی باشد این سؤال پیش می آید که نمانگاری تا چه حد با اصل منع تبعیض سازگاری دارد.^{۱۲۲}

کمیته ی منع تبعیض نژادی در توصیه ی عمومی شماره ۳۰ (۲۰۰۴) از دولت ها درخواست کرده تا تضمین نمایند در تمامی اقداماتی که در راستای مبارزه با تروریسم اتخاذ می کنند، هیچ تبعیضی را چه با نیت و چه در عمل براساس زمینه های نژاد، رنگ، نسب یا منشأ ملی یا قومی روا ندارند و غیرشهروندان را در معرض نمانگاری یا قضاوت براساس کلیشه های نژادی و قومیتی قرار ندهد. در سطح منطقه ای، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^{۱۲۳} هشدار داده است که توسل به نمانگاری یا روش های مشابه از جانب یک دولت باید به طور کامل با اصول بین المللی حاکم بر اصول ضرورت، تناسب و عدم تبعیض منطبق و منوط به تفحص دقیق قضایی باشد.^{۱۲۴} کمیسیون اروپایی مقابله با نژادپرستی و نابرداری از دولت ها خواسته است که تضمین نماید هیچ تبعیضی ریشه قانونی نداشته باشد و در اجرای

¹¹⁹ Inter-American Court of Human Rights, Advisory Opinion OC-18/03 on the juridical condition and rights of the undocumented migrants, 17 September 2003, para. 101.

¹²⁰ به عنوان مثال نگاه کنید به:

E/CN.4/2006/98, para. 48; Human Rights Committee, general comment N° 29 (2001) on states of emergency (art. 4), paras. 8 and 16; and E/CN.4/2002/18, annex, para. 4 (i).

¹²¹ indicator clusters

¹²² A/HRC/4/26, paras. 32–62

¹²³ Inter-American Commission on Human Rights

¹²⁴ Inter-American Commission on Human Rights, "Report on terrorism and humanrights", para. 353.

مقررات و بازرسی‌هایی که از جانب مقامات اجرای قانون صورت می‌گیرد تبعیضی اعمال نگردد.^{۱۲۵} در نهایت اینکه شبکه‌ی متخصصان مستقل اتحادیه‌ی اروپا برای حقوق بنیادین^{۱۲۶} نگرانی جدی خود را پیرامون گسترش نمانگاری در مقابله با تروریسم اعلام کرد. در این رابطه متخصصان هشدار دادند که نمانگاری براساس ویژگی‌هایی همچون ملیت، سن و محل تولد نشانگر خطر بزرگ اعمال تبعیض است.^{۱۲۷} علاوه بر سه زمینه مذکور، نمانگاری براساس مذهب نیز صورت می‌پذیرد. در نمانگاری یا دیگر روش‌های مشابه به طور کامل باید به اصول ضرورت، تناسب و منع تبعیض پایبند بود و این روش‌ها را تحت تفحص‌های دقیق قضایی و بازبینی‌های دوره‌ای قرار داد.^{۱۲۸}

بخش ششم - رویه‌ی قضایی عادلانه و حق بر دادرسی عادلانه

تضمین حقوق مربوط به رویه‌ی قضایی عادلانه، از جمله برای افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی، در تضمین کارا بودن اقدامات ضدتروریستی و احترام به حاکمیت قانون بسیار حیاتی است. حمایت از حقوق بشر برای تمامی افرادی که متهم به ارتکاب جرم، از جمله جرائم مرتبط با تروریسم هستند منجر به پیروی از این معیارها می‌شود. از جمله این معیارها می‌توان به حق به برائت، حق بر رسیدگی قضایی در دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف در بازه‌ی زمانی معقول و همراه ضمانت‌های قضایی مناسب، حق بر درخواست تجدیدنظر از یک دادگاه عالی‌تر اشاره کرد.^{۱۲۹} حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز حمایت‌های مشابهی را برای محاکمه‌ی فرد در شرایط مخاصمه مسلحانه پیش‌بینی کرده است.^{۱۳۰}

در جولای سال ۲۰۰۷ کمیته‌ی حقوق بشر نظر تفسیری شماره ۳۲ درخصوص ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یعنی حق بر دادرسی عادلانه و برابری در پیشگاه دادگاه‌ها و محکمه‌ها را بازنگری کرد. در نظر تفسیری بازنگری شده کمیته خاطر نشان می‌شود که حق بر یک دادرسی عادلانه و برابری در پیشگاه دادگاه و محکمه عنصر اصلی در حمایت از حقوق بشر است و باعث پاسداری از حاکمیت قانون می‌شود. هدف از ماده‌ی ۱۴ میثاق اجرای صحیح عدالت است و بدین منظور مجموعه‌ای از حقوق معین را تضمین می‌نماید. از جمله‌ی این حقوق عبارتند از اینکه همه‌ی افراد در پیشگاه دادگاه‌ها و محاکم برابر هستند، در پرونده‌های جزائی یا مدنی هر

¹²⁵ European Commission against Racism and Intolerance, "General policy recommendation N° 8 on combating racism while fighting terrorism" (CRI (2004) 26).

¹²⁶ European Union Network of Independent Experts on Fundamental Rights

¹²⁷ EU Network of Independent Experts in Fundamental Rights, "The balance between freedom and security in the response by the European Union and its member States to the terrorist threats" (2003), p. 21.

¹²⁸ E/CN.4/2005/103, paras. 71-76, and also A/HRC/4/26, paras. 32-62

¹²⁹ Human Rights Committee, general comment N° 13 (1984)

¹³⁰ E/CN.4/2005/103, para. 44.

کس حق دارد در دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف و به صورت عادلانه و عمومی به اتهامش رسیدگی شود، اصل بر براءت است تا زمانی که فرد مطابق با قانون گناهکار شناخته شود و هر کس که محکوم به ارتکاب جرمی شود باید بتواند در دادگاهی عالی تر و مطابق با قانون از حکم و مجازات در نظر گرفته شده تجدیدنظر کند.

« کمیسیون فرعی سابق ترویج و حمایت از حقوق بشر » طی سالیان متمادی به بررسی مسائل مرتبط با تروریسم و حقوق بشر از جمله اجرای عدالت در دادگاه های نظامی پرداخت. به کارگیری محاکم و دادگاه های نظامی و ویژه برای محاکمه ی مظنونین به تروریست بسته به ماهیت آن دادگاه یا محدودیت های اعمال شده بر فرد مظنون به ارتکاب عملیات تروریستی، می تواند تأثیر جدی بر حقوق رویه ای داشته باشد.^{۱۳۱} به ویژه اینکه شرایط یک دادگاه نظامی مناسب برای محاکمه ی فردی غیرنظامی نیست.

برخی از اقدامات اتخاذی توسط دولت های عضو در راستای مقابله با تروریسم تأثیرات جدی بر حقوق رویه ای افراد مظنون به تروریسم و همچنین خانواده های آنها داشته است. از جمله این اقدامات عبارت است از گنجاندن نام افراد یا گروه ها به عنوان تروریست یا نهادهای وابسته به تروریسم در لیست های تروریستی یا خارج کردن نام آنها از این لیست ها توسط کمیته ی شورای امنیت برای تحریم القاعده و طالبان یا سازوکارهای ملی.^{۱۳۲} هرچند این احتمال وجود دارد که تحریم های در نظر گرفته شده علیه افراد مظنون به مشارکت در فعالیت های تروریستی، شیوه ی مؤثری برای دولت ها در راستای مقابله با تروریسم باشد اما این فرآیندها چالش های جدی متعددی را در برابر حقوق بشر قرار می دهند. به منظور وارد کردن و خارج ساختن اسامی افراد و گروه ها از لیست های تروریستی به صورت شفاف، براساس معیارهای مشخص و شواهد مناسب، واضح و به صورت یکسان قابل اعمال و همچنین مکانیزم های بازنگری کارا، قابل دسترس و مستقل برای افراد و دولت های مربوطه، اقدامات لازم باید اتخاذ شود. حداقل استانداردهای مورد نیاز برای تضمین فرآیندهای عادلانه و شفاف عبارتند از حق فرد بر آگاهی از اقدامات اتخاذی و اطلاع از ادعای مطرح شده علیه او در کوتاه ترین زمان ممکن و تاحد ممکن بدون ایجاد مانع در برابر هدف رژیم تحریم، حق بر دفاع از خود^{۱۳۳} در برابر یک نهاد تصمیم گیرنده در یک بازه ی زمانی معقول، حق بر

^{۱۳۱} به عنوان مثال نگاه کنید به:

African Commission on Human and Peoples' Rights, *Media Rights Agenda v. Nigeria*, communication N° 224/98 (paras. 59–62) and Inter-American Court of Human Rights, *Castillo Petruzzi et al. v. Peru*, Judgment of 30 May 1999 (paras. 128–131, 172).

^{۱۳۲} Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, Martin Scheinin (A/61/267).

^{۱۳۳} right to be heard

تجدیدنظرخواهی مؤثر از طریق مکانیزمی صالح و مستقل؛ حق بر مشاوره در تمامی مراحل دادرسی و حق بر جبران خسارت به گونه‌ی مؤثر.^{۱۳۴}

بخش هفتم - اصل قانونی بودن و تعریف تروریسم

چارچوب حقوق بین الملل در رابطه با تروریسم تعهداتی را در قبال مسئله‌ی تروریسم برای دولت‌ها در نظر گرفته، بدون آنکه تعریف جامعی از این اصطلاح ارائه کرده باشد. درخواست جامعه‌ی جهانی به مقابله با تروریسم در حالی که هیچ تعریفی از مقابله با تروریسم ارائه نمی‌کند، شاید باعث این برداشت شود که ارائه تعریف به عهده‌ی تک تک دولت‌ها گذارده شده است. این مسئله ممکن است نقض بالقوه‌ی حقوق بشر و یا حتی سوءاستفاده‌ی عمدی از مقابله با تروریسم را با خود به دنبال داشته باشد.^{۱۳۵}

یک مصداق ویژه در این زمینه احترام به اصل قانونی بودن^{۱۳۶} است که ریشه در ماده‌ی ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دارد و حتی در زمان وقوع وضعیت‌های اضطراری عمومی غیرقابل تعلیق است. این مسئله مستلزم آن است که تحمیل مسئولیت کیفری محدود شود به مقررات شفاف و دقیق، تا بدین طریق اصل قاطعیت قانون^{۱۳۷} مورد احترام قرار گیرد و تضمین شود که این مسئله منوط به تفاسیری نمی‌شود که به صورت افراطی شمول عمل ممنوعه را بسط می‌دهد. تعاریف بیش از حد مبهم و موسع از تروریسم می‌تواند دست آویزی برای دولت باشد در راستای تسری دادن تروریسم به اعمال صلح آمیز از جمله حمایت از حقوق کارگران، حقوق اقلیت‌ها یا حقوق بشر و یا به صورت کلی‌تر، محدود کردن هرگونه مخالفت سیاسی.^{۱۳۸}

همانگونه که پیش‌تر ذکر شد نه تنها هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در رابطه با تروریسم تعریف جامعی از تروریسم ارائه نمی‌دهند بلکه در قطعنامه‌های صادره از نهادهای سازمان ملل نیز تعریف جامعی از تروریسم به چشم نمی‌خورد. در واقع هر کنوانسیون در ماهیت مربوط به جنبه‌ی خاصی از تروریسم می‌شود و به بررسی موضوعات خاص، از جمله امنیت هوایی، ناوبری دریایی و سکوهای دریایی، حمایت از اشخاص یا مقابله با روش‌های ارتکاب یا حمایت از عملیات تروریستی، می‌پردازد.

¹³⁴ A/HRC/4/88, paras. 17–22

¹³⁵ به عنوان مثال نگاه کنید به:

E/CN.4/2005/103, para. 32, and E/CN.4/2006/98, para. 26

¹³⁶ principle of legality

¹³⁷ principle of certainty of the law

¹³⁸ برای مثال منطقه ای مراجعه کنید به:

Castillo Petruzzi et al. v. Peru (para. 121).

همانگونه که در بخش دوم فصل نخست ذکر شد، مذاکرات بر سر پیش نویس کنوانسیون جامع در رابطه با تروریسم بین المللی که در سال ۲۰۰۱ به کمیته‌ای در مجمع عمومی ارجاع داده شد، کماکان ادامه دارد. شایان ذکر است که در ماده‌ی ۲ پیش‌نویس تعریف جامعی از تروریسم به چشم می‌خورد. با عنایت به رویکرد جامع اتخاذ شده در پیش‌نویس این کنوانسیون، تصویب آن با پوشش سایر اعمال مجرمانه‌ای که تا به حال در کنوانسیون‌های جهانی مربوطه ذکر نشده‌اند، موجب تقویت چارچوب حقوقی در سطح بین‌المللی می‌شود. با این وجود، هنوز بر سر برخی از جنبه‌های کنوانسیون مناقشه وجود دارد، به ویژه بر سر گستره‌ی تعریف پیشنهادی جرائم تروریستی و اینکه آیا جنبش‌های آزادی بخش ملی در حیطه‌ی این تعریف واقع می‌شوند یا خیر. از دیگر جنبه‌های مورد مناقشه تأثیر متقابل این کنوانسیون بر قوانین حقوق بین الملل است.^{۱۳۹} به علاوه، حتی در صورت توافق بر سر تعریف جامع در سطح بین‌المللی، بسته به تعاریف جرائم تروریستی در سطوح ملی، دغدغه‌های حقوق بشری کماکان به وجود آیند.

در سال ۲۰۰۴ شورای امنیت قطعنامه‌ی ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) را به تصویب رساند، در این قطعنامه از تمامی دولت‌ها خواسته شده است در راستای مبارزه با تروریسم با یکدیگر همکاری نمایند و در این راستا از ارتکاب هرگونه عملیات مجرمانه، فارغ از انگیزه‌های ارتکاب آنها، خواه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی، مذهبی یا سایر ماهیت‌های مشابه که دارای ۳ ویژگی ذیل باشند پیشگیری به عمل آورند و مسبب آنها را مجازات نمایند.

- از جمله علیه غیرنظامیان و با هدف کشتن یا ایراد آسیب بدنی شدید به آنها یا گروگانگیری ارتکاب یابد.
- با هدف ایجاد وحشت در آحاد مردم یا گروهی از مردم یا افراد خاص، تهدید یک جمعیت یا اجبار حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام فعل یا خودداری از انجام فعلی دیگر ارتکاب یابد.
- ارتکاب اعمالی که در کنوانسیون‌ها یا پروتکل‌های مربوط به تروریسم، از آنها تحت عنوان عملیات تروریستی تعریف شده است.

هرچند شورای امنیت از تعاریف مذکور تحت عنوان تروریسم یاد نکرده است، گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در هنگام مقابله با تروریسم، حمایت خود از این رویکرد را به عنوان روشی برای محدود کردن اصطلاح تروریسم به عملی که واقعا دارای ماهیت تروریستی است ابراز کرده است.^{۱۴۰}

^{۱۳۹} به منظور مشاهده پیشرفت‌های حاصله مراجعه کنید به:

<http://www.un.org/law/terrorism/index.html>

^{۱۴۰} E/CN.4/2006/98, para. 42.

اتخاذ این رویکرد بسیار سودمند است چرا که براساس معیارهای مورد توافق تدوین شده و با دو اصل قانونی بودن و دقیق بودن^{۱۴۱} مطابق است.

علی رغم عدم وجود یک تعریف مورد توافق از تروریسم در سطح بین المللی، واضح است که اعمال تروریستی به عنوان راه‌های برای دست یابی به اصل تعیین سرنوشت یا رسیدن به هر هدف دیگر توجیه پذیر نیستند. قطعنامه‌های اولیه مجمع عمومی پیرامون مقوله‌ی تروریسم دربردارنده‌ی تأکیدات صریح بر اصل تعیین سرنوشت است. به عنوان مثال، مجمع عمومی، در قطعنامه ۳۰۳۴ (XXVII) دولت‌ها را ملزم می‌کند که مشکل تروریسم را با بررسی مسائل اصلی منجر شونده به عملیات تروریستی حل و فصل نمایند. در این قطعنامه به حق بر تعیین سرنوشت و استقلال همه‌ی مردمان تأکید مجدد شده و قانونی بودن جنبش‌های آزادی بخش ملی مورد حمایت قرار گرفته است. هرچند از زمان تصویب اعلامیه اقدامات برای حذف تروریسم بین المللی^{۱۴۲} در سال ۱۹۹۴ مجمع عمومی تصریح کرده است که توسل به تروریسم برای تحقق اصل تعیین سرنوشت توجیه پذیر نیست.

در استراتژی جهانی مقابله با تروریسم، مجمع عمومی اعلام کرد که دولت‌های عضو سازمان ملل بر این اراده هستند که "به صورت همیشگی، صریح و راسخ تروریسم را در تمام اشکال و نمودهایش، فارغ از اینکه توسط چه کسی، در کجا و با چه هدفی صورت پذیرد، محکوم نمایند." شورای امنیت نیز در قطعنامه‌های ۱۲۶۹ (۱۹۹۹) و ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) اعلام کرد که تمامی عملیات تروریستی، فارغ از انگیزه‌ی ارتکاب، غیرقابل توجیه هستند.

بخش هشتم- آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به تروریسم

ممنوعیت تحریک به تروریسم در بخش دوم فصل دوم، مورد بحث قرار گرفت تا بدین وسیله روشن گردد که شروط عمومی برای اعمال هرگونه محدودیت بر برخی از حقوق بشر باید در قانون تجویز شده باشد، به منظور تحقق هدفی مشروع اعمال شوند و ضروری و متناسب باشند. در این بخش به صورت تفصیلی‌تر به این موضوع پرداخته می‌شود چرا که این مسئله در ارتباط است با حق بر آزادی بیان.

تحریک به انجام عملیات تروریستی یکی از استراتژی‌های همیشگی سازمان‌های تروریستی است تا بدین طریق دستیابی به اهداف خود را تسهیل کنند و دیگران را به اعمال خشونت آمیز فرا بخوانند. شورای امنیت تروریسم را مغایر با اهداف و اصول منشور ملل متحد اعلام کرده است و از دولت‌های عضو خواسته تا اقدامات لازم را جهت

¹⁴¹ principle of precision

¹⁴² Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism

ممنوعیت و پیشگیری از آن اتخاذ نمایند.^{۱۴۳} ممنوعیت تحریک به تروریسم جز جدایی‌ناپذیر پاسداری از امنیت ملی و نظم عمومی است که در ماده‌ی ۱۹(۲) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان زمینه‌های مشروع برای محدود ساختن آزادی بیان از آنها یاد شده است. این ممنوعیت همچنین با ماده‌ی ۲۰(۲) نیز مطابق است. در این ماده دولت‌ها ملزم به ممنوع ساختن هواداری از نفرت پراکنی براساس ملیت، نژاد یا دین شده‌اند چراکه این گونه نفرت پراکنی‌ها تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت را با خود به همراه خواهند داشت. با این وجود باید احتیاط لازم را به خرج داد تا تضمین شود هرگونه اعمال محدودیت بر حق به آزادی بیان ضروری و متناسب باشد. مسئله مهم آن است که آزادی بیان رکنی ضروری در جوامع دموکراتیک است^{۱۴۴} و بهره‌مندی از آن در ارتباط است با سایر حقوق مهم دیگر، از جمله حق بر آزادی اندیشه، وجدان، مذهب، باور و عقیده.

اگرچه هیچ یک از کنوانسیون‌های مرتبط با مقوله‌ی تروریسم به صراحت دولت‌ها را ملزم به ممنوع کردن تحریک به تروریسم نمی‌کنند، اما کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری از تروریسم دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که اقدامات غیرقانونی و عامدانه که باعث تحریک عموم به ارتکاب جرائم تروریستی می‌شود را جرم انگاری نمایند، کنوانسیون مذکور تحریک عموم به ارتکاب جرائم تروریستی را بدین نحو تعریف می‌کند... انتشار یا در دسترس ساختن پیامی برای عموم، با هدف تحریک به ارتکاب جرمی تروریستی، در موقعی که این اقدام خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم از جرائم تروریستی حمایت می‌کند، و این خطر را به وجود می‌آورد که یک یا چند مورد از این قبیل جرائم ارتکاب یابند. (ماده‌ی ۵(۱)). گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمان مقابله با تروریسم اعلام کرده است که ماده‌ی قانونی مذکور بیانگر بهترین شیوه برای تعریف ممنوعیت تحریک به تروریسم است.^{۱۴۵} ماده‌ی ۵ کنوانسیون مذکور حاصل مذاکرات دقیق میان دولت‌هاست و با اشاره به سه عنصر آنچه را که منجر به تحریک عمومی برای ارتکاب جرمی تروریستی می‌شود را تعریف می‌کند. در وهله‌ی اول عمل مخابره صورت می‌پذیرد ("انتشار یک پیام یا در دسترس ساختن آن به هر طریق دیگری برای عموم..."). در وهله‌ی دوم فرد باید قصد ذهنی برای تحریک به تروریسم داشته باشد ("با قصد به ارتکاب جرمی تروریستی... خواه به صورت مستقیم و خواه غیرمستقیم از جرائم غیرتروریستی هواداری کند") و در نهایت باید خطری عینی دیگر وجود داشته باشد تا عمل فرد تحریک به تروریسم باشد (... جایی که این عمل...

^{۱۴۳} قطعنامه شماره ۱۶۲۴(۲۰۰۵) شورای امنیت، بند ۱

^{۱۴۴} به عنوان مثال نگاه کنید به:

European Court of Human Rights, Handyside v. United Kingdom, N° 5493/72, Judgement of 7 December 1976.

^{۱۴۵} A/HRC/4/26/Add.3

منجر به خطر ارتکاب یک یا چند جرم شود". شرط عینی آخر باعث می شود تحریک به تروریسم از تمجید^{۱۴۶} از تروریسم متمایز گردد. شرط وجود قصد در ماده ۵(۲) بر عنصر ذهنی موجود در تعریف تحریک عموم به ارتکاب عملی تروریستی بار دیگر تأکید می کند و مستلزم این است که عمل برقراری ارتباط نیز با آگاهی صورت پذیرد.

یکی از مشکلات پیشرو، مسئله ممنوعیت تمجید (توجیه^{۱۴۷}) تروریسم است. تمجید از تروریسم در قالب بیانیه‌هایی صورت می‌پذیرد که هرچند ارتکاب اعمال تروریستی را ترویج و افراد را به ارتکاب آنها تحریک نمی‌کنند، اما این اعمال را تحسین می‌نمایند. با وجود آنکه این گونه بیانیه‌ها چه بسا احساسات افراد یا جامعه و بخصوص قربانیان تروریست را جریحه دار کنند، اما لازم به ذکر است که اصطلاحات مبهم و فاقد گستره شمول معین همچون تمجید یا ترویج تروریسم در تحدید آزادی بیان به کار برده نمی‌شوند. اعلامیه‌ی مشترک متخصصان آزادی بیان^{۱۴۸} توضیح می‌دهد که "تحریک باید به صورت فراخوانی مستقیم در راستای ارتکاب اعمال تروریستی، و با قصد ترویج تروریسم صورت پذیرد. همچنین این عمل باید در شرایطی صورت پذیرد که این فراخوان بلاواسطه دلیل اصلی برای افزایش احتمال واقعی ارتکاب عملی تروریستی به حساب آید.^{۱۴۹}"

بخش نهم - آزادی انجمن‌ها

حق بر آزادی انجمن‌ها، مانند حق آزادی بیان بستری برای بهره‌مندی و دفاع از سایر حقوق از جمله حق بر مشارکت سیاسی و حقوق فرهنگی است. مدافعین حقوق بشر اغلب از این حق به عنوان مبنای حقوقی اقدامات خود استفاده می‌کنند. برخورداری از این حق اساس یک جامعه دموکراتیک است.^{۱۵۰}

با این حال، حق مذکور اغلب توسط دولت‌ها و در زمان واکنش به وقوع یا احتمال وقوع یک تهدید تروریستی محدود می‌شود.^{۱۵۱} در حالیکه براساس بیشتر معاهدات حقوق بشری، ممکن است حق آزادی انجمن‌ها

¹⁴⁶ glorification

¹⁴⁷ apologie

¹⁴⁸ joint declaration of experts on freedom of expression

¹⁴⁹ "International mechanisms for promoting freedom of expression", joint declaration of the UN Special Rapporteur on Freedom of Opinion and Expression, the OSCE Representative on Freedom of the Media, and the OAS Special Rapporteur on Freedom of Expression (21 December 2005)

^{۱۵۰} به عنوان مثال نگاه کنید به:

African Commission on Human and Peoples' Rights, Amnesty International, Comité Loosli Bachelard, Lawyers Committee for Human Rights, Association of Members of the Episcopal Conference of East Africa v. Sudan, communications N° 48/90, N° 50/91, N° 52/91, N° 89/93 (paras. 78-80)

مشمول تعلیق و محدودیت‌هایی قرار گیرد، باید ضمانت‌های روشنی با هدف عدم توسل به این تعلیق‌ها و محدودیت‌ها در راستای تحدید و کنترل حقوق احزاب سیاسی مخالف، اتحادیه‌های تجاری یا مدافعان حقوق بشر وجود داشته باشد.^{۱۵۲} بدین ترتیب، این تعهد باید بر دوش دولت باشد تا نشان دهد تدابیر اتخاذ شده، در راستای اهداف مجاز مقرر در قوانین بین‌المللی حقوق بشر است. این امر بدان معناست که در مواقعی که دولت‌ها اقدامات محدود کننده حقوق را برای سرکوب موثر کلیه مخالفان یا سرکوب مردم اتخاذ می‌نمایند، نباید ادعا کنند که تدابیر مذکور را برای پاسداری از امنیت ملی بکار گرفته اند.

علاوه بر تضمین همیشگی احترام به اصول ضرورت و تناسب، ضمانت‌های معینی لازم است تا تضمین نمایند محدودیت‌های قابل اعمال بر آزادی انجمن‌ها به گونه‌ای مضیق تفسیر می‌گردند.^{۱۵۳} این ضمانت‌ها متضمن حصول اطمینان از این است که در تعریف تروریسم، اعمال تروریستی و گروه‌های تروریستی، به اصل قانونی بودن احترام گذاشته شود. البته تعریف بیش از حد وسیع یا مبهم از این مفاهیم ممکن است منجر به جرم‌انگاری گروه‌هایی شود که هدف آنها حمایت صلح آمیز از کارگران، اقلیت‌ها، حقوق بشر یا دیگر مسائل باشد.

هرگونه تصمیم مبنی بر ممنوع ساختن فعالیت یک گروه یا انجمن باید بطور موردی اتخاذ گردد. ضمانت‌های رویه‌ای عمومی، شامل حصول اطمینان از انجام ارزیابی در مورد فعالیت‌های گروه بر اساس شواهد واقعی مبین این مسئله است که دولت نمی‌تواند پیش از ثبت گروه و شروع فعالیتش، در مورد آن تصمیم‌گیری کند.^{۱۵۴} ارزیابی

^{۱۵۱} نگاه کنید به گزارش گزارشگر ویژه دبیرکل برای مدافعان حقوق بشر (A/59/401 and E/CN.4/2006/95): "تدابیر به اصطلاح امنیتی یا ضد تروریستی در راستای محدودسازی فعالیت‌های حقوق بشری اعمال می‌شوند. مدافعان حقوق بشر و گروه‌ها، به بهانه استثنای وارد بر حاکمیت قانون و همچنین اعمال تعلیق از طریق قانونگذاری در مسائل امنیتی، در معرض اقدامات خودسرانه واقع می‌شوند. (بند ۵۲). همچنین نگاه کنید به قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت: اقدامات اتخاذی توسط دولت‌ها، از جمله مسدودسازی دارایی‌ها نهادهای خاص (بند ۱ (۳))، جلوگیری از درآمدزایی برخی نهادها در سرزمین آنها (بند ۴) خودداری از هرگونه حمایت از نهادها، مقابله با عضویت‌گیری گروه‌های تروریستی (بند ۲ (۱))، پیشگیری از رفت و آمد گروه‌های تروریستی (بند ۲ (۷)) - همگی بر فعالیت انجمن‌ها تاثیر می‌گذارند.

¹⁵² reports of the Special Representative of the Secretary-General on human rights defenders, Hina Jilani (A/59/401 and E/CN.4/2006/95).

¹⁵³ A/61/267

^{۱۵۴} به عنوان مثال نگاه کنید به

European Court of Human Rights, *Sidiropoulos and Others v. Greece*, N° 26695/95, Judgement of 10 July 1998:

دادگاه نافی این مسئله نیست که این امکان وجود دارد که انجمنی به محض تاسیس به اسم اهداف مذکور در سند تاسیس خود، مشغول به فعالیت‌هایی غیرمنتظره با اهداف مندرج شود. احتمال این موضوع، که دادگاه‌های ملی به دیده یقین به آن می‌نگرند، به ندرت می‌تواند به واسطه فعالیت‌های عملی پوشانده شوند چرا که انجمن زمان کافی برای انجام آن فعالیت را نداشته است.

مذکور باید توسط یک نهاد قضایی مستقل و با توجه کامل به گروه تحت تأثیر و همچنین امکان تجدید نظر در تصمیم‌گیری انجام گیرد.

نماینده ویژه دبیرکل در موضوع مدافعان حقوق بشر به صراحت کرد که «هر سازمان حق دارد از حقوق بشر دفاع کند؛ از مدافعان حقوق بشر انتظار می‌رود تا اقدامات دولت را منتقدانه بررسی کنند. این انتقاد از اعمال دولت و آزادی در بیان این انتقادات، جزئی از مولفه‌های بنیادین دموکراسی است که باید به آن در قانون و عمل مشروعیت بخشیده شود. دولت‌ها نمی‌توانند قوانینی را وضع یا رویه‌هایی را اتخاذ نمایند که فعالیت در راستای دفاع از حقوق بشر را غیرقانونی تلقی کنند. در همین رابطه نماینده ویژه دبیرکل تعدادی از مشکلاتی که سازمان‌های غیردولتی در روند ثبت سازمان با آن روبه‌رو هستند را مورد تأکید قرار می‌دهد. ایشان در توصیه‌های خود تأکید می‌کند که دولت‌ها نباید اهداف سازمان‌های غیردولتی را از پیش بطور دقیق بررسی نمایند. قانونی بودن مقاصد سازمان و انطباق آن با قانون تنها باید زمانی بررسی شود که شکایتی علیه آن مطرح باشد و تنها یک نهاد قضایی مستقل می‌بایست مجاز به بررسی مقاصد این سازمان‌ها و تصمیم درباره نقض قانون توسط آنها باشد.^{۱۵۵}

کلیه اقداماتی که منجر به محدودیت حق آزادی انجمن‌ها می‌شود، باید تحت نظارت قضایی باشد.^{۱۵۶} دادگاه‌های غیرنظامی باید صلاحیت بررسی مقررات و نظارت بر اجرای کلیه تدابیر ضد تروریستی را بدون هیچ‌گونه اعمال فشار یا دخالتی، بویژه از سوی سایر شاخه‌های حکومتی، داشته باشند.^{۱۵۶} این اصل در زمینه مقابله با تروریسم، در جایی که ممکن است اطلاعات طبقه‌بندی شده یا محرمانه به عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری در مورد تحریم یک سازمان یا قرار دادن آن در فهرست تروریست‌ها استفاده شود، اصلی اساسی است. گزارشگر ویژه حقوق بشر و مقابله با تروریسم نیز در همین راستا بر اهمیت تضمین نظارت قضایی بر کلیه تصمیمات محدودکننده حقوق بشر، تأکید نمود. در واقع این نظارت برای تضمین این است که محدودیت‌های وضع شده، قانونی، مناسب، متناسب و موثر باقی بمانند و در نهایت دولت ممکن است برای محدود کردن حقوق بشر افراد پاسخگو باشد.^{۱۵۷}

بخش دهم - نظارت، حفاظت از داده‌ها و حق بر حریم خصوصی

ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو را از دخالت در حریم خصوصی افراد تحت صلاحیت خود منع نموده و آنها را ملزم می‌کند تا بوسیله قانون از افراد تحت صلاحیت خود در برابر دخالت‌های

¹⁵⁵ A/59/401, paras. 49, 51-82.

¹⁵⁶ E/CN.4/2005/103, paras. 13-15.

¹⁵⁷ A/61/267, para. 29

خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی حمایت کنند. حریم خصوصی اطلاعات مربوط به هویت شخصی و زندگی خصوصی فرد را شامل می‌شود.^{۱۵۸}

اکثر دولت‌ها امنیت خود در فرودگاه‌ها و سایر گذرگاه‌های خود را بطور مثال از طریق جمع‌آوری اطلاعات بیومتریک^{۱۵۹} از مسافری (مانند اسکن چشم و اثر انگشت)، عکس، جزئیات گذرنامه و غیره ارتقاء داده‌اند. دیرگاهی است که دولت‌ها سرویس امنیت اطلاعاتی خود را از طریق اختیارات نظارتی از جمله سرویس شنود صوتی و استفاده از دستگاه‌های ردیابی مجهز نموده‌اند. برخی از کشورها این اختیارات نظارتی را در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی گسترش داده‌اند. کلیه این شیوه‌ها متضمن جمع‌آوری اطلاعات از افراد است. بنابراین، حریم خصوصی این افراد را محدود و مسائل مربوط به نحوه حفاظت از داده‌ها را مطرح می‌کند. مداخله در حریم خصوصی نیز ناشی از رصدهای امنیتی و جست و جوی افراد است.

هرگونه اقدامی که بر حریم خصوصی افراد تأثیر بگذارد باید قانونی، یعنی طبق قانون مجاز باشد.^{۱۶۰} به این معنی که هرگونه جستجو، نظارت و یا جمع‌آوری اطلاعات مربوط به افراد باید بموجب قانون تجویز شده باشد. این اقدامات در گستره‌ای که انجام می‌گیرند نباید خودسرانه باشند؛ که این مسئله مستلزم آن است که قانون ناعادلانه، غیر قابل پیش‌بینی یا غیرمعقول نباشد. قانونی که مداخله در حریم خصوصی را مجاز می‌داند باید شرایط دقیق این مداخله را با جزئیات مشخص نماید که البته این قوانین نباید به صورت تبعیض آمیز اجرا شود.^{۱۶۱} با این وجود، این بدان معنا نیست که دولت‌ها از اختیارات نامحدودی برای دخالت در حریم خصوصی برخوردار هستند؛ زیرا هرگونه محدودیت نسبت به حقوق باید برای دستیابی به اهداف قانونی و با آن اهداف متناسب باشد. همچنین باید به تعهد دولت برای حمایت در برابر اعمال خودسرانه ناشی از این اختیارات توجه شود. بنابراین و به عنوان مثال، در پرونده

^{۱۵۸} به عنوان مثال نگاه کنید به:

Human Rights Committee, views on communication N° 453/1991, *Coeriel et al. v. the Netherlands*, 31 October 1994 (A/50/40 (vol. II), annex X, sect. D). As to the meaning and extent of “private life” see, for example, European Court of Human Rights, *Amann v. Switzerland*, N° 27798/95, Judgement of 16 February 2000, and *Rotaru v. Romania*, N° 28341/95, Judgement of 4 May 2000.

^{۱۵۹} biometric data

^{۱۶۰} نگاه کنید به ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۸(۲) کنوانسیون اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و ماده

۱۱(۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

^{۱۶۱} Human Rights Committee, views on communication N° 35/1978, *Aumeeruddy- Cziffra and Others v. Mauritius*, 9 April 1981 (A/36/40, annex XIII, para. 9.2 (b) 2 (i) 8).

کلاس علیه آلمان^{۱۶۲}، دیوان اروپایی حقوق بشر خاطر نشان شد که این اطمینان باید حاصل شود که هر سیستم نظارت مخفی وابسته به دولت می بایست متضمن ضمانت‌های مناسب و موثری برای مقابله با سوء استفاده باشد.^{۱۶۳}

در مواردی که اطلاعات شخصی جمع آوری می‌شود، این اطلاعات باید در برابر دسترسی غیرمجاز یا خودسرانه، افشاء یا استفاده حفاظت شوند. اگرچه قواعد حقوقی اندکی پیرامون این وظیفه دولت‌ها تدوین شده است، اما کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۱۶ (۱۹۸۸) توضیح داده است که دولت‌ها باید تدابیر موثری را اتخاذ نمایند تا این اطمینان حاصل شود که اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی افراد در دست کسانی که طبق قانون مجاز به دریافت، پردازش و استفاده از آن نیستند، قرار نگیرد و هرگز برای اهداف ناسازگار با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بکار گرفته نشوند. حفاظت موثر متضمن است از توانایی هر فرد به منظور حصول اطمینان قابل درک از اینکه چه اطلاعات شخصی و برای چه اهدافی در فایل‌های خودکار داده‌ها^{۱۶۴} ذخیره می‌شوند. لازم به ذکر است حق درخواست برای اصلاح یا حذف اطلاعات نادرست در این رابطه محفوظ می‌ماند.

سازمان‌های دیگر استانداردهایی را به منظور جمع آوری و پردازش اطلاعات شخصی اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال، دستورالعمل‌های شورای اروپا درباره حقوق بشر و مبارزه با تروریسم اعلام می‌کند:

«در زمینه مبارزه با تروریسم، جمع آوری و پردازش اطلاعات شخصی توسط هر مقام صلاحیتداری در حوزه امنیت کشور، با احترام به زندگی خصوصی و تنها در صورتی که دارای شرایط بویژه ذیل باشد، امکان پذیر است:

- ۱- تحت حاکمیت قوانین و مقررات مناسب داخلی باشد؛
- ۲- متناسب با هدف پیش بینی شده برای جمع آوری و پردازش باشد؛
- ۳- ممکن است تحت نظارت یک نهاد مستقل خارجی قرار گیرد.»

بخش یازدهم - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تلاش‌های به عمل آمده در راستای بررسی پیامدهای حقوق بشری تروریسم و اقدامات ضد تروریستی بیشتر بر حمایت از حقوق مدنی و سیاسی تمرکز داشته‌اند و توجه کمتری به تاثیر آنها بر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. با این حال واضح است که تروریسم و تدابیری که کشورها برای مقابله با آن اتخاذ

¹⁶² Klass v. Germany

¹⁶³ European Court of Human Rights, *Klass v. Germany*, N° 5029/71, Judgement of 6 September 1978, para. 50.

¹⁶⁴ automatic data files

کرده‌اند، هم تحت تأثیر میزان بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند و هم بر این قسم از حقوق افراد متأثر، بعلاوه اهداف گسترده‌تر توسعه تأثیر می‌گذارند. دستیابی به اهداف امنیت جهانی، بدون تلاش‌های هماهنگ در جهت تحقق کلیه حقوق بشر غیرممکن خواهد بود. بنابراین باید تلاش‌های جدی‌تری برای درک و پرداختن به پیوندهای میان تروریسم و بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد. این بخش به طور خلاصه و برجسته دو نمونه را تبیین می‌کند: اول، اهمیت تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اهداف توسعه، برای جلوگیری از شرایطی که موجب گسترش تروریسم می‌شوند؛ و دوم، تأثیر برخی اقدامات ضد تروریستی بر بهره‌مندی از چنین حقوقی.

در استراتژی جهانی برای مقابله با تروریسم، دولت‌های عضو ضرورت مقابله با شرایطی که منجر به گسترش تروریسم می‌شود، من جمله محرومیت‌های اجتماعی-اقتصادی، عدم احترام به حقوق بشر و فقدان حکومتداری مطلوب را تصدیق کرده‌اند. این پیوندها پیچیده است و نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق دارند. بطور مثال توسعه اقتصادی و اجتماعی از جمله از طریق همکاری و کمک‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش بسزایی در کاهش حمایت از تروریسم ایفا نماید. این مهم می‌تواند به وسیله جلوگیری از ایجاد شرایطی که موجب افزایش خشونت به طور کلی و تروریسم بطور خاص و همچنین کمک به پایداری دراز مدت اجتماعی و اقتصادی، محقق گردد. این تدابیر می‌تواند شامل اقدامات برای پشتیبانی از ثبات ساختاری، جلوگیری از دست یافتن گروه‌ها یا افراد به روش‌های ارتکاب اقدامات تروریستی و حفظ همکاری‌های بین‌المللی باشد. در مقابل، اختصاص منابعی که به طور معمول می‌بایست معطوف به برنامه‌ها و بخش‌های اجتماعی و اقتصادی (مانند آموزش، سلامت، آب و فاضلاب)، کمک به توسعه و کاهش فقر گردد به نفع برنامه ریزی‌های امنیتی و ضد تروریستی اختصاص داده می‌شود و ممکن است عواقب جدی برای کشورهای و جوامع متأثر داشته باشد. همانطور که کمیته کمک به توسعه سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^{۱۶۵} خاطر نشان شد در صورتی که پیشگیری از تروریسم با هدف بهبود توسعه انجام می‌پذیرد، تخصیص کمک‌ها باید بطور دقیق و سنجیده صورت پذیرد. بویژه تخصیص بودجه باید پس از تجزیه و تحلیل عمیق و اثربخشی نیازها و کارایی کمک‌ها صورت پذیرد، به طوری که کمک‌های مربوط به توسعه منجر به پایداری دراز مدت ساختاری شود و ابزاری برای منافع بی‌ربط به توسعه نشود.^{۱۶۶}

¹⁶⁵ Assistance Committee of the Organisation for Economic Development and Co-operation (OECD)

¹⁶⁶ به عنوان مثال نگاه کنید به:

Organisation for Economic Development and Co-operation, *A Development Co-operation Lens on Terrorist Prevention: Key Entry Points for Action*, DAC Guidelines and Reference Series (OECD, 2003), available at www.oecd.org.

اتخاذ تدابیر خاص ضد تروریستی ممکن است تأثیر مستقیم بر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. به عنوان مثال، تحریم‌های هدفمند علیه افراد مظنون به مشارکت در فعالیت‌های تروریستی، همچون مسدودسازی دارایی‌های مالی آنان یا تحمیل محدودیت‌های مسافرتی بر آنها، می‌تواند ابزار موثری برای ردیابی و حتی جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی باشد. با این حال، رژیم کنونی تحریم‌های هدفمند، شماری از چالش‌های جدی همچون عدم شفافیت و نبود رویه‌های عادلانه در اضافه کردن نام افراد و گروه‌ها به فهرست گروه‌های تروریستی یا خارج کردن نام آنها از این فهرست را به وجود آورده است. تحریم‌های هدفمند که منجر به انسداد دارایی‌ها، تحمیل ممنوعیت‌های مسافرتی و محدودیت‌های دیگر می‌شوند، همچنین ممکن است پیامدهای جدی بر توانایی افراد متأثر و خانواده‌هایشان در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی و اجتماعی داشته باشند، چراکه ممکن است دسترسی آنها به تحصیل و اشتغال به شدت محدود شود. بکارگیری موثر معافیت‌های بشردوستانه ممکن است یکی از شیوه‌های مهم در راستای اعمال محدودیت بر تأثیر منفی تحریم‌های هدفمند در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حساب آید. به طور مشابه، اقدامات امنیتی سرکوبگرانه (نظیر دستورات کنترل‌کننده و احداث موانع فیزیکی برای محدود کردن حرکت افراد و گروه‌های خاص) که به منظور مقابله با تروریسم اتخاذ می‌شوند، به شدت توانایی اشتغال افراد و جمعیت‌های معین و حق آنها بر آموزش، خدمات درمانی و زندگی خانوادگی را محدود کرده است. یک تحلیل حقوق بشری از تأثیر اینگونه تدابیر ضد تروریستی، مستلزم توجه ویژه به عواقب جدی است که می‌تواند برای اشخاص حقیقی، خانواده آنها و جامعه بوجود آید.

پیوست

اقدام سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم

اجرای استراتژی جهانی مقابله با تروریسم

استراتژی جهانی سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم در ۶ سپتامبر ۲۰۰۶ به تصویب مجمع عمومی رسید. در این سند، دولت‌های عضو برای اولین بار بر سر چارچوب یک استراتژی جامع و جهانی در راستای مقابله با تروریسم به توافق رسیدند. در استراتژی مذکور، مجموعه اقدامات منسجمی به تفصیل بیان شده است که دولت‌های عضو، خواه به صورت فردی و خواه جمعی، می‌بایست با هدف بررسی شرایط منجر شونده به گسترش تروریسم، پیشگیری از تروریسم و مقابله با آن، تقویت توان فردی و جمعی در این راستا و پاسداری از حقوق بشر و حاکمیت قانون در حین مقابله با تروریسم اتخاذ نمایند. در این سند از یک سو، دولت‌های عضو موظف شده‌اند که در راستای اجرای مقررات برنامه عمل مندرج در استراتژی، با نظام ملل متحد همکاری نمایند و از طرف دیگر نهادهای سازمان ملل متحد موظف هستند که به دولت‌های عضو در تلاش‌هایشان بدین منظور کمک‌رسانی کنند.

تا به حال، دپارتمان‌ها، برنامه‌ها، صندوق‌ها و آژانس‌های سازمان ملل متحد، اقداماتی را در راستای اجرای این استراتژی اتخاذ نموده‌اند. برخی از این اقدامات به صورت جداگانه و برخی دیگر در قالب تلاش‌های مشترک در چارچوب کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم انجام شده است*.

هماهنگی و همکاری

کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم^{۱۶۷} که در سال ۲۰۰۵ توسط دبیرکل سازمان ملل تأسیس گشت، موظف به تضمین هماهنگی و ساماندهی حداقل ۲۴ نهاد سازمان ملل متحد فعال در زمینه مقابله با تروریسم است. این کارگروه علاوه بر تنظیم یک برنامه‌ی کاری چندین **گروه کاری^{۱۶۸}** را نیز تأسیس کرده است تا بدین طریق اولین مجموعه از کمپین‌های کمک‌رسانی به دولت‌های عضو در راستای اجرای این استراتژی را عملی سازد. این گروه‌های کاری عبارتند از:

¹⁶⁷ Counter-Terrorism Implementation Task Force (CTITF)

¹⁶⁸ Working groups

- **تسهیل اجرای منسجم استراتژی:** هدف از تاسیس این گروه کاری بسط یک روش شناسی عملی در راستای کمک رسانی به دولت‌های عضو ذی نفع در اجرای منسجم استراتژی است. این مهم بنا به درخواست دولت‌ها و با همکاری نهادهای کارگروه و سازمان‌ها صورت می‌پذیرد.
- **بررسی بنیادگرایی و افراطی گری منجر شونده به تروریسم:** هدف از تاسیس این گروه کاری ارائه کمک به دولت‌ها در راستای شناسایی چگونگی منجر شدن بنیادگرایی و افراطی گری به تروریسم و همچنین ارائه راهکارهایی باهدف تضعیف کشش به سمت تروریسم است.
- **مقابله با به کارگیری اینترنت در راستای اهداف تروریستی:** هدف از تاسیس این گروه کاری شناسایی و گردهم آوردن ذینفعان و شریکان به منظور بحث پیرامون سوءاستفاده از اینترنت برای مقاصد تروریستی و شناسایی راه‌های ممکن به منظور مقابله با این سوءاستفاده در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است.
- **پاسداری از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم:** هدف از تاسیس این گروه کاری حمایت از تلاش‌های دولت‌های عضو در راستای تضمین ترویج و پاسداری از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم است. از جمله اقدامات این گروه کاری عبارت است از بسط راهکارهای عملی و تسهیل تبادل اطلاعات پیرامون مسائل حائز اهمیت حقوق بشر، بعلاوه‌ی ارائه‌ی الگوهای عملی مناسب برای پاسداری از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم با توجه به تجارب به دست آمده در سطوح ملی و منطقه‌ای.
- **بهبود حمایت از اهداف آسیب پذیر:** هدف از تاسیس این گروه کاری ایجاد سازوکارهای مناسب به منظور تسهیل به اشتراک گذاری بهترین رویه‌های موجود و بسط رویه‌های بهتر به منظور حمایت از اهداف آسیب پذیر است.
- **حمایت از قربانیان تروریسم و مورد توجه ساختن آنها:** هدف از تاسیس این گروه کاری عبارت است از به اشتراک گذاری بهترین رویه‌های حامی از قربانیان تروریسم میان کنشگران مربوطه، ایجاد بنیادهایی به منظور گفت‌وگو سازنده میان قربانیان و دولت‌های عضو، ایجاد همبستگی میان قربانیان، دولت‌های عضو، جامعه‌ی بین‌المللی و جامعه‌ی مدنی و در نهایت ترغیب به حمایت گسترده از تلاش‌های به عمل آمده در راستای مقابله با تروریسم از طریق برجسته ساختن وضعیت نابسامان قربانیان.
- **مقابله با تأمین مالی تروریسم:** هدف از تاسیس این گروه کاری عبارت است از بررسی مؤلفه‌های گوناگون استراتژی‌های مقابله با تأمین مالی تروریسم و ارائه‌ی پیشنهادهایی که منجر به افزایش کارایی در اجرای معیارهای بین‌المللی توسط دولت‌های عضو می‌شود. از جمله این معیارهای بین‌المللی می‌توان به توصیه‌های ویژه کارگروه اقدام مالی^{۱۶۹} اشاره کرد.

¹⁶⁹ Financial Action Task Force (FATF)

کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم با تعدادی از سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در رابطه و در حال حاضر در حال بسط همکاری با این سازمان‌ها است. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان اسلامی آموزشی، علمی و فرهنگی^{۱۷۰}، اتحادیه‌ی اروپا، شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا اشاره کرد.

بررسی شرایط منجرشونده به گسترش تروریسم

از سال ۲۰۰۱ تا به حال، نمایندگان و فرستاده‌های ویژه دبیرکل در زمینه‌ی میانجیگری و تقویت **دپارتمان امور سیاسی**^{۱۷۱}، در تسهیل دست‌یابی به توافقات صلح در ۱۳ درگیری در سراسر دنیا ایفای نقش کرده‌اند. دپارتمان مذکور به تازگی واحد حمایت از میانجیگری^{۱۷۲} را تأسیس کرده است و دفتر حمایت از تحکیم صلح^{۱۷۳} درصدد تقویت هرچه بیشتر توانایی سازمان ملل در زمینه‌های صلح‌سازی^{۱۷۴} و تحکیم صلح^{۱۷۵} است.

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) درصدد ترویج گفت‌وگو میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مردمان است. یونسکو این مهم را از طریق آموزش میانجیگری میان فرهنگی و ترویج گفت‌وگو میان پیروان مذاهب و آیین‌های متفاوت، بهبود مبادلات و آموزش با کیفیت در سطوح مختلف جامعه انجام می‌دهد چرا که این اقدامات منجر به ارتقاء وضعیت حقوق بشر، شهروندی دموکراتیک و بردباری، و بهبود شبکه‌های روزنامه نگاری میان فرهنگی می‌شود. برنامه‌ی فرهنگ صلح یونسکو^{۱۷۶} به سازمان‌های جامعه‌ی مدنی کمک می‌کند تا فعالیت‌های تروریستی را به عنوان فعالیت‌های توجیه‌ناپذیر تقبیح نمایند.

دپارتمان اطلاعات همگانی^{۱۷۷}، با همکاری دولت‌های عضو، نهادهای آموزشی، سازمان‌های غیردولتی و جامعه‌ی مدنی، گفت‌وگو، احترام، بردباری و تفاوت فرهنگی را اتقاء می‌بخشد. این دپارتمان با سازماندهی مجموعه‌ای از سمینارها تحت عنوان "فراموش کردن نابردباری"^{۱۷۸} درصدد بررسی نمودهای متفاوت نابردباری و همچنین دست‌یابی به روش‌هایی است که احترام و درک متقابل میان مردمان را ترویج می‌بخشد. این دپارتمان تاکنون ۱۵ سمینار را با تمرکز بر مقابله با یهودستیزی و اسلام‌هراسی، نقش رسانه در گسترش بردباری، پیشگیری از نسل‌کشی و نقش کاریکاتورست‌های سیاسی برگزار کرده است.

¹⁷⁰ Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO)

¹⁷¹ Department of Political Affairs

¹⁷² Mediation Support Unit

¹⁷³ Peacebuilding Support Office

¹⁷⁴ peacemaking

¹⁷⁵ peacebuilding

¹⁷⁶ UNESCO Culture of Peace programme

¹⁷⁷ Department of Public Information

¹⁷⁸ Unlearning Intolerance

گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم^{۱۷۹} که تحت نظر شورای تازه تأسیس حقوق بشر عمل می‌کند به بررسی نقش ترویج حقوق بشر در حذف شرایطی می‌پردازد که منجر به گسترش تروریسم می‌شوند. این مهم هم از طریق بررسی شرایط یک کشور خاص^{۱۸۰}، از جمله بازدید از آن کشور و هم از طریق گزارش‌های موضوعی^{۱۸۱} ارائه شده به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی انجام می‌پذیرد.

پیشگیری و مقابله با تروریسم

تاکنون ۱۶ **سند حقوقی در سطح جهانی** (۱۳ سند و ۳ الحاقیه) با همکاری سازمان ملل و سازمان‌های بین دولتی مربوطه تدوین و تصویب شده است. بیشتر این اسناد دارای قدرت اجرایی هستند و چارچوبی حقوقی را برای اقدامات چندجانبه علیه تروریسم و جرم‌انگاری اقدامات ویژه‌ی تروریستی، از جمله هواپیماربایی، گروگانگیری، بمب‌گذاری تروریستی، تأمین مالی تروریسم و تروریسم هسته‌ای، پدید آورده است. این اسناد به همراه قطعنامه‌های مجمع عمومی (۶۰/۲۸۸ و ۵۱/۲۱۰ و ۴۹/۶۰) و شورای امنیت (۱۲۶۷ (۱۹۹۹)، ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، ۱۵۴۰ (۲۰۰۴)، ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) و ۱۶۲۴ (۲۰۰۵)) تکمیل می‌گردند.

* **کمیته‌ی مقابله با تروریسم**^{۱۸۲} و **هیئت اجرایی کمیته‌ی مقابله با تروریسم**^{۱۸۳} مسئولیت نظارت بر اجرای قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت و همچنین تسهیل در کمک‌رسانی به کشورهای درخواست‌کننده را برعهده دارند. براساس گزارش‌های متعدد از جانب ۱۹۲ دولت عضو و منابع دیگر اطلاعاتی، کمیته مذکور در حال تکمیل ارزیابی‌های اولیه از اجرای قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) است، قطعنامه‌ای که از تمامی دولت‌ها می‌خواهد اقداماتی را در راستای پیشگیری از اعمال تروریستی اتخاذ نماید و توصیه‌هایی برای بهبود این اقدامات ارائه می‌دهد. به علاوه این کمیته از ۲۲ دولت عضو بازدید به عمل آورده و در حال برنامه‌ریزی برای بازدید از ۱۱ کشور دیگر است.

براساس **رژیم تحریم القاعده و طالبان**^{۱۸۴} که توسط کمیته‌ی ۱۲۶۷ شورای امنیت اداره می‌شود، این شورا تمامی دول عضو را ملزم به مسدودسازی دارایی، منع از سفر و تحریم تسلیحاتی آن دسته از افراد و نهادهایی می‌کند که نامشان در لیست تلفیقی کمیته‌ی ۱۲۶۷ به خاطر همکاری با القاعده، اسامه بن لادن و طالبان درج شده است. این

¹⁷⁹ Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights while Countering Terrorism

¹⁸⁰ country-specific work

¹⁸¹ thematic reports

¹⁸² Counter-Terrorism Committee

¹⁸³ Counter-Terrorism Committee Executive Directorate

¹⁸⁴ Al-Qaida and Taliban sanctions regime

تحریم ها هر کجا که افراد و نهادهای مذکور وجود داشته باشند اعمال می گردد. تا نوامبر ۲۰۰۷، لیست مذکور حاوی نام ۳۶۷ فرد و ۱۱۲ نهاد بود و ۳۶ دولت دارایی افراد و نهادهای مذکور را مسدود کرده بودند.

تیم نظارت که کمیته‌ی ۱۲۶۷ را در بهبود اجرای رژیم تحریم‌ها یاری رسانی می کند، تا به حال ۷ گزارش تحلیلی در رابطه با ارزیابی اجرای این تحریم‌ها، ماهیت متغیر تهدیدهای القاعده و طالبان و بهترین اقدامات در راستای مقابله با آنها گردآوری و تدوین کرده است. تیم مذکور تاکنون به منظور بحث پیرامون چگونگی بهبود رژیم تحریم‌ها از ۶۰ دولت عضو بازدید به عمل آورده است و با ۲۸ نهاد بین المللی و منطقه‌ای همکاری داشته است. به علاوه این تیم ۴ گروه منطقه‌ای متشکل از آژانس‌های اطلاعاتی و امنیتی از کشورهای گوناگون به علاوه بانکداران و دیگر بخش‌های خصوصی تأسیس کرده است تا بدین طریق نظرات و پیشنهادات بیشتری را برای بررسی در شورای امنیت ارائه نماید.

کمیته‌ی تأسیس شده براساس تصویب قطعنامه‌ی ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) و متخصصان آن^{۱۸۵} گزارش‌های واصله از ۱۳۶ دولت عضو (که در میان آنها ۸۵ دولت اطلاعات بیشتری ارائه می کنند) و یک سازمان (اتحادیه‌ی اروپا) پیرامون فعالیت هایشان در راستای تحقق الزامات مندرج در قطعنامه‌ی ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت را بررسی کردند. این درحالی است که در همین حین کمیته مذکور کاستی‌های موجود در اقدامات به عمل آمده در راستای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی و ملحقیات آنها را شناسایی و راهکارهایی در این زمینه ارائه کرد.

عناصر نظامی و پلیس **عملیات حفظ صلح سازمان ملل**^{۱۸۶} در ۵ سال اخیر محیط‌های امن‌تری را در ۱۶ منطقه‌ی جنگی در سراسر جهان به وجود آورده‌اند، مسئله‌ای که باعث می شود فرصت به خدمت درآوردن افراد برای عملیات تروریستی و انجام این عملیات محدود گردد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی^{۱۸۷} در حال اجرای دومین برنامه‌ی امنیت هسته‌ای خود است - اولین برنامه مربوط بود به سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ و دومین برنامه مربوط است به سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹. هدف از اجرای این برنامه بهبود و تقویت هرچه بیشتر امنیت جهانی در برابر مواد هسته‌ای و رادیواکتیویته مستعمل، انبار شده یا در حال جابجایی توسط دولت‌های حامی در راستای تلاش هایشان به منظور شکوفایی رژیم‌های ملی امنیت هسته‌ای، است.

¹⁸⁵ Committee established pursuant to resolution 1540 (2004) and its experts

¹⁸⁶ United Nations peacekeeping operations

¹⁸⁷ International Atomic Energy Agency

دفتر امور خلع سلاح^{۱۸۸} اولین مرحله از تأسیس یک پایگاه جامع واحد برای داده‌های برآمده از حوادث بیولوژیکی را مطابق با استراتژی جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم آغاز کرده است. در این پایگاه داده‌ها، اطلاعات جزئی مربوط به تمامی حوادثی (اتفاقات بیولوژیکی) ذخیره می‌گردد که در آنها عاملی بیولوژیکی به انسان‌ها، دام‌ها و محصولات کشاورزی آسیب وارد می‌آورد یا تهدیدی برای آنها به حساب می‌آید. پایگاه داده‌های مذکور همچنین شامل اطلاعاتی پیرامون همه گزارش‌های دروغین مربوطه^{۱۸۹} نیز می‌شود. همچنین مشورت‌هایی پیرامون گسترده‌ی داده‌های موجود، با دول عضو ذینفع به عمل آمده است. این دفتر همچنین فهرستی از متخصصان و آزمایشگاه‌ها را در اختیار دارد تا در صورت وجود ادعایی مبنی بر به کارگیری سلاح‌های بیولوژیکی آن را در اختیار سازوکارهای تحقیقاتی دبیرکل قرار دهد. در اوایل سال ۲۰۰۷ دفتر مذکور، از تمامی دول عضو تقاضا کرد که لیست به روز شده‌ای از متخصصان و آزمایشگاه‌ها ارائه نمایند. در حال حاضر گروهی از متخصصان فنی در حال بررسی دستورالعمل‌های فنی و شیوه‌های چنین تحقیقاتی هستند.

سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی^{۱۹۰} (ایکائو) معاهدات، استانداردهای بین‌المللی و شیوه‌های پیشنهادی به علاوه‌ی دستورالعمل‌هایی به منظور حفاظت از هواپیماها، فرودگاه‌ها و سایر تسهیلات هوانوردی را تدوین می‌کند. سازمان مذکور تا ۳۱ مارس سال ۲۰۰۷ در ۱۵۹ کشور عضو به بررسی مسائل امنیتی پرداخته و در راستای رفع کاستی‌های شناسایی شده کمک‌رسانی‌های لازم را انجام داده است. از دیگر فعالیت‌های ایکائو بررسی امنیت اسناد مسافرتی و منطقی کردن سیستم‌ها و فرآیندهای نظارت بر ورود به مرزها^{۱۹۱} است.

سازمان بین‌المللی دریانوردی^{۱۹۲} اقداماتی لازم الاجرا به منظور افزایش امنیت دریایی اتخاذ کرده است. از جمله این اقدامات می‌توان به کدگذاری امنیتی کشتی‌ها و تسهیلات بندر بین‌المللی^{۱۹۳} اشاره کرد که از جانب ۱۵۸ دولت عضو یعنی صاحبین ۹۹٪ از ناوگان بازرگانی جهان (حدود ۴۰۰۰۰ کشتی) در عرصه‌ی سفرهای دریایی بین‌المللی اجرا می‌شود و ۱۰۰۰۰ بندر در جهان برنامه‌های امنیتی خود را بسط و ارتقا داده‌اند.

مؤسسه تحقیقات بین‌منطقه‌ای سازمان ملل در زمینه‌ی جرم و عدالت^{۱۹۴} براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از ۲۵ کشور آسیایی و اروپایی پیرامون استراتژی‌های ملی در نظر گرفته شده برای خرید و فروش غیرقانونی

¹⁸⁸ Office for Disarmament Affairs

¹⁸⁹ related reported hoaxes

¹⁹⁰ International Civil Aviation Organization

¹⁹¹ border clearance systems and procedures

¹⁹² International Maritime Organization

¹⁹³ International Ship and Port Facility Security (ISPS) Code

¹⁹⁴ United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute

مواد شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای، گزارشی تحلیلی و کشوری را در راستای تعیین شکاف‌ها و بهترین عملکرد در استراتژی‌های ملی مقابله با خرید و فروش غیرقانونی ارائه می‌کند.

سازمان جهانی سلامت^{۱۹۵}، در زمینه‌ی آمادگی برای سلامت عمومی و واکنش به تمامی وضعیت‌های اضطراری بهداشت عمومی در سطح بین‌المللی، فارغ از علت یا منشاء آنها، در چارچوب مقررات بین‌المللی سلامت^{۱۹۶} (۲۰۰۵) فعالیت می‌کند. سیستم هشدار و پاسخگویی جهانی این سازمان حوادثی را که سلامت عمومی در سطح بین‌المللی را به خطر می‌اندازد را شناسایی و خطرهای مربوطه را ارزیابی می‌کند. این سازمان همچنین قادر است به منظور یاری‌رسانی به دولت‌ها، شبکه‌ای بین‌المللی از فعالان در حوزه‌ی سلامت عمومی را بسیج کند. به منظور یاری‌رسانی به کشورها در ارزیابی و بهبود آمادگی‌شان برای مدیریت پیامدهای سلامت عمومی ناشی از یک واقعه‌ی تروریستی بیولوژیکی، شیمیایی، رادیولوژیکی یا هسته‌ای، یک راهنما توسط این سازمان تهیه شده است. سازمان جهانی سلامت به منظور ترویج استفاده و نگهداری مواد بیولوژیکی به صورت ایمن و کاهش خطرات استفاده نادرست از آنها اقدام به تدوین استانداردها و ارائه آموزش‌های ضروری به منظور حفظ ایمنی و امنیت لازم در آزمایشگاه‌های زیست‌شناسی کرده است.

**** سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپل)^{۱۹۷}**، از طریق کارگروهی ویژه، فرصتی را برای متخصصان مقابله با تروریسم فراهم می‌آورد تا به تبادل بهترین روش‌ها به علاوه اطلاعات عملیاتی بپردازند و از این طریق گروه‌های فعال تروریستی و اعضای آنها و همچنین سلسله‌مراتب سازمانی، روش‌های آموزش عملیات تروریستی، تأمین مالی و عضوگیری مظنونین گروه‌های تروریستی را شناسایی کنند. اینترپل طیف وسیعی از داده‌ها را در مقیاس جهانی، از جمله اطلاعات کلیدی (همچون افراد تحت تعقیب، اثرانگشت و عکس) در اختیار دارد و برای تولید این داده‌ها به ویژه پیرامون اسناد مسافرتی مسروقه یا گم شده، از تکنولوژی خاصی در نقاط کنترل مرزی بهره می‌گیرد. این سازمان همچنین در زمینه‌ی هشداردهی پیرامون مظنونین به تروریست و همچنین تروریست‌های تحت تعقیب هماهنگی‌های لازم را به عمل می‌آورد و به شورای امنیت سازمان ملل در زمینه‌ی اجرایی رژیم تحریم القاعده و طالبان، از طریق ارائه‌ی اطلاعات مربوط به افراد تحت تحریم سازمان ملل به مقامات اجرای قانون در سراسر دنیا، یاری می‌رساند. این سازمان بنا به درخواست دولت‌های عضو و از طریق اعزام تیم‌های واکنش در محل وقوع عملیات تروریستی به دولت‌ها در زمینه‌ی تحقیقات پیرامون عملیات تروریستی یاری می‌رساند.

¹⁹⁵ World Health Organization

¹⁹⁶ International Health Regulations

¹⁹⁷ International Criminal Police Organization (INTERPOL)

ظرفیت سازی در دولت ها برای مقابله با تروریسم

دفتر امور حقوقی^{۱۹۸} به منظور انتشار اطلاعات پیرامون اسناد جهانی مقابله با تروریسم و همچنین تشویق دولت‌ها به پیوستن به این رژیم معاهدات، تاکنون چندین نشریه به چاپ رسانده و سمینارها و برنامه‌های آموزشی متعددی را در این رابطه برگزار کرده است.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^{۱۹۹} تاکنون به بیش از ۱۴۹ کشور در الحاق و اجرای اسناد جهانی مرتبط با پیشگیری و مقابله با تروریسم بین‌المللی و همچنین تقویت سازوکارهای همکاری بین‌المللی پیرامون جرائم تروریستی، از جمله از طریق ظرفیت سازی ملی، کمک کرده است. این دفتر تاکنون به بیش از ۸۰ کشور پیرامون مقابله با تروریسم مشاوره حقوقی ارائه کرده است. دفتر مذکور در راستای تقویت رژیم حقوقی مقابله با تروریسم کمک‌های فنی بسیاری، از جمله مدل‌هایی برای نحوه قانونگذاری و داده‌های مربوطه ارائه می‌کند. این دفتر همچنین در راستای آموزش مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به مقامات مربوطه، متخصصانی را به کار می‌گمارد و نهادهایی را در این زمینه تأسیس می‌کند. به علاوه دفتر مذکور، به دولت‌های عضو در ایجاد نظام‌های عدالت کیفری مطابق با حاکمیت قانون و استانداردهای حقوق بشری یاری می‌رساند.

هیئت اجرایی کمیته‌ی مقابله با تروریسم نیازهای فنی بیش از ۹۰ دولت عضو را شناسایی و اولویت‌بندی می‌کند و این نیازها را به اطلاع اهداگران بالقوه (منابع مالی) می‌رساند. لازم به ذکر است که کتاب راهنمایی با موضوع بهترین رویه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی به منظور اجرای قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) بر روی وبسایت کمیته‌ی مقابله با تروریسم قرار گرفته است.

تیم نظارتی کمیته‌ی ۱۲۶۷^{۲۰۰} تاکنون اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از میان ۱۵۱ دولت عضو و همچنین دریافت تقاضای این دولت‌ها در رابطه با نیازهای فنی برای اجرای موثرتر رژیم تحریم بر القاعده و طالبان کرده است. این تیم نظارتی اطلاعات مذکور را، به منظور اتخاذ اقدامات لازم، در اختیار دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (شاخه پیشگیری از تروریسم) و همچنین هیئت اجرایی کمیته‌ی مقابله با تروریسم قرار داده است.

برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد^{۲۰۱} که در ۱۶۶ کشور فعالیت می‌کند، بنا به درخواست حکومت‌ها، اقدامات متعددی را در راستای ارتقاء حکومت قانون از جمله از طریق ارائه برنامه‌هایی به منظور حمایت از اجرای قوانین ضد پولشویی و تقویت نظام‌های کیفری به عهده می‌گیرد.

¹⁹⁸ Office of Legal Affairs

¹⁹⁹ United Nations Office on Drugs and Crime

²⁰⁰ Monitoring Team of the 1267 Committee

²⁰¹ United Nations Development Programme

دپارتمان عملیات حفظ صلح^{۲۰۲} در زمینه‌هایی همچون آدم‌ربایی، جمع‌آوری اطلاعات، گروگانگیری، محافظ شخصی^{۲۰۳} و تحقیق پیرامون قتل‌های سیاسی، آدم‌کشی و بمب‌گذاری، آموزش‌های لازم را برای مأموران پلیس ملی، مأموران اجرای قانون و مقامات مربوطه ارائه می‌دهد.

دپارتمان ایمنی و امنیت^{۲۰۴} مسئولیت هماهنگ ساختن فعالیت‌های سیستم مدیریت یکپارچه‌ی امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با ایمنی و امنیت کارمندان، دارایی‌ها و عملیات سازمان ملل متحد در تمامی مقرهای این سازمان در سراسر دنیا را با توجه خاص به تهدیدهای گوناگون از جمله تروریسم، برعهده دارد. دپارتمان مذکور به همراه اینترپل و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه^{۲۰۵} درصدد بهبود ظرفیت در واکنش به وضعیت‌های اضطراری ناشی از تهدیدهای امنیتی همچون تروریسم است.

براساس قطعنامه‌ی شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد (اکوسوک) در رابطه با دیدبان بین‌المللی دائمی^{۲۰۶} (E/2006/28) مصوب جولای ۲۰۰۶، **مؤسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل در زمینه‌ی جرم و عدالت**^{۲۰۷} به حمایت خود از تعدادی از دولت‌ها در زمینه‌ی آمادگی‌های امنیتی در رویدادهای بزرگ همچون بازی‌های المپیک و سایر رویدادهای ورزشی مهم، نشست سران عالی رتبه و رویدادهای همگانی کلان ادامه داد. مؤسسه مذکور همچنین آموزش‌های لازم را برای برنامه‌ریزان امنیتی از ۱۷ کشور آمریکای لاتین ارائه کرده است و در اروپا پیرامون یک حوزه تحقیقاتی یکپارچه پیرامون تامین امنیت رویدادهای بزرگ کار کرده است. به علاوه این مؤسسه شماری از شیوه‌های فنی را برای سیاستگذاران ملی و برنامه‌ریزان امنیتی ارائه کرده است.

فعالیت‌های **آژانس بین‌المللی انرژی اتمی**^{۲۰۸} با هدف کمک‌رسانی به دولت‌ها مشتمل است از: اعزام مأموران ارزیاب به بیش از صد کشور با هدف کمک به دولت‌ها در شناسایی الزامات امنیتی مهم خود در زمینه مسائل هسته‌ای؛ ساماندهی در بازیابی، استقرار و یا انبار حدود ۱۰۰ منبع پرفعالیت و منابع نوترون؛ یاری‌رسانی به دولت‌ها در آموزش مقامات گمرکی و سایر مقامات مربوطه در امور مرزی و استقرار تجهیزات کشف‌کننده در نقاط عبور مرزی؛ راه‌اندازی شبکه‌های ارتباطاتی ۲۴ ساعته به منظور تسهیل همکاری دولت‌ها در مواقع بروز حوادث هسته‌ای یا وضعیت‌های اضطراری رادیولوژیکی؛ این آژانس همچنین به دولت‌ها کمک می‌کند تا تعهدات فعلی و آتی خود در قبال اسناد بین‌المللی تقویت‌کننده امنیت هسته‌ای را به اجرا درآورند. از جمله این اسناد می

²⁰² Department of Peacekeeping Operations

²⁰³ close protection

²⁰⁴ Department of Safety and Security

²⁰⁵ Office for the Coordination of Humanitarian Affairs

²⁰⁶ IPO

²⁰⁷ United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute

²⁰⁸ International Atomic Energy Agency

توان به کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای^{۲۰۹} و کنوانسیون مقابله با اقدامات تروریسم هسته‌ای^{۲۱۰} و قطعنامه-ی ۱۵۴ (۲۰۰۴) شورای امنیت اشاره کرد.

سازمان منع سلاح‌های شیمیایی^{۲۱۱} از طریق ترویج پایبندی به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی^{۲۱۲} به تلاش‌های اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم کمک می‌کند. فعالیت‌های این سازمان معطوف است به کمک رسانی به دولت‌ها در راستای ارتقا ظرفیت برای جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به مواد شیمیایی، تضمین امنیت تسهیلات مربوطه و واکنش مؤثر در قبال حملات شیمیایی. سازمان مذکور از بالغ بر ۷۱۰۰۰ هزار کیلوگرم عامل شیمیایی و تمامی تأسیسات پیشین و غیرفعال تولید سلاح‌های شیمیایی در جهان محافظت به عمل می‌آورد.

سازمان بین‌المللی دریانوردی، به واسطه‌ی برنامه‌ی جهانی خود برای امنیت دریایی^{۲۱۳} نیازهای بیش از ۶۰ کشور را ارزیابی کرده و مأمورین خود را جهت ارائه پیشنهادات به این کشورها فرستاده و تاکنون ۶۸ سمینار ملی و ۵۰ سمینار منطقه‌ای در این حوزه برگزار کرده است. به علاوه سازمان مذکور تاکنون کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی متعددی را با هدف آموزش روش‌های تضمین امنیت دریایی برای قریب به ۶۰۰۰ نفر برگزار کرده است. هدف از انجام این فعالیت‌ها افزایش آگاهی پیرامون امنیت دریایی و سایر تهدیدها از طریق آشنایی با مقررات فصول (۲) کنوانسیون بین‌المللی ایمنی جان اشخاص در دریا^{۲۱۴} و مقررات بین‌المللی ایمنی کشتی و تسهیلات بنادر^{۲۱۵} و اجرای این مقررات است. این فعالیت‌ها همچنین باعث ترویج همکاری منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در زمینه مقابله با تروریسم و بهبود در پیشگیری از اعمال غیرقانونی در بنادر و دریا شده است. دوره‌های آموزشی این سازمان برای مریان، در هر دو سطح، منطقه‌ای و ملی، باعث شده که مریان در آموزش سایرین در راستای رسیدن به این اهداف توانمند گردند.

صندوق بین‌المللی پول^{۲۱۶} از اوایل سال ۲۰۰۲ ارزیابی‌هایی را پیرامون ظرفیت ۶۱ کشور در راستای مقابله با تروریسم و همچنین تأمین مالی تروریسم به عمل آورده است. این صندوق با برگزاری کارگاه‌های آموزشی ملی و منطقه‌ای و ارائه کمک‌هایی در راستای ظرفیت‌سازی همچون نحوه پیش‌نویس قوانین و تقویت نظارت بر بخش مالی برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، به ارائه کمک‌های فنی در ۲۲۲ کشور پرداخته. لازم به ذکر

²⁰⁹ Convention on the Physical Protection of Nuclear Materials

²¹⁰ Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism

²¹¹ Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons

²¹² Chemical Weapons Convention

²¹³ Global Programme on Maritime Security

²¹⁴ International Convention for the Safety of Life at Sea (SOLAS)

²¹⁵ International Ship and Port Facility Security Code

²¹⁶ International Monetary Fund

است در خلال ۵ سال گذشته حدود ۲۴۷۰ صاحب منصب در کارگاه های آموزشی صندوق بین الملل پول شرکت کرده اند.

از سال ۲۰۰۱، **بانک جهانی**^{۲۱۷} ۳۲ مورد ارزیابی در رابطه با میزان پیروی از مقررات مربوط به مقابله با پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم انجام داده که ۱۱ مورد از این ارزیابی ها با مشارکت صندوق بین الملل پول انجام گرفته است. در خلال این دوره، حدود ۲۷۵ مأموریت با هدف کمک رسانی فنی دو طرفه یا منطقه ای در جهت ارتقاء تمامی مؤلفه های رژیم مقابله با پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم انجام شده است. به علاوه بانک جهانی تاکنون ۱۴ پژوهش پیرامون سیستم های احاله ارزی دو طرفه انجام داده است و از این طریق اطلاعات جدیدی در رابطه با ویژگی های جریان های احاله ارز در اختیار کشورهای فرستنده و دریافت کننده قرار می دهد. این اطلاعات به منزله پایه و اساسی برای بازنگری در سیاست های اتخاذی محسوب می شوند تا در حین پیروی بیشتر از استانداردهای مربوط به مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، با صرف پول کمتر احاله های افزایش یافته را بهبود بخشند. بانک جهانی همچنین در حال انجام پژوهش پیرامون خطرهای مربوط به مقابله با پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم ناشی از فن آوری تلفن همراه برای سرویس های مالی است. در این پژوهش توصیه هایی به دولت ها و ذینفعان ارائه می شود که چگونه به بهترین نحو در حین کاهش خطرات مذکور این فن آوری را نیز بهبود بخشند.

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) چارچوب هایی را به منظور حمایت از رویکردهای حقوق بشرمحور برای آموزش مطالب درسی و برنامه های آموزشی ارائه می کند تا بدین واسطه روش های آموزشی جامع و محتویات آموزشی متنوع ترویج داده شوند. وجود شبکه ای از ۵۵۰ کرسی یونسکو، پرتال آموزش جهانی^{۲۱۸} و برنامه ی زوج سازی و شبکه بندی دانشگاه ها^{۲۱۹} با ایجاد فرصت هایی برای افراد جوان در تمامی مناطق، باعث همبستگی میان دانشگاه ها و ارتقاء فهم متقابل و گفت و گو می شود. یونسکو همچنین منشوری اخلاقی برای دانشمندان تهیه کرده است که هدف از تدوین آن جلوگیری از بکارگیری نتایج علمی در راستای مقاصد تروریستی است.

**** سازمان بین المللی پلیس جنایی (اینترپل)** تاکنون چندین برنامه ی آموزشی برگزار و آن ها را هماهنگ کرده است. هدف از برگزاری این برنامه ها که پیرامون حوزه های متفاوتی از جرائم صورت گرفته اند، بالا بردن ظرفیت دولت ها در مقابله با تروریسم است. اینترپل به منظور تکمیل این دوره ها، چندین راهنمای آموزشی همچون "حوادث

²¹⁷ World Bank

²¹⁸ Global Learning Portal

²¹⁹ University Twinning and Networking (UNITWIN) programme

بیوتروریسم: دستورالعمل‌ها برای پیش‌برنامه‌ریزی و واکنش^{۲۲۰} تهیه کرده است. تاکنون، اینترپل، ۵ کارگاه آموزشی منطقه‌ای با موضوع بیوتروریسم برگزار کرده است که نمایندگان ۱۳۰ کشور در این کارگاه‌ها حضور یافته‌اند. در این کارگاه‌ها راه‌کارهایی به منظور ارتقا روش‌های پلیسی، بهداشتی، تحقیقی و گمرکی به منظور کارکرد بهتر آنها ارائه می‌شود. این سازمان همچنین نشست‌هایی برای آموزش مربیان برگزار کرده است. در این نشست‌ها استراتژی‌های مؤثر به منظور پیشگیری و واکنش شناسایی می‌شوند، همکاری‌های زیرمنطقه‌ای شکل می‌گیرند و صلاحیت حقوقی برای برعهده گرفتن عملکردهای خطیر پلیس ارزیابی می‌شوند. اینترپل از کشورهای عضو در خلال و قایع مهم حمایت می‌کند. سازمان مذکور انجام این مهم را از طریق به کارگیری تیم‌های متخصص برای تقویت تلاش‌های ملی درخصوص حفظ امنیت و حمایت از آن رویداد انجام می‌دهد. این سازمان همچنین دستورالعملی تحت عنوان "بهترین راهنمای عملی برای مقابله با تروریسم"^{۲۲۱} تدوین کرده که از طریق سایت کمیته‌ی مقابله با تروریسم در دسترس قرار گرفته است. اینترپل به عنوان بخش مهمی از گروه کاری کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم در تقویت پاسداری از اهداف آسیب پذیر، یک مرکز ارجاع^{۲۲۲} تأسیس خواهد کرد. هدف از تأسیس این مرکز تسهیل تبادل متخصصان، بهترین روش‌ها و در صورت ضرورت، کمک‌های فنی است.

حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریست

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، ترویج و حمایت از حقوق بشر و اتخاذ اقدامات مؤثر در راستای مقابله با تروریسم را دو هدف مکمل و تقویت‌کننده‌ی یکدیگر تلقی و از آن‌ها حمایت می‌کند. این دفتر به بررسی مسئله‌ی حقوق بشر در حین مقابله با تروریست می‌پردازد. بدین منظور توصیه‌های عمومی پیرامون تعهدات حقوق بشری دولت‌ها صادر می‌کند و به دولت‌ها بنا به درخواستشان به ویژه در زمینه‌ی افزایش آگاهی آژانس‌های اجرای قانون ملی پیرامون قوانین بین‌المللی حقوق بشر، کمک و مشورت ارائه می‌دهد. این دفتر به دولت‌های عضو در رابطه با حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در حین مقابله با تروریسم، از جمله بسط قوانین و سیاست‌های ضدتروریستی منطبق با حقوق بشر، کمک‌رسانی می‌کند و نظرات خود را در اختیار آنها قرار می‌دهد. به علاوه دفتر مذکور، با هدایت گروه کاری حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم^{۲۲۳} به کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم کمک می‌کند.

²²⁰ Bio-Terrorism Incident Pre-Planning and Response Guide

²²¹ Best Practices Guide in Combating Terrorism

²²² Referral Centre

²²³ Working Group on Protecting Human Rights While Countering Terrorism

گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم که زیر نظر شورای تازه تاسیس حقوق بشر فعالیت می‌کند در راستای شناسایی، تبادل و ترویج بهترین شیوه‌های مقابله با تروریسم در حین احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی فعالیت می‌کند. او از کشورهای منتخب بازدید به عمل می‌آورد و با بیش از ۴۰ کشور پیرامون قوانین و رویه‌هایشان مکاتبه می‌کند. این گزارشگر مرتباً گزارش‌هایی پیرامون مسائل موضوعی و بازدیدهای به عمل آورده از کشورها به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ارائه می‌دهد.

مؤسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل در زمینه جرم و عدالت تاکنون آموزش‌هایی را برای حفاظت از شهود برای دادستان‌های عمومی و سایر مقامات تحقیقاتی از ۱۹ کشور آمریکای لاتین برگزار کرده است. تمرکز عمده این آموزش‌ها بر روی قربانیان تروریسم و همچنین افرادی است که در ارتکاب جرائم تروریستی یا جرائم سازمان یافته دست دارند و در این جرائم مشارکت کرده‌اند. هدف از ارائه این برنامه‌های آموزشی بهبود مهارت‌ها به منظور پیشینه‌سازی استفاده از اطلاعات دریافتی از شهود مطابق با حق دفاع و ترویج روش‌های مناسب برای قربانیان تروریسم است.

*در کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم نمایندگانی از نهادهای ذیل وجود دارند:

هیئت اجرایی کمیته‌ی مقابله با تروریسم (CTED)، دپارتمان عملیات حفظ صلح (DPKO)، دپارتمان امور سیاسی (DPA)، دپارتمان اطلاعات همگانی (DPI)، دپارتمان ایمنی و امنیت (DSS)، پرسنل متخصص کمیته‌ی ۱۵۴۰، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی (ICAO)، سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، تیم نظارتی کمیته‌ی ۱۲۶۷، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، دفتر امور خلع سلاح (ODA)، دفتر امور حقوقی (OLA)، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)، گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد (UNDP)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، مؤسسه تحقیقات بین‌منطقه‌ای سازمان ملل در زمینه‌ی جرم و عدالت (UNICRI)، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، سازمان جهانی گمرک (WCO)، بانک جهانی، سازمان جهانی سلامت (WHO). این کارگروه در برنامه ریزی‌ها و هماهنگی‌های خود تنها به نهادهای موجود در نظام ملل متحد محدود نمی‌شود و با دیگر نهادها همچون سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (INTERPOL) نیز همکاری می‌کند.

**در حالی که اینترپل بخشی از نظام ملل متحد نیست، عضوی از کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم (CTITF) به حساب می‌آید که در سال ۲۰۰۵ تاسیس و ریاست آن بر عهده دبیرکل سازمان ملل متحد است.

(فهرست بالا پیرامون فعالیت‌های اقدامات مقابله با تروریسم سازمان ملل متحد بر اساس اطلاعات ارائه شده از نهادهای عضو کارگروه اجرایی مقابله با تروریسم تهیه شده است.)

به منظور دریافت اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به وبسایت: www.un.org/terrorism

گزاره برگ‌های حقوق بشر*

- شماره ۲: منشور بین‌المللی حقوق بشر
- شماره ۳: خدمات مشاورتی و همکاری فنی در زمینه حقوق بشر
- شماره ۴: مقابله با شکنجه
- شماره ۶: ناپدیدشدگی اجباری یا غیرداوطلبانه
- شماره ۷: آئین دادرسی شکایت
- شماره ۹: حقوق مردمان بومی
- شماره ۱۰: حقوق کودک
- شماره ۱۱: اعدام‌های فراقضایی، شتابزده و خودسرانه
- شماره ۱۲: کمیته رفع تبعیض نژادی
- شماره ۱۳: حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر
- شماره ۱۴: اشکال معاصر برده‌داری
- شماره ۱۵: حقوق مدنی و سیاسی: کمیته حقوق بشر
- شماره ۱۶: کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- شماره ۱۷: کمیته منع شکنجه
- شماره ۱۸: حقوق اقلیت‌ها
- شماره ۱۹: نهادهای ملی برای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر
- شماره ۲۰: حقوق بشر و پناهندگان
- شماره ۲۱: حق بر مسکن مناسب
- شماره ۲۲: تبعیض علیه زنان: کنوانسیون و کمیته
- شماره ۲۳: روش‌های سنتی زیان‌آور برای سلامت زنان و کودکان
- شماره ۲۴: کنوانسیون بین‌المللی کارگران مهاجر و کمیته آن
- شماره ۲۵: خلع ید اجباری و حقوق بشر
- شماره ۲۶: کارگروه بازداشت‌های خودسرانه
- شماره ۲۷: هفده سوال متداول درباره گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد
- شماره ۲۸: تأثیر فعالیت‌های مستشاران در حوزه حق مردمان بر تعیین سرنوشت
- شماره ۲۹: مدافعان حقوق بشر: حمایت از حق دفاع از حقوق بشر.
- شماره ۳۰: نظام مبتنی بر معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد – مقدمه‌ای بر معاهدات اصلی حقوق بشر و نهادهای مبتنی بر معاهدات.
- شماره ۳۱: حق بر سلامت
- شماره ۳۲: حقوق بشر، تروریسم و مقابله با تروریسم

*گزاره برگ‌های شماره ۱، ۵ و ۸ دیگر منتشر نمی‌شوند. تمامی این گزاره‌ها در وبگاه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر به آدرس روبرو

مجموعه گزاره برگ‌های حقوق بشر توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد مستقر در ژنو منتشر می‌شود. این مجموعه به گزیده مطالبی پیرامون حقوق بشر می‌پردازد که تحت بررسی دقیق یا حائز اهمیت ویژه هستند.

هدف از انتشار این گزاره برگ‌ها کمک به مخاطبان بیشتر در درک بهتر نسبت به حقوق بنیادین بشر، فعالیت سازمان ملل در ترویج و حمایت از این حقوق و ساختار بین‌المللی موجود برای تحقق این حقوق است. این گزاره برگ‌ها به صورت رایگان در سراسر جهان توزیع می‌شوند. ترجمه این گزاره برگ‌ها به زبان‌هایی غیر از زبان‌های رسمی سازمان ملل، مشروط به ذکر نام دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در ژنو به عنوان مرجع مطالب و عدم اعمال تغییر در محتویات آنها، مورد تشویق این نهاد واقع می‌شوند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با آدرس‌های ذیل تماس برقرار کنید:

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights
United Nations Office at Geneva
8-14, Avenue de la Paix
CH-1211 Geneva 10
Switzerland

New York Office:
Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights
United Nations
New York, NY 10017
United States of America